



غیر قابل استناد (دوره دومین مؤمن درسی حوزه های علمیه)

فیدر قابل استناد (دفتر تلویزیون متون درسی حوزه های علمیه)

لغت‌شناسی

درآمدی بر لغت‌شناسی

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درآمدی بر لغت‌شناسی

■ ■ ■

دفتر تدوین متون درسی

ناشر: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲

■ ■ ■

همه حقوق محفوظ است.

انتشارات: ۰۲۵-۳۷۷۴۸۳۸۳

دفتر تدوین متون حوزه :

۰۲۵-۳۷۸۳۴۰۵۴

۰۹۱۹۴۵۳۳۳۴۰

Email: tmdqom@Yahoo.com

Email: tmdqom@Gmail.com

■ ■ ■

سرشناسه:

شناسه افزوده: حوزه‌های علمیه. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه،

دفتر تدوین متون درسی

عنوان و پدیدآور: درآمدی بر لغت‌شناسی، دفتر تدوین متون

درسی حوزه

مشخصات نشر: قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری: ۲۰۶ص-

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: فقه‌اللغه



فهرست

۱۵	مقدمه:
۱۹	درس اول
۱۹	چیستی و پیشینه لغت‌شناسی
۱۹	تعریف لغت
۱۹	تعریف لغت‌شناسی و فرایند تحلیل لغت
۲۰	موضوع و غایت
۲۰	ضرورت دانش لغت‌شناسی
۲۰	تاریخچه
۲۲	روشهای لغت‌شناسی:
۲۳	پرسش و تمرین
۲۵	درس دوم
۲۵	جایگاه و ساختار دانش لغت
۲۵	۱. مفاهیم اساسی
۲۵	معنا
۲۶	وضع
۲۶	استعمال
۲۶	کلمه
۲۶	ماده کلمه
۲۶	هیات
۲۷	۲. مبانی لغت‌شناسی
۲۷	ب. جایگاه لغت‌شناسی در بین علوم ادبی
۲۷	جایگاه علم لغت نسبت به دیگر علوم اسلامی:

ج. ساختار لغت شناسی ۲۸

پرسش و تمرین ۲۹

بخش اول : آشنایی با مبانی و مسائل لغت شناسی

درس سوم ۳۳

اشتقاق ۳۳

تعریف اشتقاق : ۳۴

انواع اشتقاق ۳۴

الف. اشتقاق صغیر ۳۴

ب. اشتقاق کبیر ۳۵

ج. اشتقاق اکبر ۳۵

نحت ۳۶

پرسش و تمرین ۳۶

درس چهارم ۳۹

اشتراک لفظی و معنوی ۳۹

تعریف مشترک لفظی ۳۹

نقش اشتراک لفظی در فهم واژگان ۴۰

اشتراک معنوی ۴۰

تعریف اضداد ۴۰

نقش اضداد در فهم واژگان ۴۰

ترادف ۴۱

تعریف ترادف ۴۱

نقش ترادف در فهم واژگان ۴۱

پرسش و تمرین ۴۲

درس پنجم ۴۵

۴۵	حقیقت و مجاز
۴۵	تعریف حقیقت و مجاز
۴۶	اقسام مجاز
۴۶	مجاز در قرآن
۴۷	پرسش و تمرین

بخش دوم : آشنایی با معاجم لغوی

۵۱	درس ششم
۵۱	سیر تاریخی تدوین معاجم لغوی
۵۱	تاریخچه تدوین معاجم لغوی
۵۲	انواع معاجم لغوی
۵۲	تقسیم ۱ : انواع معاجم با توجه به زمان تدوین
۵۳	تقسیم ۲ : انواع معاجم بر اساس روش تنظیم کلمات
۵۴	تقسیم ۳ : انواع معاجم بر اساس موضوعات و محتوا
۵۶	بیشتر بدانیم
۵۶	معاجم لغوی عام
۵۶	معاجم عام تک زبانه
۵۷	معاجم دوزبانه :
۵۸	فارسی به عربی :
۵۸	معاجم چندزبانه
۵۸	معاجم لغوی خاص
۵۸	معاجم لغوی خاص مقایسه ای
۵۹	معاجم لغوی خاص غیرمقایسه ای
۵۹	معاجم قرآنی
۵۹	معاجم حدیثی

۶۰	پرسش و تمرین
۶۳	درس هفتم
۶۳	معجم «العین»
۶۳	شخصیت خلیل بن احمد:
۶۴	ویژگی های کتاب العین
۶۵	روش ترتیب مشتقات یک ماده
۶۵	چگونگی تبویب و تنظیم
۶۷	پرسش و تمرین
۶۹	درس هشتم
۶۹	تهذیب اللغة و الصحاح
۶۹	تهذیب اللغة
۷۰	روش چینش کلمات
۷۰	ویژگی های تهذیب اللغة
۷۱	معجم الصحاح
۷۱	روش چینش کلمات الصحاح
۷۱	ویژگی های الصحاح
۷۳	پرسش و تمرین
۷۵	درس نهم
۷۵	مقایس اللغة
۷۵	شخصیت ابن فارس
۷۵	ویژگی های مقایس
۷۶	نظام ترتیب واژگان مقایس
۷۷	اصطلاحات مقایس
۷۷	اصل :

۷۸ اصل مطرد
۷۸ أَصِيل
۷۸ «کلمه»
۷۹ پرسش و تمرین
۸۱ درس دهم
۸۱ لسان العرب، قاموس المحيط، تاج العروس
۸۱ شخصیت ابن منظور
۸۲ الف. کتاب های چاپ شده:
۸۲ ب. کتب چاپ نشده:
۸۲ ویژگی های لسان العرب
۸۳ استفاده از منابع کهن و معتبر لغت
۸۳ روش چینش کلمات لسان العرب
۸۴ روش تنظیم مباحث در هر لغت
۸۴ قاموس المحيط
۸۴ روش چینش کلمات:
۸۴ ویژگی های کتاب:
۸۵ تاج العروس من جواهر القاموس
۸۵ روش چینش کلمات
۸۶ ویژگی های کتاب
۸۶ پرسش و تمرین
۸۹ درس یازدهم
۸۹ مفردات الفاظ قرآن
۸۹ شخصیت راغب اصفهانی
۹۰ ویژگی های مفردات راغب

۹۰	استفاده از مصادر مهم لغوی
۹۰	بیان ماده اصلی کلمه
۹۱	بیان معانی استعمالی با توجه به معنای اصلی
۹۲	استفاده از معانی استعمالات قرآنی
۹۲	ویژگی های تنظیم کلمات
۹۳	پرسش و تمرین
۹۵	درس دوازدهم
۹۵	مجمع البحرین و مطلع النیرین
۹۶	انگیزه تألیف مجمع البحرین
۹۶	ویژگی کتاب مجمع البحرین
۹۶	منابع کتاب
۹۷	ترجمه مجمع البحرین
۹۷	شیوه چینش کلمات و تدوین کتاب
۹۸	پرسش و تمرین
۹۹	درس سیزدهم
۹۹	المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته
۹۹	الف. المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته
۱۰۰	ویژگی های کتاب
۱۰۱	ب. معجم الفروق اللغویه
۱۰۱	شخصیت علمی نگارنده
۱۰۱	معرفی کتاب
۱۰۲	پرسش و تمرین
۱۰۳	درس چهاردهم
۱۰۳	المعجم الوسیط

۱۰۴	انگیزه تألیف المعجم الوسیط
۱۰۴	ویژگی های المعجم الوسیط
۱۰۵	روش تنظیم کتاب
۱۰۶	پرسش و تمرین
۱۰۷	درس شانزدهم
۱۰۷	فرهنگ معاصر و المنجد فی اللغة
۱۰۷	تدوین فرهنگ معاصر عربی
۱۰۸	برخی از ویژگی های کتاب:
۱۰۹	روش تنظیم
۱۱۰	روش چینش کلمات المنجد
۱۱۲	ویژگی های المنجد
۱۱۲	پرسش و تمرین
۱۱۳	بیشتر بدانیم
۱۱۳	جمهرة اللغة
۱۱۳	روش چینش کلمات:
۱۱۳	ویژگی های کتاب
۱۱۴	المحکم و المحيط الاعظم
۱۱۴	مجمل اللغة
۱۱۵	اساس البلاغه
۱۱۵	ترتیب چینش کلمات
۱۱۶	ویژگی های کتاب اساس البلاغه
۱۱۶	توجه به لغات بلیغ
۱۱۶	بیان معانی مجازی
۱۱۶	توجه به معنای استعمالی

۱۱۷	المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی
۱۱۷	روش چینش کلمات:
۱۱۸	ویژگی های کتاب:
۱۱۸	اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد
۱۱۸	روش چینش کلمات:
۱۱۹	ویژگی های کتاب
۱۱۹	النهایه فی غریب الحدیث و الأثر
۱۱۹	روش چینش کلمات:
۱۲۰	ویژگی های کتاب:
۱۲۱	درس هفدهم
۱۲۱	معرفی یک نرم افزار لغوی
۱۲۱	معرفی نرم افزار قاموس النور
۱۲۲	جستجو از طریق مشتق و ریشه
۱۲۳	«آیات در کتب»
۱۲۳	«پژوهش در لغت»
۱۲۴	پرسش و تمرین

بخش سوم : روش مراجعه به معاجم

۱۲۹	درس هفدهم
۱۲۹	شناخت موضوعات مطرح در معاجم (۱)
۱۲۹	ماده
۱۳۰	ضبط
۱۳۱	هیأت های صرفی
۱۳۱	معرفی ابواب ثلاثی مجرد مورد استعمال در یک ماده
۱۳۱	معرفی ابواب ثلاثی مزید که ماده لغت در آنان استعمال شده

۱۳۲	مصدر
۱۳۲	جمع
۱۳۳	پرسش و تمرین
۱۳۵	درس هجدهم
۱۳۵	شناخت موضوعات مطرح در معاجم (۲)
۱۳۵	مشتقات
۱۳۶	مذکر و مؤنث
۱۳۶	مصغر
۱۳۷	متعدی و لازم
۱۳۷	(مفردات)
۱۳۸	متعدی با حروف جر
۱۳۹	پرسش و تمرین
۱۴۱	درس نوزدهم
۱۴۱	شناخت موضوعات مطرح در معاجم (۳)
۱۴۱	ترکیب ها
۱۴۲	(مفردات الفاظ قرآن)
۱۴۲	شواهد و استنادات
۱۴۲	اصطلاحات
۱۴۳	اعلام
۱۴۳	تحلیل و نقل قول ها
۱۴۴	لهجه ها
۱۴۴	خصائص حروف
۱۴۵	برخی از اصطلاحات معاجم
۱۴۵	فصیح

۱۴۶.....	مهمل
۱۴۶.....	معروف
۱۴۶.....	معرب
۱۴۷	پرسش و تمرین
۱۴۹	درس بیستم
۱۴۹	مدخل یابی
۱۵۱	پرسش و تمرین
۱۵۳	درس بیست و یکم
۱۵۳	آشنایی با روش های لغت شناسی
۱۵۳	روش نقل لغت
۱۵۵	روش تحلیل لغت
۱۵۶.....	شیوه تحلیل ابن فارس در مقایسه
۱۵۷	شیوه راغب در کتاب مفردات:
۱۵۸	شیوه تحلیلی التحقيق
۱۵۹	پرسش و تمرین
۱۶۱.....	منابع

مقدمه :

تردیدی نیست یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای فهم متون قرآن و روایات، آشنایی با زبان آن متون است. در دانش‌هایی که به طور سنتی در حوزه‌های علمیه مرسوم و متداول بوده است، ادبیات عربی به دلیل بنیادی بودن مفاهیم و رویکرد ابزاری بودن آن در علوم حوزوی، به طور طبیعی در جایگاه ویژه‌ای قرار دارد.

دانش «لغت‌شناسی» یکی از علوم مطرح و پایه در یادگیری ادبیات عربی است که به فهم متون قرآنی و روایی کمک شایانی می‌کند. هدف از یادگیری این دانش کشف معنای واژگان است؛ امری که شاید یکی از دلایل عدم توجه به آن را بتوان آسان پنداشتن مراجعه به معاجم تلقی نمود. اما واقعیت آن است که با مراجعه به کتب لغت و به طور خاص معاجم قرون اولیه درمی‌یابیم آن متون دارای مسائل و گزاره‌های پیچیده‌ای هستند که تنها با ممارست بر آن و اتخاذ مبنا می‌توان به روشی صحیح در فهم آن رسید؛ هرچند فهم معنای یک واژه در معاجم هم، ما را از استفاده از دیگر منابع لغت‌شناسی جهت فهم دقیق معنای واژه بی‌نیاز نمی‌کند. از سویی باید به این نکته نیز اشاره نماییم که مسائل این علم به صورت غیررسمی و در میان دیگر موضوعات حوزوی مورد تحقیق قرار می‌گرفته ولی به صورت کتابی مدون و بر اساس استانداردهای کتب درسی، مورد تالیف و پژوهش قرار نگرفته بود.

تامین نیاز علمی پیش‌گفته، برنامه‌ریزان نظام آموزشی حوزه را بر آن داشت تا یکی از مواد درسی خود را آشنایی با شیوه لغت‌شناسی قرار داده تا طلاب و دانش‌پژوهان عزیز بتوانند این دانش را در چهار

مرحله؛ آشنایی، فهم، تسلط و اشراف در سطوح مختلف حوزوی بگذرانند. برای تامین این هدف، مرکز تدوین متون درسی با تشکیل کمیته «فقه اللغه» اولین کتاب از این مرحله را به نام «درآمدی بر لغت‌شناسی» به رشته تحریر درآورد.

می‌توان ویژگی‌های این کتاب را این‌گونه بیان کرد:

اول؛ تدوین رئوس ثمانیه و مسائل این علم

دوم؛ بیان تفصیلی معاجم چهارده‌گانه به صورت کاربردی

سوم؛ توجه به روش‌شناسی لغویین

چهارم؛ بیان آموزشی مراجعه به معاجم لغوی

کتاب «درآمدی بر لغت‌شناسی» شامل مباحث مقدماتی، و سه بخش می‌باشد که در بخش مباحث مقدماتی به معرفی رئوس ثمانیه در علم لغت می‌پردازد و از تعریف، موضوع، غایت، ضرورت تا تاریخچه، منابع و روش‌شناسی دانش لغت را مورد توجه قرار داده است. در ادامه مفاهیم اساسی و مبانی لغت‌شناسی این علم بیان شده و به ساختار و جایگاه آن در جغرافیای دیگر علوم می‌پردازد. در بخش اول با مبانی و مسائل علم لغت آشنا می‌شویم که شامل: اشتقاق، اشتراک لفظی و معنوی، اضداد، ترادف، حقیقت و مجاز است.

در بخش دوم با سیر تاریخی تدوین معاجم لغوی آشنا و سپس به معرفی تفصیلی چهارده معجم می‌پردازیم: العین، تهذیب اللغه؛ الصحاح، مقاییس اللغه، لسان العرب، قاموس المحيط، تاج العروس، مفردات الفاظ قرآن، مجمع البحرین، المعجم فی فقه لغه القرآن و سرّ بلاغته، معجم الفروق اللغویه، المعجم الوسیط، فرهنگ معاصر و المنجد.

بخش سوم تبیین روش مراجعه به معاجم است. در این بخش تلاش شده به متن معاجم ورود پیدا کرده، ابتدا موضوعات مطرح در معاجم را بیان نموده و سپس چگونگی مدخل‌یابی، جهت یافتن ماده دقیق واژگان را بیان کنیم.

روش‌های لغت‌شناسی و شیوه تحلیلی سه معجم‌شناس روشمند در این دانش، یعنی ابن فارس در «مقاییس اللغه»، راغب در «مفردات»، مرحوم علامه مصطفوی (ره) در «التحقیق» مورد بررسی قرار گرفته است.

لازم است تشکر صمیمانه خود را از اساتید بزرگوار حجج اسلام دکتر سید محمود طیب حسینی، مهدی مویدی، شهاب‌الدین شمس، عبدالرضا مهاجر، حمیدرضا حق شناس، دکتر محسن حسن زاده و دکتر رضا حبیبی و نیز از مسئول مرکز تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه، حجه الاسلام دکتر سید حمید جزایری و همکاران دفتر تدوین متون که در نشر این اثر سهیم هستند، ابراز نمایم.

گروه ادبیات عربی

غیر قابل استناد (دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه)

فیدر قابل استناد (دفتر تلویین متون درسی حوزه های علمیه)

درس اول

چیستی و پیشینه لغت شناسی

نخستین گام برای فهم کلام عربی، آشنایی با معانی کلمات آن زبان است. یکی از رسالت های اصلی دانش لغت شناسی، کشف معانی کلمات می باشد. با کسب مهارت های این دانش می توانیم معانی دقیق کلمات و مفاهیم آیات قرآن و روایات شریف را به دست آوریم.

در ابتدای آشنایی با دانش لغت، تعریف، موضوع، غایت و ضرورت فراگیری آن در این درس معرفی می شود، افزون بر این، لازم است بدانیم این دانش چه سیر تاریخی ای را پشت سر گذاشته و از چه منابع و روش هایی استفاده می کند.

تعریف لغت

«لغة» از ماده «ل غ و» است. و به معنای زبان، لهجه، واژه و... به کار رفته است که در این کتاب، مراد از لغة «واژه» می باشد.

تعریف لغت شناسی و فرایند تحلیل لغت

برای دریافت معنای واژه های یک زبان، لازم است به اهل آن زبان مراجعه شود. از آن جا که زبان دارای حیات خاص خود می باشد و معمولاً در جریان زمان و از نسلی به نسل دیگر دچار تغییر و تحول می شود، دریافت معنای واژه هایی از زبان که در گذشته رایج بوده است قدری دشوار است و نمی توان با مراجعه به اهل امروزی آن زبان، به معنای درست و دقیق واژه در گذشته مطمئن شد. بلکه باید به منابع

مکتوب آن زبان که از گذشته به ما رسیده است مراجعه کرد و با توجه به زمان متن، معنای آن را در لابلای متون کهن و به طور خاص، معاجم لغت کشف کرد. این کار نیازمند آشنایی با فن رجوع به معاجم است تا بتوان با تکیه بر آن معنای واژه را کشف کرد. از آن جا که کلمات در هر زبانی و به طور خاص در زبان عربی اولاد دارای مشتقات فراوانند و هر یک از مشتقات ممکن است معنای خاص و متفاوتی داشته باشد، ثانیاً خود کلمات نیز اغلب در معانی متعددی استعمال شده اند و تاریخ دقیق استعمال هر یک از کلمات نیز معمولاً روشن نیست، یک پژوهشگر برای کشف معنای دقیق کلمات قرآن یا احادیث شریف باید سه گام بردارد: نخست باید با مراجعه به کتابهای لغت کهن معانی مختلف یک واژه را استخراج کند، در گام بعد، با هدف کشف اصلی ترین معنای کلمه معانی مختلف کلمه را با در نظر گرفتن هیأت و ماده مقایسه کرده مجردترین و کم قیدترین معنای کلمه را به عنوان معنای اصلی آن انتخاب می کند و در گام سوم و نهایی باید به انتخاب معنای واژه در متن و در مقام استعمال روی آورد. بنابراین، در تعریف لغت شناسی می توان گفت: «لغت شناسی عبارت است از دانش کشف معانی واژگان یک زبان با مراجعه به معاجم و دیگر منابع معتبر آن زبان».

موضوع و غایت

با توجه به تعریفی که از دانش لغت شناسی ارائه شد، موضوع این دانش نیز روشن می شود. عبارت است از واژگان مختلف یک زبان، و از آن جا که کتاب حاضر در باره لغت شناسی زبان عربی بحث می کند، موضوع آن نیز کلمات عربی می باشد، و غایت آن «کشف معانی دقیق هر واژه» است.

ضرورت دانش لغت شناسی

هدف از یادگیری علوم ادبی عربی در حوزه های علمیه، فهم دقیق معنای متون دینی به ویژه قرآن کریم می باشد. از آنجا که زیربنایی ترین مرحله در فهم متون دینی فهم مفردات و کلمات آن متون است، برای فهم معنای هر یک از واژگان، نیازمند آشنایی با مبانی و مسائل علم لغت و رجوع علمی به معاجم می اشیم. از طرفی هر گونه فهم نادرست یا غیر دقیق و یا بد فهمی از واژگان ممکن است منتهی به فهم نادرست دین و احکام آن گردد.

تاریخچه

دانش لغت عربی نیز همانند بسیاری از علوم اسلامی از دامن قرآن مجید برخاست و گسترش یافت.

نخستین تلاش های لغت شناسی در روایاتی که در مقام تعلیم تفسیر قرآن بوده اند. برای مثال نخستین بار امام امیرالمؤمنین علیه السلام به بعضی از اصحاب خود توجه دادند که آن بخش از کلماتی که در قرآن مجید آمده است ممکن است در جاهای مختلف دارای معانی متفاوت باشند. برای نمونه در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام برای «ضلال» در قرآن کریم وجوه معنایی متعددی چون نسیان، عدم اهتدا و راهیابی، عدم راهنمایی و جز این ها بیان شده است.^۱ از این بحث امروزه در کتب فقه اللغه با عنوان وجوه و نظائر یا اشتراک لفظی یاد می شود. از ابن عباس شاگرد امام امیرالمؤمنین علیه السلام روایاتی در تفسیر کلماتی از قرآن با استناد به اشعار عربی نقل شده است. در این روایات گاه ابن عباس کلماتی را از قرآن معرفی کرده که در اصل غیر عربی (مُعَرَّب) بوده و یا به لهجه ای جز لهجه قریش و اهل مکه تعلق داشته است. پس از این روایات و روایاتی دیگر در شرح کلمات قرآن، نخستین کتاب در موضوع لغت شناسی از ابان بن تغلب (م ۱۴۱ق) از اصحاب امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام بوده است که متأسفانه بر جای نمانده است. بارشده دانش لغت قواعد و مباحث نظری لغت شناسی نیز به تدریج توسط دانشمندان اهل لغت آمیخته با لغت و در لابلای کتب و گاه در قالب فصلی مجزا بیان می شد.

رابطه لغت شناسی با دیگر علوم، راه های تشخیص کلمه عربی از غیر عربی، مبادی لغت شناسی و شناخت معانی مجازی، شناخت کلمات متعلق به لهجه های مختلف عربی، وجود یا عدم وجود کلمات مترادف و الفاظ مشترک یا دارای دو معنای متضاد در قرآن و مسائلی دیگر از این قبیل که در تحلیل و فهم معنای دقیق کلمات قرآن مؤثر است، به تدریج زمینه های شکل گیری آثار مستقلی در حوزه فقه اللغه یا مباحث نظری لغت شناسی را فراهم کرد.

در پایان قرن چهارم مباحث نظری و قواعد لغت شناسی (فقه اللغه) به اوج کمال خود رسید و ابن فارس لغوی و ابن جنی همزمان دست به تألیف کتابی مستقل در این موضوع زدند. ابتدا لغت دان بزرگ، ابن فارس (م ۳۹۵ق) قواعد این دانش را همراه با دیدگاههای خود در کتاب کم حجمی گرد آورد و نام آن را «الصاحبی فی فقه اللغه و سنن العربیة» نهاد، و همزمان با وی ابن جنی معتزلی (م ۳۹۲ق) زبان شناس و عالم به نحو و صرف و اشتقاق عربی کتاب مبسوط «الخصائص» را در ۳ جلد در این موضوع و زبان شناسی عربی به سامان رساند. سپس ابومنصور عبدالملک بن محمد معروف به ثعالبی (م ۴۲۹ق) کتاب معروف

خود «فقه اللغه و اسرار العربیة» را در موضوع لغت نگاشته باب ۲۹ کتابش را که حدود ۱۵ صفحه است به مباحثی درباره فقه اللغه اختصاص داده است^۱ ابوالحسن علی بن اسماعیل اندلسی معروف به ابن سیده (د ۴۵۸ ق) لغت دان دیگری است که بخشی از کتاب لغت خود «المخصّص» را به مباحثی از فقه اللغه اختصاص داد. سرانجام جلال الدین سیوطی (د ۹۱۱ ق) کتاب جامع «المزهر فی علوم اللغه و انواعها» را نوشت که نسبت به کتاب‌های سابق بر خودش بزرگتر، و نسبت به کتب پیش از خودش از جامعیت بیشتر و نظم و تنظیم بهتری برخوردار است، ولی سیوطی چندان مباحث جدیدی را بر مباحث کتب پیشین نیفزود.

این کتاب به دلیل تنوع ابواب و گستردگی مباحثش مناسب‌ترین و منظم‌ترین تألیف در باب فقه اللغه بوده و مرتبط‌ترین مباحث به فقه اللغه را در بردارد.

در دوره معاصر نیز تعدادی از محققان عرب زبان، بعضاً با بهره‌گیری از رویکردهای جدید زبان‌شناسی و معناشناسی (علم اللغه / علم الدلاله) به مباحث فقه اللغه عربی و علم اللغه (دانش زبان‌شناسی) پرداخته و کتاب‌های مستقل سودمندی از جمله دراسات فی فقه اللغه، تألیف صبحی صالح، فقه اللغه و علم الدلاله از رمضان عبد التواب^۲ را به رشته تألیف در آوردند.

متذکر می‌شود اصلی‌ترین و مهم‌ترین منابع در فهم معنای کلمات عربی، فرهنگ‌های لغت عربی است که در زبان عربی به آنها «معجم» و «قاموس» گفته می‌شود.

روشهای لغت‌شناسی:

لغویان در شناخت معنای واژگان از دو روش «نقل» و «تحلیل» بهره‌برده‌اند. آنان در روش نقل، با شنیدن مستقیم از عرب فصیح یا تکیه بر گزارش کتاب‌های پیش از خود، به بیان معنای لغت می‌پردازند، اما در روش تحلیل، لغوی به مطالعه در کاربردها و معانی متعدد یک واژه و سایر مشتقات آن پرداخته معنای کلمه را از مجموع کاربردهای مختلف آن استنباط می‌کند. در این روش معمولاً یک معنا و گاه دو یا چند معنا به عنوان معنای اصلی کلمه، معرفی می‌شود. از میان این دو روش روش نخست قابل اعتمادتر است.

۱. فقه اللغه تعالی در واقع یک کتاب لغت است که لغات را به شیوه موضوعی تنظیم کرده و به بیان معنای آنها پرداخته است.

۲. حمید رضا شیخی این کتاب را به فارسی ترجمه نموده و با عنوان مباحثی در فقه اللغه و زبان‌شناسی عربی از سوی انتشارات بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی انتشار یافته است.

پرسش و تمرین

۱. واژه «لغة» در چه معنا یا معانی‌ای به کار می‌رود؟
۲. دانش لغت‌شناسی را تعریف کنید.
۳. موضوع و غرض لغت‌شناسی چیست؟
۴. آشنایی با دانش لغت‌شناسی از چه اهمیت و ضرورتی برخوردار است؟
۵. مهم‌ترین آثار در حوزه فقه‌اللغه را معرفی کنید.
۶. دو اثری که در دوره معاصر در موضوع فقه‌اللغه و علم‌اللغه تألیف شده است را نام ببرید.
۷. روش‌های بیان معنای لغت توسط لغویان را به اجمال بیان کنید.

فیدر قابل استناد (دفتر تلویزیون متون درسی حوزه های علمیه)

درس دوم

جایگاه و ساختار دانش لغت

بعد از آشنایی با دانش لغت شناسی و ضرورت آموزش آن و آگاهی از پیشینه آن لازم است نگاهی اجمالی به درون این دانش و مباحث محتوایی آن بیندازیم و با مهمترین مسایل این علم آشنا شویم. همچنین شایسته است رابطه مسایل این دانش را با علوم دیگر تبیین کنیم؛ در این درس به بحث در باره بعضی مبادی و مقدمات لازم و مؤثر در آشنایی با لغت شناسی می پردازیم.

الف. مفاهیم اساسی و مبانی لغت شناسی:

برای آنکه دقیقاً از جایگاه یک دانش نسبت به دانش های دیگر آگاهی یابیم لازم است مفاهیم اساسی و تصدیقی آن دانش را بفهمیم. در این مرحله به صورت اجمالی به معرفی برخی از این مبادی می پردازیم. منظور از مفاهیم اساسی، مفاهیمی است که داشتن تصویری از آنها برای یادگیری اصطلاحات علم لغت شناسی لازم است. در این قسمت با مهم ترین مفاهیم اساسی این دانش آشنا می شویم.

۱. مفاهیم اساسی

معنا

منظور از معنا، مفهوم و تصویری است که معمولاً با شنیدن لفظ در ذهن نقش می بندد، بر این اساس به آن دسته از الفاظ که برای این کار در نظر گرفته شده اند، الفاظ معنادار گفته می شود. برای مثال از

شنیدن کلمه جدار در عربی تصویری از دیوار در ذهن شنونده نقش می‌بندد.

وضع

قرارداد رابطه‌ای خاص میان لفظ و معنا است و این رابطه چنان قوی است که در صورت علم به آن با شنیدن لفظ، معنا به ذهن آید. مانند وضع کلمه قلم برای وسیله‌ای که برای نوشتن به کار می‌رود.

استعمال

استعمال در لغت به معنای به کار بردن لفظ در یک معنا است؛ خواه لفظ قبلاً برای آن معنا وضع شده باشد یا وضع نشده باشد. مانند کلمه «اسد» که گاهی در معنای وضعی آن یعنی شیر (حیوان درنده) و گاهی در معنای غیر وضعی آن مثل انسان شجاع به کار می‌رود. این هر دو معنا برای «اسد» معنای استعمالی است، اما فقط معنای نخست علاوه بر معنای استعمالی وضعی آن هم می‌باشد. به معنای وضعی یک لفظ معنای «موضوع له» و معنای استعمالی آن، معنای «مستعمل فیه» گفته می‌شود.

کلمه

الفاظ دوگونه‌اند؛ معنادار و بدون معنا. لفظ معنادار را کلمه گویند. به عبارتی دیگر لفظی که برای انتقال معنا به ذهن شنونده در نظر گرفته شده را کلمه گویند؛ مانند: علم. لفظ بدون معنا مثل دیز که واژگون زید است یا هر ترکیب بی معنای دیگری از حروف که شما می‌توانید بسازید. باید توجه داشت که همان گونه که الفاظ معنادار و بدون معنا داریم، گاهی نیز می‌توان معنایی را بدون لفظ به مخاطب انتقال داد. برای مثال با اشاره و علامت، معنایی را به وی فهماند. بنابراین معنا فقط با لفظ ایجاد نمی‌شود، اما در دانش زبان‌شناسی و لغت‌شناسی ما فقط با الفاظ و معانی برخاسته از آن سر و کار داریم.

ماده کلمه

ماده، اجزای اصلی تشکیل دهنده کلمه است. از آن جا که بخشی از اجزای تشکیل دهنده کلمات هم خانواده، یعنی حروف اصلی آنها مشترکند، در علم لغت به آن حروف مشترک یا اصلی کلمه، «ماده کلمه» اطلاق می‌شود. مثلاً در «کاتب، مکتب، کتابت» حروف ماده آن «ک ت ب» می‌باشد.

هیأت

هر کلمه علاوه بر ماده اصلی، یک شکل ظاهری هم دارد که مربوط به نحوه تلفظ آن می‌باشد. به شکل

ظاهری کلمه «هیأت کلمه» گفته می شود. در بعضی کلمات (مانند مشتقات) علاوه بر ماده کلمه، هیأت آن نیز بخشی از معنای آن کلمه را به دوش می کشد، مثل «کاتب» به معنای نویسنده که ماده آن بر معنای نوشتن و هیأت آن بر معنای فاعل بودن دلالت دارد.

۲. مبانی لغت شناسی

منظور از مبانی لغت شناسی، گزاره‌هایی است که با مراجعه و استناد به آنها می توان قواعد و مسایل دانش لغت را استخراج یا ارزیابی کرد. این گزاره‌ها در منابعی چون آیات قرآن و احادیث ائمه اطهار علیهم السلام و نیز متون اشعار عربی، مانند معلقات سبع و نیز معاجم لغوی و متون ادبی دیگر یافت می شوند و با مراجعه به این منابع می توان مبانی لغت شناسی و سایر شاخه‌های ادبیات عربی را استخراج کرد. مثلاً با مراجعه به قرآن کریم درمی یابیم که معانی دو واژه «فاعفوا» و «اصفحوا» با وجود شباهت بین آنها، با یکدیگر تفاوت‌هایی نیز دارند و نمی توان آنها را به یک معنا دانست؛ زیرا وقتی خداوند حکیم، دو کلمه را کنار هم ذکر می کند، یا معنایی متفاوت دارند و یا دومی توضیح اولی می باشد، مگر آنکه مقصودش تأکید بوده باشد و او بدون دلیل، کلمه‌ای را تکرار نمی کند. پس اگر از آیه فهمیدیم که این دو کلمه به یک معنا نیستند. بر اساس این گزاره و گزاره‌های مشابه در قرآن کریم نظریه «عدم ترادف^۱» در قرآن شکل می گیرد که در صورت پذیرش می تواند از مبانی این علم به شمار آید.

ب. جایگاه لغت شناسی در بین علوم ادبی

هدف از یادگیری ادبیات عربی، فهم معانی دقیق متون عربی می باشد. علم نحو و بلاغت درباره کلام و معنای حاصل از آن بحث می کند و علم صرف و لغت شناسی از کلمه سخن می گوید، با این تفاوت که در علم صرف، از هیأت کلمه و معنای حاصل از آن بحث می شود، با این توضیح که در لغت شناسی از معنای حاصل از ترکیب هیأت و ماده کلمه برای فهم معنای کلمه بحث می شود^۲ و با استفاده از مجموع این علوم، میتوان معنای کلمه تا کلام عربی را تحلیل کرد.

جایگاه علم لغت نسبت به دیگر علوم اسلامی:

از آنجا که قرآن مجید به زبان عربی مبین نازل شده و به تبع آن روایات شریف و زبان علمی علوم دینی اسلامی، نیز زبان عربی است، هر کدام از علوم ادبی نسبت به سایر علوم دینی همچون علوم حدیث، تفسیر، فقه، اصول فقه، کلام، فلسفه و... از علوم مقدمه‌ای (آلی) می باشد و لغت شناسی نیز برای فهم

۱. این قاعده در بخش اول معرفی می شود.

۲. لازم به ذکر است بحث‌های دقیق و اقوال مختلفی در محدوده علم لغت شناسی و صرف و حتی تفکیک علم اشتقاق از لغت شناسی وجود دارد که در این مرحله آموزشی مجال بحث از آنها نیست.

این متون از علوم آلی مهم محسوب می‌شود. برای نمونه در تفسیر قرآن کریم و فهم صحیح مراد قرآن، کشف معنای لغوی بسیار ضروری است. در واژه «یعقلون» بدون استفاده از لغت‌شناسی، هم در معنای ماده و هم در معنای صورت کلمه دچار اشتباه می‌شویم. اگر معنای ماده «عقل» را به طور دقیق ندانیم، ممکن است آن را بر اساس ارتکازات ذهنی به معنای اندیشیدن بگیریم، در حالی که واژه «عقل» را لغویان بزرگی چون ابن فارس، «نگه دارنده از سخن و کار ناپسند» معنا کرده‌اند و این معنای عقل با «عقال» که به معنای زانوبند شتر می‌باشد مناسبت دارد؛ همان گونه که زانوبند و افسار، شتر را مهار می‌کند، عقل هم مهار نفس را بر عهده دارد و او را از ارتکاب گناه باز می‌دارد و به انجام نیکی‌ها سوق می‌دهد. پس معنای اندیشیدن، معنای دقیقی برای این واژه نیست و شاید بتوان اندیشیدن را از لوازم معنای عقل دانست.

ج. ساختار لغت‌شناسی

پیش از ورود به مسایل و مباحث دانش لغت شایسته است ابتدا ساختار این علم و مسایل مختلف آن معرفی گردد. مسایل اساسی و مختلف لغت‌شناسی را در یک تقسیم کلی می‌توان در ۳ بخش قرار داد به این شرح:

بخش اول: مبانی و مسائل نظری لغت‌شناسی

بخش دوم: شناخت معاجم لغوی

بخش سوم: روش مراجعه به معاجم

در بخش اول که به مبانی و مسائل لغت‌شناسی اختصاص یافته از این مسایل بحث می‌شود:

اشتقاق، اشتراک لفظی و معنوی، اضداد، ترادف، حقیقت و مجاز.

مسائل و مباحث قابل طرح در فصل دوم عبارتند از: آشنایی با سیر تاریخی معاجم لغوی، معرفی تفصیلی چهارده معجم می‌پردازیم، شامل: العین، تهذیب اللغة؛ الصحاح، مقاییس اللغة، لسان العرب، قاموس المحيط، تاج العروس، مفردات الفاظ قرآن، مجمع البحرین، المعجم فی فقه لغه القرآن و سرّ بلاغته، معجم الفروق اللغویه، المعجم الوسیط، فرهنگ معاصر و المنجد.

بخش سوم نیز دو هدف دارد:

آشنایی با روش مراجعه به معاجم را بررسی کرده است. در این قسمت تلاش می‌شود به متن معاجم ورود پیدا کرده، ابتدا موضوعات مطرح در معاجم را بیان نموده و سپس چگونگی مدخل‌یابی، جهت

یافتن ماده دقیق واژگان را بیان کنیم.

دوم این بخش، معرفی روش های لغت شناسی است: تبیین روش های لغت شناسی، شیوه تبیین لغت ابن فارس در مقایسه اللغة، تبیین شیوه راغب در کتاب مفردات، شیوه التحقیق رؤس مطالب این قسمت می باشند.

پرسش و تمرین

۱. جایگاه لغت شناسی نسبت به دیگر علوم ادبی را بیان کنید.
۲. ضمن بیان رابطه لغت شناسی با علمی چون تفسیر و فقه یک مثال از تاثیر این دانش در فهم قرآن بیان کنید.
۳. از بین مفاهیم اساسی لغت شناسی، وضع، استعمال، ماده و هیأت کلمه را تعریف کنید.

فیدر قابل استناد (دفتر تلویین متون درسی حوزه های علمیه)

بخش اول

آشنایی با مبانی و مسائل لغت‌شناسی

پس از آنکه بارئوس ثمانیه در علم لغت آشنا شدیم، در این بخش با مهم‌ترین مبانی آن آشنا می‌شویم. مبانی هر علم، بنیان‌ها و پشتوانه‌های آن علم را تشکیل می‌دهند. در لغت‌شناسی این مبانی از سویی تأثیر بسزایی در اعتبار این علم دارند و از سویی دیگر، زمینه استخراج قواعد لازم برای استنباط معنای لغت را فراهم می‌سازد.

فیدر قابل استناد (دفتر تلویزیون متون درسی حوزه های علمیه)

درس سوم

اشتقاق

مسائل و مباحثی وجود دارند که در تحلیل لغت مورد استفاده قرار می-گیرند. این مسائل به گونه ای هستند که از یک سو «مبانی لغت شناسی» از آنها بر می آید و از سوی دیگر قواعد لغت شناسی را شکل می دهند. قواعدی که در فرایند تحلیل لغت برای شناخت ماده و هیأت و معنای کلمات مورد استفاده قرار می گیرند. در درس حاضر قاعده اشتقاق را معرفی می کنیم. یکی از مباحث مؤثر در معناشناسی کلمات، بحث اشتقاق و از مهم ترین مباحث اشتقاق، ریشه شناسی است که آغازین مرحله در فهم واژگان است. اینکه هر کلمه در وضع خود چه ریشه ای دارد، اهمیت فراوانی دارد، به گونه ای که تا ریشه لغت مشخص نشود، نمی توانیم به منابع لغوی برای فهم معنای کلمه مراجعه کنیم. پس تسلط بر اشتقاق، در فهم واژگان، نقش کلیدی دارد و به همین دلیل برای فهم الفاظ قرآن، اشتقاق مورد توجه مفسران بوده است که این درس به این مهم پرداخته است.

زبان عربی از گروه زبان های صرفی و غیر ترکیبی است، یعنی برای تولید واژه های مختلف، به منظور رساندن معانی جدید، بیشتر حرکات کلمه اصلی و مصدر را تغییر می دهند یا یکی دو حرف به آن می افزایند، مثلاً برای ساختن کلمه ای به معنای «نوشته» یک حرف به «کتب» می افزایند و واژه «کتاب» را می سازند و برای آن که جای نگهداری کتاب را بیان کنند با افزودن دو حرف «مکتبه» را می سازند، بنابر

این گاهی تغییر حرکت و گاه اضافه کردن حرف باعث تغییر معنای کلمه و ایجاد معنای جدید می‌شود. در حالی که در زبان فارسی یا انگلیسی بخش زیادی از ایجاد تغییر در معنا و تولید معنای جدید از طریق ترکیب کلمات انجام می‌گیرد و تغییر معنا از طریق تغییر در حرکت یا افزودن حروف در مقایسه با زبان عربی کمتر است. مانند «کتابخانه» که از ترکیب دو واژه «کتاب» و «خانه» به دست می‌آید.

تعریف اشتقاق:

«اشتقاق» از ماده «ش ق ق» در لغت به چند معنی آمده است؛ از جمله به معنای شکافتن، و شکاف در شیء. در اصطلاح علمای ادب، اشتقاق عبارت است از این که میان دو لفظ در اصل معنا و ترکیب حروف تناسب دیده شود.

انواع اشتقاق

برای اشتقاق سه نوع ذکر شده است: اشتقاق صغیر، اشتقاق کبیر و اشتقاق اکبر.

الف. اشتقاق صغیر:

اشتقاق صغیر عبارت است از ساختن کلمه‌ای از کلمه دیگر، به گونه‌ای که در معنا و ماده اصلی و ترتیب حروف اصلی مشترک و همسان باشند و کلمه مشتق با دارا بودن معنای اصلی، بر معنای افزونتری دلالت کند. مانند کلمات: علم، عَلِمَ، یعلم، عالم، معلوم، مُعَلِّم، اعلام و... این کلمات در ماده اصلی (ع ل م) و نیز در ترتیب این سه حرف همسان بوده و معنای مشترکی (دانستن) نیز میان آنها دیده می‌شود. در این جا به لفظ اول «مُشْتَقٌّ» و به لفظ دوم، که لفظ نخست به آن برگردانده می‌شود «مُشْتَقٌّ مِنْهُ» گویند.

صیغه های ماضی، مضارع، امر، اسم فاعل، اسم مفعول و... بنا بر نظر رایج ادیبان از مصدر، اشتقاق یافته و این اشتقاق را «اشتقاق صغیر» گویند.

باید توجه داشت که در اشتقاق باید به معنای مشترک کلماتی که به یکدیگر ارجاع داده می‌شوند و معنای اختصاصی هر یک از آن کلمات توجه باشد.

این نوع از اشتقاق، رایج ترین و گسترده ترین نوع اشتقاق در زبان عربی است و هر گاه از اشتقاق به صورت، مطلق نام برده می‌شود، مقصود، اشتقاق صغیر است.

ب. اشتقاق کبیر

اشتقاق کبیر، عبارت است از این که دو لفظ، حروف یکسانی دارند ولی در ترتیب حروف با یکدیگر متفاوت باشند. مانند دو لفظ «فسر» و «سفر» و «حمد» و «مدح». هر یک از این دو گروه کلمه در ماده (سه حرف اصلی) مشترکند، اما در ترتیب حروف با هم تفاوت دارند، و همین اشتراک در حروف اصل موجب شده که معنای مشترکی میان آنها دیده شود. مثلاً دو لفظ نخست در معنای کشف با یکدیگر اشتراک دارند، با این تفاوت که «سفر» کشف حسی است، مثلاً روسری از روی سر برداشتن و فسر کشف معنوی است، یعنی با توضیح دادن ابهام و مشکل را از موضوعی برطرف کردن. نیز دو لفظ حمد و مدح در معنای ثنا مشترکند، با این تفاوت که مدح ثنای بر حسن و جمال غیر اختیاری است و حمد ثنای بر حسن و جمال اختیاری. لغویان، اشتقاق کبیر را «قلب لغوی» یا «تقلیب» نیز نامیده اند.

این جابه جایی در کلمات ثنایی دو وجه بیشتر ندارد. مانند «جشّ» و «شجّ» و «حصّ» و «صحّ» و در کلمات ثلاثی، اگر همه صورت های ماده سه حرفی استعمال داشته باشند، شش صورت پیدا می کند. چنان که در ماده «عین و قاف و دال» همه شش حالت در لغت به کار رفته است: «عقد، عدق، قعد، قعد، دقع، دقع» و کلماتی با حروف مانند «قاف و سین و راء» فقط در چهار ماده «قسر، سقر، قرس، سرق» استعمال می شود. این جنی از طرف داران جدی اشتقاق کبیر بوده و تلاش کرده است کلماتی که حروف ریشه سه حرفی آن ها مشترک است، اما در ترتیب حروف با یکدیگر تفاوت دارند، را به معنای واحدی برگرداند. لغت شناسانی چون صاحب العین، بیشترین بهره را از اشتقاق کبیر در چینش معجم خود برده اند.

ج. اشتقاق اکبر:

در این نوع از اشتقاق با وجود اشتراک دو لفظ در حروف اصلی و حفظ ترتیب آنها یکی از حروف اصلی کلمه، به حرف دیگری که با آن است تغییر می یابد؛ به عبارت دیگر دو ماده، ضمن حفظ ترتیب حروف، دو حرف مشترک و یک حرف متفاوت دارند، مانند «حسد و حصد»، «فاطر، فاطم»، بنا بر این در تعریف اشتقاق اکبر می توان گفت: اشتقاق اکبر عبارت است از برگرداندن بعضی از مجموعه کلمات سه حرفی به معنای واحد، در حالی که آن کلمات مشتمل بر دو حرف مشترک و یک حرف مختلف اما باشند مانند کلمات «فوم» و «ثوم»، هر دو به معنای گندم، «سراط» و «صراط»، به معنای راه، و «جدث» و «جذف» به معنای قبر. و مانند «جَرَف» و «جَنَف» که هر دو قریب المعنا و در آن ها معنای «میل» نهفته است.

بدین ترتیب تفاوت میان اشتقاق اکبر با اشتقاق کبیر در این است که قوام و بنیان اشتقاق کبیر بر جابجایی حروف کلمه و بنیان اشتقاق اکبر به تبدیل یکی از سه حرف به حرفی که در با آن مشابه باشد است.

نحت

از مباحث مرتبط با اشتقاق، «نحت» است که در فارسی به معنای واژ آمیزی^۱ می باشد. «نحت» در لغت به معنای تراشیدن قلم، سنگ، چوب و غیره است و در اصطلاح زبان شناسان عرب، نحت عبارت است از این که از مجموع حروف دو یا چند کلمه یا یک جمله کلمه ای ساخته شود که نشان دهنده معنای آن کلمات یا آن جمله باشد. در عربی واژه «بحتر» به معنای کوتاه قد از ترکیب دو واژه به وجود آمده است؛ واژه «بتر» به معنای قطع شده و ناتمام (گویا خلقت شخص کوتاه قد، ناتمام است) و واژه «حتر» به معنای کم کردن چیزی (زیرا قدی که به انسان بلند قامت داده شده، به وی عطا نشده است). از نمونه های کلماتی که منحوت از جمله می باشد می توان به «بَسْمَلَه» و «جَعْفَدَه» و «حَيْعَلُ» اشاره کرد که منحوت از «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» و «جَعَلَنِی اللّٰهُ فِدَاکَ» و «حَيَّ عَلٰی...» است. کلماتی که به این شیوه ساخته شود «منحوت» گویند. کلمات منحوت اغلب در دایره کلمات رباعی و خماسی جای می گیرد.

پرسش و تمرین

۱. علم اشتقاق را در لغت و اصطلاح تعریف کنید.
۲. اشتقاق صغیر را تعریف کنید.
۳. اشتقاق کبیر و اکبر را با ذکر مثال تعریف کنید.
۴. نحت را در لغت و اصطلاح تعریف کنید.
۵. معانی ماده های کلمات زیر را با کمک استاد و مراجعه به ترجمه قرآن کریم و لغت نامه مقایسه اللغه مقایسه کنید. کدام یک از ماده ها معنای نزدیک به یکدیگر دارند؟
غوراً (کهف، ۴۱)، یغوصون (انبیاء، ۸۲)، غیابة (یوسف، ۱۰)، غیث (شوری، ۲۸)، غوث (کهف، ۲۹)،

غیض (هود، ۴۴)، غی (بقره، ۲۵۶)، غیظ (ملک، ۸)، غوط .

۶. معنی هر دسته از کلمات زیر را در گروه های دو نفره با مراجعه به لغت نامه های مقایسه اللغه و مفردات الفاظ قرآن که در فصل دوم معرفی شده اند با یکدیگر مقایسه کنید. به نظر شما این کلمات جزو کدام یک از انواع اشتقاق اند؟

اسم، تسمیه، مسمی.	هدی، هدر، هدم، هدن، هدف.
حشع، خشى.	نفخ، نفع، نفش، نفث، نغد، نفق.
خفض، خفی، خفت	فقر، قفر.
خلص، خلد، خلف، خلق، خلل، خلا.	فرح، مرح، طرح.
فسد، فسق، فسر.	ضیر، ضرر.
سفک، کسف.	
غفر، غفل.	

فیدر قابل استناد (دفتر تلویین متون درسی حوزه های علمیه)

درس چهارم

اشتراک لفظی و معنوی

در هر زبانی هنگامی که الفاظ با معانی مقایسه شوند رابطه آنها با یکدیگر از سه حالت خارج نیست: یا هر لفظ دارای یک معناست، یا یک لفظ دارای چند معناست و گاه چند لفظ دارای یک معناست. در مواردی هر لفظ دارای یک معنا باشد به آن الفاظ، الفاظ متباین، اطلاق می شود. الفاظ متباین از این جهت که هر لفظ دارای یک معناست احکام خاصی ندارد. در درس حاضر درباره قسم دوم الفاظ، یعنی کلماتی که دارای چند معنا می باشند و به آن لفظ مشترک می گویند و نیز بحث اضداد که زیر مجموعه اشتراک لفظی است، بحث می شود.

تعریف مشترک لفظی

مشترک لفظی عبارت از: لفظ واحدی است که با وضع های متعدد، معانی مختلف دارد؛ مانند لفظ شیر در فارسی و یا لفظ عین در عربی که ادعای اشتراک لفظی در آن شده است و معانی مختلفی چون چشم، چشمه، جاسوس دارد.

از مهم ترین عوامل و زمینه های پیدایش اشتراک لفظی در زبان عربی تداخل گویش ها و لهجه ها است. تداخل گویش آن است که قوم و قبیله ای لفظی را برای معنایی، و قبیله ی دیگر همان لفظ را برای معنایی دیگر وضع کنند، سپس بر اثر روابط میان قبیله ها آن دو معنا هم تبادیل شود، در این صورت

هر قبیله با پذیرش معنای قبيله ديگر آن لفظ را در دو معنا به کار خواهد برد و دارای مشترک لفظی می گردد... مانند کلمه «فتح» که در لهجه قریش به معنای گشودن بوده و در بعضی قبایل و طوایف در معنای قضاوت کردن به کار رفته است، و در قرآن مجید به هر دو معنا آمده است.

نقش اشتراک لفظی در فهم واژگان

وجود اشتراک لفظی در کلمات اهمیت بسیار زیادی در تفسیر متون قرآن و حدیث بسیار مهم و تأثیر گذار است. همین بس که منشأ بسیاری از خطاها و لغزشها در تفسیر قرآن نادیده گرفتن برخورداری کلمات از چند معنا بوده است. توجه به مسئله اشتراک لفظی به محقق آگاهی می دهد که کاربرد واژه ای که در متون دینی تکرار شده، ممکن است در همه موارد به یک معنا نباشد. مثلاً کلماتی مانند «نظر» یا «ذنب» یا «ضلال» در همه جا تنها به معنای دیدن با چشم، گناه و گمراهی نیست و ممکن است معانی دیگری هم داشته باشد، بنابراین اگر مفسر با این کلمات در آیاتی چون «الی ربها ناظره»، یا «لیغفر لک... ما تقدم من ذنبک» یا «و جدک ضالا فهدی» مشاهده کرد نباید آن را به معنای فوق تفسیر کند.

اشتراک معنوی

در تعریف مشترک معنوی گفته اند: «واژه‌ای است که مفهوم واحدی دارد و این معنا و مفهوم واحد بین چند مصداق مشترک است. مانند نور که به روشنائی آتش و شمع و چراغ و خورشید اطلاق می شود».

تعریف اضداد

از زیر شاخه های اشتراک لفظی، بحث اضداد است و برابر اسناد موجود نخستین بار خلیل بن احمد (م. ۱۷۵ ق.) در کتاب العین به تضاد در معنای کلمات توجه کرد.

اضداد، جمع «ضد» کلماتی را گویند که به دو معنای متضاد به کار رفته باشد، مانند کلمه «ند» به معنای «ضد» و «مثل». مثلاً وقتی درباره خدای تعالی گفته می شود «لاندله» به هر دو معنا قابل تفسیر است، یا مانند «رجا» به معنای ترس داشتن و امید داشتن.

مشهورترین کتابهای اضداد کتاب الاضداد اصمعی (۲۱۶ ق.)، الاضداد ابن سگیت (م ۲۴۴ ق.) و الاضداد سجستانی (م ۲۴۸ ق.) است که هم اینک به صورت تصحیح شده در دسترس می باشد.

نقش اضداد در فهم واژگان

بحث اضداد مورد توجه پژوهشگران بوده است؛ و در فهم معانی واژگان متضاد و اتخاذ مبانی مختلف

فقهی موثر می‌باشد به عنوان نمونه کلمه «قروء» که هم به معنای زمان حیض و هم زمان طهر به کار می‌رود فقها را به انتخاب دو نظریه مختلف در عده طلاق کشانده است. در آیه «و الْمَطْلُوتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» بنا به نظر برخی فقها عده طلاق سه طهر و بنا به نظر برخی سه حیض می‌باشد.

تراداف

در درس قبل به انواع روابط الفاظ با معانی اشاره کرده و درباره وحدت لفظ و تعدد معانی سخن گفتیم. یکی از اقسام روابط الفاظ با معانی تعدد لفظ و وحدت معناست. در این درس درباره وحدت معنا و تعدد الفاظ توضیح داده با مهم‌ترین دیدگاه‌های لغویان درباره این قسم کلمات و عوامل پیدایش و اهمیت آنها آشنا می‌شویم.

تعریف ترادف

ترادف در لغت از ماده «رَدَف» است. «رَدَف» به معنای تابع و پیرو است و «رَدِف» و «رَدِيف» به کسی می‌گویند که پشت سر راکب بر مرکب سوار می‌شود. هر چیزی که پشت سر دیگری است، رَدِيف آن واقع می‌شود. و «ترادف» باب تفاعل آن به معنای تتابع و پیروی کردن دو چیز از یکدیگر است، و دو کلمه مترادف را به آن دلیل مترادف گویند که هر یک از آن دو می‌تواند به جای دیگری به کار رود.

برای «ترادف» یا «مترادف»^۱ در عرف اهل لغت و دانشمندان زبان شناسی و اصول فقه تعریف‌های متفاوتی بیان شده است که در پذیرش یا انکار الفاظ مترادف در زبان عربی و قرآن و یا توسعه و تضییق دایره آن تأثیر بسیاری دارد. تعریف مشهور آن از سیبویه چنین است: «دلالت دو یا چند لفظ بر معنای واحد» و برای آن «ذهب» و «انطلق» را مثال آورده است. برخی بر تعریف فوق قیودی مانند «به اعتبار واحد» را اضافه کرده اند: از دلالت چند لفظ مفرد بر معنای واحد از جهت یکسان. به موجب این قید اسم و صفت و با دو صفت يك شییی از حوزه ترادف خارج می‌شود، برای مثال اگر ا...» را نام خدا و «الرحمن» را صفت خدا فرض بگیریم، گرچه هر دو بر یک معنا و مستمّا یعنی خدای یگانه دلالت می‌کنند اما از دایره الفاظ مترادف خارج خواهند بود، در حالی که مطابق تعریف نخست این دو لفظ مترادف شمرده می‌شوند.

ترادف در فقه اللغه، علوم قرآنی و مبحث الفاظ اصول فقه و منطق مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نقش ترادف در فهم واژگان

با دانستن انگیزه‌های قائلین به ترادف یا عدم ترادف، راه برای تحلیل لغات باز می‌شود و قبول هر یک

از نظریات، مسیر جدیدی را در واژه‌شناسی پیش پای ما قرار می‌دهد. همان‌گونه که اشاره شد، گروهی قائل به ترادف و گروهی قائل به عدم ترادف در زبان عربی شده‌اند، ولی گروهی راه میانه را پیش گرفته‌اند و با توجه به شواهدی از جمله اینکه غالباً برای هر معنایی فقط یک کلمه وضع شده است، معتقدند اصل بر عدم ترادف در قرآن است، ولی امکان ترادف با توجه به استعمالات عرب در مواردی وجود دارد. التزام به هر یک از سه نظریه یاد شده، ممکن است تأثیر مستقیمی در فهم واژگان قرآن کریم داشته باشد. از سویی به دلیل اعجاز قرآن، واژه دیگری مثل یا بهتر از همان که آمده، برای جایگزینی یافت نمی‌شود؛ یعنی از نظر فصاحت و بلاغت در هر آیه، واژه‌ای که آمده بر دیگر واژه‌های مناسب برتری دارد. پس نظریه عدم ترادف با اعجاز قرآن سازگارتر است. برخی از کلمات قرآنی که در آنها ادعای ترادف شده از این قرارند: «علم و معرفت»، «رحیم و ودود» و «انسان و بشر»، «حاء و آتی»، «جدث و قبر»، «ذنب و اثم»، «جلس و قعد»، «ختم و طبع»، «قلب و فؤاد»، «رأی و نظر» و... اما برخی مفسران و محققان درباره چنین کلماتی تفاوت‌های دقیقی بیان کرده‌اند.

پرسش و تمرین

۱. مشترک لفظی و معنوی را تعریف کنید.
۲. اضداد را تعریف کرده و دو مثال بزنید.
۳. ترادف در لغت و اصطلاح را تعریف کنید.
۴. واژه «ضرب» در آیات زیر در چه معانی‌ای استعمال شده است؟
 «فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ»
 «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ»
 «الْم تَرَ كَيْ فَضْرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً»
۵. در باره اضداد بودن کلمات ذیل تحقیق کنید:
 عسعیس، مفازة، صلاة، سلیم، رغب، بیع، خاف.
۶. به نظر شما کدام یک از دسته کلمات زیر امکان دارد مترادف باشند؟

آیه، اثر، علامه؛ اجر، ثواب؛

عقل، علم؛ احسان، ایثار، عدالت.

سیبیل، صراط، طریق؛

تلا، قرا.

۷. برای کلمات ذکر شده دو کلمه ای که به نظر مترادف می رسند نام ببرید.

الف. اجر..... ب. تهمت..... ج. جود..... د. صدیق.....

۸. معانی هر دسته از کلمات قرآنی زیر را با رجوع به دو لغت نامه معرفی شده در فصل دوم پیدا

کرده، معانی آنها را در مباحثه با یکدیگر مقایسه کنید:

اذن، اراده، مشیت؛ روح، نفس، قلب؛

عبادت، اطاعت، تبعیت؛ نظر، بصر، رویت؛

تفکر، تدبیر، تعقل؛

فیدر قابل استناد (دفتر تلویزیون متون درسی حوزه های علمیه)

درس پنجم

حقیقت و مجاز

با توجه به اینکه لغت‌شناسی در پی کشف معنای لغت در عبارات و واژه‌های مورد بحث است و ممکن است معنایی از لغت به ذهن برسد، این بحث مطرح می‌شود معنایی که به ذهن می‌رسد، در زمره همان معنای ای است که برای این لغت وضع شده یا نه؟ برای پیگیری این پرسش در این درس، به بحث حقیقت و مجاز می‌پردازیم.

تعریف حقیقت و مجاز

مبحث حقیقت و مجاز یکی از مباحث علم بیان است. که این بحث مورد توجه علمای بلاغت بوده است و چون در علم لغت تأثیر زیادی در فهم معنای واژگان دارد، به توضیح آن می‌پردازیم. معنای حقیقی عبارتند است از معنایی که با شنیدن لفظ، بدون قرینه به ذهن برسد، و اگر آن معنا بدون قرینه به ذهن نرسد، غالباً معنای مجازی خواهد بود.

مجاز در کتاب‌های لغت، مصدر فعل (جاز یجوز) و به معنی پیمودن و عبور کردن است، چنانکه گفته می‌شود: «جزت الطریق (مجازاً و جوازا)؛ از راه عبور کردم».

مجاز در اصطلاح عبارت است از استعمال لفظ در غیر معنای حقیقی آن و برای فهم معنای آن باید از معنی حقیقی عبور کرد و تا معنای حقیقی در نظر گرفته نشود، نمی‌توان به معنای مجازی رسید، مشروط بر اینکه میان معنی حقیقی و معنی غیر حقیقی آن لفظ، علاقه و ارتباطی باشد. همچنین باید همراه مجاز، قرینه‌ای باشد که ذهن را از معنی اصلی منصرف سازد (قرینه صارفه)، مانند کلمه «ید: دست» که در اصل عضوی از بدن است، ولی گاهی در معنای مجاز به معنی «قدرت» گرفته می‌شود و علاقه یا پیوند این دو معنی در این است که معمولاً «قدرت» انسان در «دست» بروز می‌یابد.

اقسام مجاز

مجاز را به دو دسته بخش کرده‌اند؛ مجاز لغوی، مجاز عقلی. مجازی که تاکنون تعریف کرده‌ایم، همان مجاز لغوی است. این گونه مجاز، علاقات بسیاری مطرح است که اهم آنها به قرار زیر است.

۱) **کل و جزء**: صورتی است که لفظ کل ذکر شود و از آن جزء اراده گردد، درب خانه را خراب می‌شود می‌گوید خانه را خراب کردید.

۲) **ملازمه**: در صورتی است که وجود چیزی، الزاماً همراه با وجود چیز دیگری باشد، مانند کسی که کیف پولش را بدزدند بگویند زندگیم را بردند. چنین شخصی زندگی خود را در پول خود خلاصه می‌بیند و دزدیدن کیف خود را ملازم از بین رفتن زندگی خود می‌داند.

مجاز در قرآن

سیوطی می‌گوید: اختلافی درباره معانی حقیقی کلمات قرآن وجود ندارد، اما برخی وجود معانی مجازی مفردات قرآن را انکار کرده‌اند.

مهم‌ترین توضیح مخالفان استفاده از مجاز در قرآن، بُعد کلامی آن است. برخی از طرفداران این نظریه که اهل ظاهر و وهابیت می‌باشند، معتقدند مجاز در لغت، برادر دروغ است و قرآن منزّه از دروغ است؛ زیرا متکلم وقتی به مجاز روی می‌آورد که در تنگنا قرار گیرد و به کار گرفتن حقیقت برایش ممکن نباشد و چون محدود شدن خداوند، محال است، استعمال مجاز برای او معنا ندارد. موافقان در پاسخ گفته‌اند استعمال مجاز در قرآن به علت عجز از به‌کارگیری واژگان نیست، بلکه خداوند بارساترین سخن، از این لفظ در معنای مجازی استفاده کرده است. این نوع بهره‌گیری از واژه، دروغ نیست. کسی که می‌خواهد شجاعت شخصی را نشان دهد، می‌گوید: «او شیر است» چنین شخصی دروغ نگفته است؛ بلکه

می خواهد شدت شجاعت را در قالب مجاز نشان دهد.

در آیات قرآن کریم این مبحث تأثیر زیادی در تفسیر داشته و بی دقتی در آن، به اشتباه در فهم صحیح آیات اعتقادی و... منجر می شود. مثلاً در آیه: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ أَلِيًّا رَبُّهَا نَاطِرَةٌ» سلفیه، معتقدند «نظر» در معنای حقیقی، نگاه با چشم محسوس می باشد. از این رو خداوند را با همین چشم در قیامت می توان دید. همچنین در آیه «وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا» معتقدند معنای حقیقی «جاء» آمدن با پا است و در مورد خداوند نیز چنین آمدنی صادق است و حال آنکه به دلایل عقلی و قطعی و نقلی متعدد، عدم جسمانیت خداوند متعال اثبات شده است. زیرا جسمانیت ملازم با ضعف است و استحاله ضعف بر خداوند از امور مسلم و قطعی است.

پرسش و تمرین

۱. مجاز در لغت و اصطلاح به چه معناست؟ مثال بزنید.
۲. توضیح دهید عقیده سلفیه درباره مجاز در قرآن چیست؟

فیدر قابل استناد (دفتر تلویین متون درسی حوزه های علمیه)

بخش دوم

آشنایی با معاجم لغوی

بعد از آشنایی با مباحث مقدماتی لغت‌شناسی و مهم‌ترین مبانی این دانش، در بخش دوم در باره منابع و کتب لغت که آنها را «معجم» می‌نامند، بحث خواهیم کرد. در این بخش بعد از معرفی تاریخچه معاجم و آشنایی با سه نوع دسته‌بندی معاجم، به معرفی چند معجم که با ملاک‌هایی چون اعتبار و کثرت مراجعه و مانند آنها انتخاب شده‌اند می‌پردازیم.

فیدر قابل استناد (دفتر تلویزیون متون درسی حوزه های علمیه)

سیر تاریخی تدوین معاجم لغوی

پیش از آنکه به معرفی چند معجم منتخب و مهم لغوی بپردازیم لازم است مروری بر تاریخچه تدوین معاجم لغوی و نیز دسته بندی معاجم داشته باشیم، در این درس معاجم لغوی را بر اساس تاریخ تدوین، شیوه چینش کلمات و موضوع و محتوای معاجم، دسته بندی و معرفی می‌کنیم.

تاریخچه تدوین معاجم لغوی

آثار تدوین شده در حوزه لغات عربی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:
رساله‌های کوچک لغوی در موضوع‌های خاص.
معاجم لغوی که مهم‌ترین کتب لغت به شمار می‌آیند.

بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد نوشتن رساله‌های کوچک در موضوعات خاص در ابتدای قرن دوم هجری شروع شده است. در این رساله‌ها سعی شده تمامی لغات در موضوعی خاص، جمع‌آوری شود؛ موضوعاتی همچون حیوانات، حشرات، گیاهان، ایام، ماه‌ها و... مورد توجه این‌گونه مؤلفان بوده است که با عناوین: الفرس، الابل، السیف، النبات، اسماء السحاب و... نامیده شده‌اند. این رساله‌ها که نخستین کتب در این علم‌اند، زمینه‌ساز پیدایش معاجم شدند.

بر اساس اسناد موجود، نخستین معجم نگار زبان عربی، خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۰ یا ۱۷۵ ق) مؤلف کتاب العین است و معاجم بعدی در معجم‌نگاری از خلیل الهمام گرفته‌اند.

انواع معاجم لغوی

معاجم لغوی از جهات مختلف قابل تقسیم است که این تقسیمات به شناخت و آشنایی ما نسبت به معاجم کمک می‌کند. در مجموع به سه مبنا در تقسیم معاجم می‌توان اشاره کرد: یکی تقسیم بر اساس زمان تدون و دیگری تقسیم بر مبنای روش چنیش کلمات، و دیگری تقسیم معاجم بر اساس موضوعات و محتوا.

تقسیم ۱: انواع معاجم با توجه به زمان تدوین

جهت آشنایی با زمان تدوین به مهم‌ترین معاجم عربی به ترتیب زمان تدوین اشاره می‌کنیم:

العین؛ خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۵ق)

الجیم؛ اسحاق بن مرار ابو عمرو الشیبانی (ت ۲۰۶ق)

الاضداد؛ ابن سکیت (ت ۲۴۶ق)

جمهرة اللغة؛ ابن درید (۳۲۱-۲۲۳ق)

تهذیب اللغة؛ محمد بن احمد ازهری (۳۷۰ق)

الفروق اللغویه؛ ابی هلال حسن بن عبدا... بن سهل عسکری (۳۹۵ق)

المحیط فی اللغة؛ صاحب بن عباد (۳۸۵ق)

الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)؛ اسماعیل بن حماد الجوهری (۳۹۳ق)

مقاییس اللغة؛ ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا (۳۹۵ق)

المجمل فی اللغة؛ ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا (۳۹۵ق)

المخصص فی اللغة؛ ابن سیده (ت ۴۵۸ق)

مفردات القرآن؛ ابی القاسم الحسین بن محمد بن المفضل راغب اصفهانی (م حدود ۴۲۵ق)

أساس البلاغة؛ محمود بن عمر زمخشری (۵۳۸ق)

لسان العرب؛ ابن منظور (۷۱۱ق)

المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی؛ احمد بن محمد بن علی مقرئ فیومی (۷۷۰ق)

القاموس المحیط؛ محمد بن یعقوب فیروزآبادی (۸۱۷ق)

مجمع البحرين و مطلع النیرین فی غریب الحدیث و القرآن الشریفین؛ فخرالدین بن محمد علی

نجفی مشهور به طریحی (۱۰۸۵ ق).

تاج العروس من جواهر القاموس؛ سید مرتضی حسینی زبیدی واسطی (۱۲۰۵ ق)

المنجد فی اللغة؛ لویس معلوف (۱۹۰۸ م)

اقرب الموارد؛ الشرتونی (ت ۱۹۱۲ م)

المعجم الوسیط؛ ابراهیم مصطفی و همکاران (قاهره ۱۳۸۰ ق)

تقسیم ۲: انواع معاجم بر اساس روش تنظیم کلمات

در این تقسیم به طور کلی معاجم را در دو دسته موضوعی و غیر موضوعی می توان جای داد. برخی از معاجم اولیه به صورت موضوعی تدوین شده اند. در روش موضوعی، کلمات بر اساس موضوع تنظیم می شوند، مثلاً واژگانی که در موضوع پوشش و اقسام آن جای می گیرند در ذیل عنوان اللباس آورده می شود برای مثال در معجم الغریب المصنف موضوعات چنین تقسیم شده است: زنان، پوشیدنی ها، غذاها، بیماری ها، شهرها، مرکبها، اسلحه، پرندگان، کوهها، درختان و نباتات، آبها، قنوات، نخلها، ابرها و بارانها، زمانها و بادها، اوزان اسامی، اوزان افعال، واژههایی که ضد یکدیگرند.

در روش چینش غیر موضوعی، واژگان بر اساس حروف اصلی کلمه به دو صورت آوایی (تجویدی) و الفبایی مرتب شده اند. در روش آوایی چینش حروف بر مبنای جایگاه تلفظ حروف (مخارج حروف) از انتهای حلق تا قسمت بیرونی لبها است که از ابداعات خلیل صاحب العین می باشد. در درس بعدی به تبیین این روش می پردازیم و در روش الفبایی به دو صورت فاء الفعل، عین الفعل، لام الفعل و شیوه لام الفعل، فاء الفعل و عین الفعل مرتب می شود که به شیوه دوم «روش قافیهای» نیز می گویند. در این روش با توجه به حرف پایانی کلمه، و بر اساس ترتیب الفبایی مرتب و سپس با رعایت حرف اول و دوم و سوم و چهارم واژه، کلمات در جای خود قرار می گیرند. به عبارت دیگر، الگوی اصلی برای یافتن ریشه‌ی سه حرفی «فعل» به این ترتیب است: اول، لام الفعل؛ دوم، فاء الفعل؛ سوم، عین الفعل. که در ذیل نمونه‌هایی از معجم‌های متعلق به هر شیوه معرفی می شود:

موضوعی: یکی الغریب المصنف؛ ابو عبید قاسم بن سلام (م ۲۲۴ ق) و دیگری المخصص فی اللغة؛ ابن سیده (ت ۴۵۸ ق). کتاب الغریب المصنف از کهن ترین و معتبرترین کتابهای لغت بوده و از منابع اصلی تقریباً همه کتابهای لغت بعدی به شمار می آید.

غیر موضوعی

آوایی (تجویدی): العین؛ خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۵ق)

الفبایی

بر اساس حروف اصلی (اشتقاقی)

فاء عین لام:

مقایس اللغة؛ ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا (۳۹۵ق)

أساس البلاغة؛ محمود بن عمر زمخشری (۵۳۸ق)

المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی؛ احمد بن محمد بن علی مقرئ فیومی (۷۷۰ق)

بر اساس حروف اصلی لام-فاء عین: (قافیه ای)

الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)؛ اسماعیل بن حماد الجوهری (۳۹۳ق)

لسان العرب؛ ابن منظور (۷۱۱ق)

القاموس المحيط؛ محمد بن یعقوب فیروزآبادی (۸۱۷ق)

تاج العروس من جواهر القاموس؛ سید مرتضی حسینی زبیدی واسطی (۱۲۰۵ق)

بر اساس تلفظ کلمه:

اقرب الموارد؛ الشرتونی (ت ۱۹۱۲م)

محیط المحيط؛ بطر البستانی (۱۸۸۳م)

تقسیم ۳: انواع معاجم بر اساس موضوعات و محتوا

معاجم لغوی با توجه به موضوعات و محتوا به دو دسته کلی تقسیم می شوند؛ معاجم عام و معاجم خاص. معاجم عام به معجم‌هایی اطلاق می شود که به موضوعی خاص نپرداخته باشد. این معجم‌ها به معجم‌های یک زبانه، دوزبانه یا چندزبانه تقسیم می شوند.

معاجم لغوی خاص در مقابل معاجم عام اند و در انتخاب لغات به موضوع یا محور خاصی توجه دارند و به دو قسم معاجم لغوی مقایسه‌ای و معاجم لغوی غیرمقایسه‌ای تقسیم می شوند. معاجم لغوی مقایسه‌ای، معاجمی است که برای بیان معنای واژه، آن را در کنار واژه دیگری می بیند مانند فروق اللغات ابوهلال عسکری و معاجم غیر مقایسه‌ای معاجمی است که هدفش مقایسه واژه با واژه دیگری نباشد.

معاجم لغوی خاص غیر مقایسه ای نیز در سه دسته قرآنی، حدیثی و موضوعی گروه بندی می شوند. برای آشنایی با هر گروه، چندین معجم از آنها به صورت اجمال در پایان درس معرفی می گردد.

معاجم لغوی عام

یک زبانه

دو یا چندزبانه

معاجم لغوی خاص

مقایسه ای

غیر مقایسه ای

معاجم قرآنی (غریب القرآن)

معاجم حدیثی (غریب الحدیث)

معاجم موضوعی (غیر قرآن و حدیث)

در دروس آتی معاجم ذیل به صورت تفصیلی بیان می شود:

العین، تهذیب اللغه؛ الصحاح: به عنوان معاجم اولیه تبیین می شود که نویسندگان آنها با عرب اصیل ارتباط داشتند و شرح کلمات را مستقیم از آنها دریافت کردند.

مقایسه اللغه: از معاجم اولیه است و مبدع روش تحلیل لغت است. برگرداندن اشتقاقیات یک ماده بر اصل و معنای واحد، امتیاز این معجم است.

لسان العرب: به عنوان معجم جامع که اکثر لغات را جمع آوری کرده و مخاطب خود را برای مراجعه به دیگر معاجم اولیه و ثانویه تا حدود زیادی بی نیاز می کند.

قاموس المحيط و تاج العروس:

مفردات الفاظ قرآن، المعجم فی فقه لغه القرآن و سرّ بلاغته: به دلیل غریب القرآن بودن که به ذکر معانی واژگان قرآن به صورت تخصصی می پردازند.

مجمع البحرين: از کتب غریب القرآن و غریب الحدیث است که به ذکر لغات مشکل و غریب قرآن و احادیث پرداخته است.

معجم الفروق اللغویه: به علت مقایسه بین واژه هایی که معانی نزدیک به هم دارند و بیان تفاوت

ظریف معانی این کلمات انتخاب شده است. المعجم الوسیط که توسط هشت تن از اساتید مصر و زیر نظر «مجمع اللغة العربیه» تدوین شده است و جوا بگوی نیازهای ادبی و معنایابی کلمات جدید می باشد. فرهنگ معاصر جهت فهم معانی عربی معاصر و ترجمه به روز لغات عربی معرفی می شود. المنجد به دلیل این که مراجعه به ترجمه آن برای مبتدیان مفید است مورد توجه قرار گرفته است.

بیشتر بدانیم

معاجم لغوی عام

ملاک عام بودن، آن است که به موضوعی خاص نپرداخته باشد. این معجم ها به معجم های یک زبانه، دوزبانه و چندزبانه تقسیم می شوند. برخی از آنها در جمع آوری لغات، جامعیت دارند و برخی به اختصار تدوین شده اند.

معاجم عام تک زبانه

منظور از معاجم تک زبانه معجم های به زبان عربی است که هر دو بخش لغات و معانی آن به زبان عربی تدوین شده است. مهمترین و مشهورترین معاجم تک زبانه عبارتند از:

العین؛ خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۵ق)

تهذیب اللغة؛ محمد بن احمد ازهری (۳۷۰ق)

المحیط فی اللغة؛ صاحب بن عباد (۳۸۵ق)

الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)؛ اسماعیل بن حماد الجوهری (۳۹۲ق)

مقایس اللغة؛ ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا (۳۹۵ق)

أساس البلاغة؛ محمود بن عمر زمخشری (۵۳۸ق)

لسان العرب؛ ابن منظور (۷۱۱ق)

المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی؛ احمد بن محمد بن علی مقرئ فیومی (۷۷۰ق)

القاموس المحيط؛ محمد بن یعقوب فیروزآبادی (۸۱۷ق)

تاج العروس من جواهر القاموس؛ سید مرتضی حسینی زبیدی واسطی (۱۲۰۵ق)

المعجم الوسیط؛ المجمع اللغوی (۱۳۹۲ق)

معاجم دوزبانه:

م منظور از معاجم دو زبانه، معجم هایی است که کلمات عربی را به زبان فارسی معنا کرده است. این معاجم به دو دسته ترجمه ای و غیر ترجمه ای قابل تقسیم است. به معاجمی که از ابتدا به صورت عربی به فارسی نوشته شده اند، غیر ترجمه ای می گویند، ولی معاجمی که از زبان دیگری به فارسی ترجمه شده اند، ترجمه ای نام دارند.

عربی به فارسی غیر ترجمه ای

فرهنگ تازی به فارسی؛ بدیع الزمان فروزانفر (۱۳۱۹ش)^۱

فرهنگ عربی به فارسی؛ مُلَخَّص المنجد و منتهی الادب، محمدعلی خلیلی (۱۳۳۰ش)

فرهنگ کوچک؛ ذبیح... بهروز (۱۳۳۴ش)

فرهنگ نامه عربی به فارسی؛ علی نقی منزوی (۱۳۳۷ش)

فرهنگ بندر ریگی؛ بندر ریگی (۱۳۷۸ش)

عربی به فارسی ترجمه ای

فرهنگ نوین؛ این کتاب، ترجمه القاموس العصری نوشته الیاس انطون است که سید مصطفی طباطبایی آن را به فارسی ترجمه کرده است.

فرهنگ عربی به فارسی؛ این کتاب، ترجمه المعجم العربی الحدیث است که به نام «فرهنگ لاروس» شهرت یافته و خلیل الجر نویسنده آن و احمد طیبیبیان (۱۳۶۳ش) مترجم آن می باشد.

فرهنگ ابجدی عربی- فارسی؛ این کتاب ترجمه المنجد الابجدی می باشد که استاد رضا مهیار آن را به فارسی برگردانده است. (۱۳۷۰ش)

فرهنگ رائد الطلاب؛ عربی- عربی، عربی- فارسی، جبران مسعود، ترجمه عبدالستار قمری، (۱۳۷۹ش)

فرهنگ بزرگ جامع نوین؛ این کتاب، ترجمه المنجد با اضافات است که محمدعلی خلیلی آن را به

فارسی ترجمه کرده است. (۱۳۷۷ش)

فرهنگ معاصر عربی- فارسی؛ هانس ور این فرهنگ لغت را به صورت عربی به آلمانی و انگلیسی تدوین کرده و دکتر آذرتاش آذرنوش با اضافاتی آن را فرهنگ عربی- فارسی نموده است. (۱۳۷۹ش)

فارسی به عربی :

فرهنگ طلایی؛ محمد تونجی (۱۹۶۹م)

غیاث اللغات؛ محمد غیاث الدین مصطفی آبادی رامپوری (۱۸۹۰م)

فرهنگ آندراج؛ محمد پاشاه (شاد) (۱۸۹۲م)

فارسی به عربی، عربی به فارسی (دوسویه)

فرهنگ بیان؛ عربی به فارسی و فارسی به عربی، ولی... جهان فصل (۱۳۶۱ش)

فرهنگ اصطلاحات معاصر؛ نجف علی میرزایی (۱۳۷۶ش)

معاجم چندزبانه

مجمع الغات، عربی، فارسی، انگلیسی، فرانسه؛ جروان السابق، ترجمه آیت... زاده و آذرنوش و محمود عادل (۱۳۶۳ش)

فرهنگ جدید عربی- فارسی- انگلیسی؛ جروان السابق، ترجمه سید مصطفی طباطبایی (۱۳۶۳ش)

معاجم لغوی خاص

این معاجم، در مقابل معاجم عام اند و در انتخاب لغات به ویژگی خاصی توجه دارند و به دو فصل معاجم لغوی مقایسه ای و غیر مقایسه ای تقسیم می شوند. معاجم مقایسه ای، معاجمی است که برای بیان معنای واژه، آن را در کنار واژه دیگری می بیند و مقصود از معاجم غیر مقایسه ای نیز آن است که هدفش مقایسه واژه با واژه دیگری نباشد.

معاجم لغوی خاص مقایسه ای

از مهم ترین این معاجم که از مقایسه واژگان هم معنا، فرق و خصوصیت متمایز هر واژه را بیان می کند، فروق اللغات اند. مانند:

الفروق اللغویه؛ ابی هلال حسن بن عبد... بن سهل عسکری (۳۹۵ه)

فروق اللغات؛ سید نورالدین جزایری (۱۰۸۸ق)

معاجم لغوی خاص غیر مقایسه ای

محور معاجم لغوی خاص غیر مقایسه ای بر مقایسه دو یا چند کلمه با یکدیگر نیست، بلکه به معنا کردن لغات موجود در محدوده یک منبع خاص یا علمی خاص می پردازد؛ مانند کلمات قرآن یا احادیث، یا کلمات دانش فقه یا موضوعی خاص که مورد توجه لغت نویسان قرار گرفته است.

معاجم قرآنی

غریب القرآن، مفردات قرآن، وجوه و نظائر و...، عناوین کتاب هایی است که هدف اصلی آنها شرح لغوی واژه های قرآن می باشد. از آنجا که آرایه فهرست همه منابع قرآن با حجم این نوشتار تناسبی ندارد، به مهم ترین آنها اشاره می کنیم:

۱. مسائل نافع بن الارزق (فی غریب القرآن)؛ ابن العباس عبا... بن عباس بن عبدالمطلب (ق ۶۵)
۲. غریب القرآن أو التبیان فی تفسیر غریب القرآن؛ ابی بکر محمد بن عزیز بن أحمد السجستانی (ق ۳۳۰)
۳. الوجوه و النظائر (الاشباه و النظائر فی القرآن الکریم)؛ ابی الحسن مقاتل بن سلیمان (ق ۱۵۰)
۴. الوجوه و النظائر فی القرآن؛ ابی عبدا... الحسین بن محمد الدامغانی (ق ۴۷۸)
۵. مفردات القرآن؛ ابی القاسم الحسین بن محمد بن المفضل راغب اصفهانی (ق ۵۰۵)
۶. البصائر ذوی التمییز، فیروزآبادی (ق ۸۱۷)
۷. مجمع البحرين و مطلع النیرین فی غریب الحدیث و القرآن الشریفین؛ طریحی فخرالدین بن محمد علی نجفی (ق ۱۰۸۵).
۸. التحقیق فی کلمات القرآن المجید؛ حسن مصطفوی (۱۳۶۵-۱۳۷۱ ش)
۹. معجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته؛ تحت اشراف محمد واعظ-زاده خراسانی (ق ۱۴۱۹)
۱۰. قاموس قرآن سید علی اکبر قرشی (۱۳۵۲ ش)
۱۱. نثر طوبی علامه شعرانی (ق ۱۳۹۸)

معاجم حدیثی

۱. غریب الحدیث؛ ابی عبید قاسم بن سلام الهروی (ق ۲۲۴)
۲. غریب الحدیث؛ ابی محمد بن عبدا... بن مسلم بن قتیبه الدینوری (ق ۲۷۶)
۳. الفائق فی غریب الحدیث؛ ابی القاسم محمود بن عمر بن محمد بن عمر الزمخشری (ق ۵۳۸)

۴. النهاية في غريب الحديث و الاثر؛ مجدالدين ابى السعادت المبارك بن عبد الكريم الشيباني الجزري معروف به ابن أثير (۶۰۶ق)
۵. مجمع البحرين و مطلع النيرين في غريب الحديث و القرآن الشريفين؛ رجوع شود به معاجم قرآنی
۶. غريب الحديث بحار الانوار؛ حسين حسيني بيرجندی (معاصر)
معاجم موضوعی (غير قرآن و حديث)
این دسته از معاجم خاص، تمرکز بر موضوعی خاص دارند که از آن جمله می توان به اسامی حشرات، اماکن و اعضای بدن انسان اشاره کرد. مانند: کتاب النحل والعسل ابو عمرو شيباني (۵۲۰۶). و معاجم علوم نیز در این دسته قرار می گیرند مانند:
علم نحو: معجم النحو از عبدالغنی الدقر (۱۳۹۴ق)
علم اصول فقه: کتاب الحدود في الاصول از ابی الوليد سليمان بن خلف الباجی الأندلسی (۴۷۴ق)
علم فقه: أنيس النبهاء في تعريف الألفاظ المتداولة بين الفقهاء از شيخ قاسم القنوی (۹۷۸ق)
كشاف اصطلاحات الفنون؛ شيخ محمد أعلى بن الشيخ على الفاروق التتهانوی (قرن دوازده قمری)
شایان ذکر است که امروزه تشریح اصطلاحات هر علم در دنیا، امری رایج است و از کتاب هایی که به این کار پرداخته اند، با عنوان «لیکساکون ها» یا «فرهنگ اصطلاحات تشریحی در علوم» یاد می شود.

پرسش و تمرین

۱. تاریخچه تدوین محتوای معاجم را به طور خلاصه توضیح دهید.
۲. برخی از عناوین و موضوعات رساله های کوچک لغوی در قرون اولیه را نام ببرید.
۳. دو معجم از معاجم تا پایان قرن دوم و چهار معجم از معاجم قرن ۳ تا ۶ نام ببرید.
۴. سه معجم از معاجم قرن ۷ تا ۱۳ و دو معجم از معاجم معاصر را نام ببرید.
۵. در زیر مجموعه های دسته بندی بر اساس شیوه چینش کلمات منظور از معجم موضوعی و



- آوایی چیست؟ از هر کدام یک نمونه نام ببرید.
۶. از هر دسته از معاجم الفبایی ۲ نمونه نام ببرید.
۷. زیر مجموعه های دسته بندی بر اساس موضوع و محتوا را بیان کنید.
۸. نویسندگان معاجم زیر را مشخص کنید:
أساس البلاغة، مفردات القرآن، العین، مقایس اللغة.

غیر قابل استناد (دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه)

فیدر قابل استناد (دفتر تلویین متون درسی حوزه های علمیه)

درس هفتم

معجم «العین»

همان گونه که در درس پیش اشاره شد، در زبان عربی انواع معاجم بعد از اسلام نوشته شده که اولین دوره معجم نگاری تا اواخر قرن دوم بوده است و العین به این دوره تعلق دارد. شاید بتوان گفت تمامی معجم نویسان مدیون تلاش های صاحب معجم العین می باشند. برای آشنایی بیشتر با این معجم بعد از معرفی اجمالی شخصیت این دانشمند، به بیان خصوصیات کتاب او می پردازیم و با شیوه تنظیم کتاب وی آشنا می شویم.

شخصیت خلیل بن احمد:

خلیل بن احمد از دی فراهیدی در سال ۱۰۰ هجری در شهر بصره به دنیا آمد. صاحب العین که در سده دوم هجری می زیست، تمام عمر خود را در دوران حضور امامان شیعه به سر برده است؛ حضور خلیل در این زمان و نیز ارتباط مستقیم او با بادیه نشینان عرب، تفسیر وی را از لغت، قابل اعتماد می سازد. معروف ترین شاگردان او در نحو، سیوییه و در لغت، اصمعی بوده اند. خلیل در علم نحو، حساب، شعر و موسیقی تبحر داشت و گفته شده مبدع علم عروض و نخستین معجم نگار زبان عربی است و در علم لغت نیز سرآمد بود. وی توانست با شیوه ابتکاری اولین معجم لغت عربی را تدوین کند. که در معرفی معجم العین، شخصیت لغوی وی روشن می شود. او در علم اصوات نیز صاحب نظر بود و در مقدمه العین، اولین مرتبه مبحث مخارج حروف (علم اصوات)

را به صورت مکتوب ذکر کرده است.

در مورد تاریخ وفات وی اختلاف است، ولی سال ۱۷۵ هـ ق مشهور است.

ویژگی های کتاب العین^۱

کتاب العین دارای ویژگی هایی است که مهم ترین آن بدین شرح است:

۱. استناد علما و لغویان به آن

رجوع به این معجم در بین علما، شایع و انتساب کتاب به خلیل در بین آنها مشهور می باشد و در فهم واژگان متون دینی این کتاب مورد استناد قرار گرفته است. العیناز مصادر مهم معاجمی مانند تهذیب اللغة از هری، الصحاح جوهری، المحکم ابن سیده، جمهرة اللغة ابن درید و مقاییس اللغة در قرن های بعد از خود است و لغت دانان بزرگ به آن اعتماد کرده اند.

۲. برشمردن تمام کلمات عربی

برای احصا و به دست آوردن کلمات، خلیل شیوه ای جدید به کار گرفت که با به کارگیری آن، کلمه ای از قلم نیفتد؛ او ابتدا همه واژه ها را به ریشه هایشان تقلیل داد و سپس ریشه ها را بر اساس شماره حروف آنها به دسته های دو حرفی، سه حرفی، چهار حرفی و پنج حرفی طبقه بندی کرد. سپس در هر دسته، حالت های مختلف قرار گرفتن حروف را فرض کرد. وی سپس از میان این حالات ممکن، ماده های مستعمل را از مهمل ها متمایز کرد.

۳. تنظیم بر اساس مخارج حروف و شروع با حروف حلقی

خلیل، کتاب خود را بر اساس مخارج حروف تنظیم کرد و از حروف حلقی شروع کرد. خلیل برای این تنظیم ادله ای داشته، از جمله اینکه حروف حلقی بسیار مورد استفاده و آشنا بود. در محیط خشن عربستان، حروف حلقی تناسب بیشتری برای رساندن معانی داشت و در امور مهم از حرف «عین» استفاده می کرد؛ نظیر ماده های علم، عرف، عرس، متعه، عشق. این تنظیم باعث می شود کلمات اصیل و کثیر الاستعمال عرب در ابتدای کتاب بیاید نه کلمات کم استعمال و معرّب. گفته شده وجه تسمیه کتاب به «العین» آغاز کردن کتاب با حرف «عین» بوده است. پژوهشگران معاصر، منشأ گرایش خلیل به چنین

۱. تذکر مهم: مناسب است، اساتید محترم هنگام معرفی هر کتاب لغت، نسخه ای از آن را در کلاس به همراه داشته باشند. یا از طریق نرم افزارهای مربوطه مطالب را به صورت عملی، آموزش دهند.

روشی را توجه او به علم الاصوات یا آواشناسی می‌دانند.

۴. استفاده از تقلیب در تنظیم العین

خلیل در تنظیم العین از قواعد تقلیب بهره برده است. تقلیب از «قلب» به معنای زیر و رو کردن و جابه جایی حروف است و در ظاهر لفظ اتفاق می‌افتد. کلمات ثنایی با تقلیب کلمه دو صورت پیدا می‌کند؛ مثل: «حق و قح»، اگر ثلاثی بود، حاصل تقلیب شش کلمه خواهد بود؛ مثل: «بکر، برک، ركب، ربك، کبر، کرب». در موردی تقلیب باعث نزدیکی معنا می‌شود. به همین دلیل، خلیل آنها را کنار هم می‌آورد.

روش ترتیب مشتقات یک ماده

صاحب العین برای بیان هیئات و مشتقات یک ماده، تنظیم خاصی داشته است. او هیئتی را که در استعمال مردم آن زمان مشهور بوده، مقدم داشته است. مثلاً ماده‌ای که صفت مشابه آن بیشتر استفاده می‌شده، بر مشتقات دیگر مقدم داشته و تعداد هیئات‌هایی که ذیل یک ماده آورده بستگی به استعمال و شهرت در الفاظ و زبان مردم داشته است.

چگونگی تبویب و تنظیم

در چینش کلمات، کتاب العین از شیوه‌ای نو که تا آن زمان به کار نرفته بود، استفاده کرد. در این شیوه کلمات بر اساس جایگاه مخارج حروف در دهان منظم می‌شوند. این ترتیب در چینش، باعث می‌شود مخاطب احساس کند معانی کلماتی که کنار هم می‌آیند به هم نزدیک است و این کار سبب تسهیل در پیدا کردن مواد می‌گردد.

طبق این روش «حروف کتاب العین، از حروف حلقی آغاز می‌گردد» و از این‌رو، نخست حروف حلق و سپس حروف کام (حنک) و آنگاه حروف دندان‌ها (اضراس) و پس از آن، حروف شفوی را قرار داده و حروف عله (ا-و-ی) یا حروف هوایی را در آخر می‌آورد. بنابراین ترتیب حروف چنین می‌شود: ع، ح، ه، خ، غ، ق، ک، ج، ش، ض، ص، س، ز، ط، د، ت، ظ، ث، ذ، ر، ل، ن، ف، ب، م، و، ا، ی، ء.

صاحب العین در چینش حروف عین الفعل و لام الفعل نیز، ترتیب مخارج حروف را رعایت می‌کند. مانند باب ثلاثی صحیح، که در ابتدای کتاب در ثلاثی صحیح با باب العین و الهاء و القاف شروع کرده و با باب العین و الهاء و الکاف، باب العین و الهاء و الجیم و ... ادامه داده است؛ یعنی بعد از عین، «ها» را که

از حروف حلقی است، ذکر می‌کند و بعد از هاء، قاف و کاف را که اولین حروف بعد از مخرج حلقی اند، می‌آورد.

قدما کلام عرب را به ثنایی، ثلاثی، رباعی و خماسی تقسیم می‌کرده‌اند. العین نیز معجم خود را به این روش تنظیم کرده است. این امر باعث شده که بسیاری از کلمات دو حرفی در معجم آمده است، نظیر «إذ»: «إذ لما مضى وقد يكون لما يستقبل».

همچنین متقدمان، ثلاثی مضاعف را ثنایی می‌دانسته‌اند. خلیل به این شیوه کلماتی نظیر عَرَّ، عَلَّ، عَفَّ، عَبَّ را در ثنایی آورده است. وی آن دسته از کلمات رباعی را که از تکرار دو حرف مانند هم تشکیل شده نیز در بحث ثنایی مضاعف ذکر کرده است. مانند: العُصُصُ، الصَّعُصَةُ، شَعُشَعْتُ، الذَّعْدَةُ، الفَعْفَعَةُ.

مبنای العین، حروف اصلی کلمه است و در تنظیم ابواب به ترتیب ثنایی، ثلاثی صحیح، ثلاثی معتل، لفیف، رباعی و خماسی را ذکر می‌کند. مانند چینش حرف قاف که در ذیل می‌آید:

باب الثنائی: قش، شق، قظ، قص، قس، قز، زق و...

باب الثلاثی الصحیح: شقص، قشط، شقد، شذق، دقش، شقد، قشد و...

باب الثلاثی المعتل: جوق، قشو، شقا، وقش، شقو، شوق، وشق و...

باب اللفیف: قوی، قوقی، وقی، واق، آقا، قاء، أوق، أیق.

باب الرباعی: جنبق، قنفع، جرمق، مجنق، جبلق، جوسق، جلهق و...

باب الخماسی: جنفلق، شفشلق، قنفرش، فلنقس، فرزدق، قفندر، درنفق، قنطرس، نقلس.

در هر باب، تمام اشتقاقاتی که برای آن حروف در کلام عرب استعمال دارد، ذکر می‌شود؛ مثلاً در ثلاثی اگر همه صورت‌ها استعمال داشته باشند، شش صورت پیدا می‌کند. نظیر ماده عین و قاف و دال: «عقد، عدق، قعد، قدع، دقع، دقع»، وگرنه صورت‌هایی که استعمال دارند، می‌آید و مواردی که مهمل است، ذکر نمی‌گردد. برای نمونه در ماده عین و قاف و شین چهار وجه آورده است: «عشق، قعش، قشع، شقع» و دو کلمه «شعق و عشق» به علت مهمل بودن ذکر نشده است.

برای پیدا کردن یک واژه در کتاب العین، ابتدا به حروف اصلی کلمه توجه می‌کنیم و هر حرفی که در چینش مخارج حروف العین جلوتر قرار داشت، به آن باب رجوع می‌شود. نظیر ماده ای که حروف اصلی

آن «ن ق ح» است، باید به باب «حاء» مراجعه نمود و از آنجا که حرف قاف نسبت به حرف نون نزدیک تر به «حاء» است، سراغ «باب الحاء و القاف و النون» می رویم. پس مطابق ترتیب مخارجی العین اگر حرف عین در بین حروف اصلی بود، در باب عین و اگر حاء بود، در باب حاء و اگر هاء داشت، در باب هاء و به همین شکل ادامه پیدا می کند.

و در صورتی که کلمه ای به طور کامل معتل باشد، باید به آخرین باب کتاب مراجعه کنیم؛ «باب حروف المعتله: لفیف من «و»، «ا»، «ی»، «ه»: «أوی، أو، أی، وأی، وی، وا، آء، آیا یا، واو، یؤیؤ». نظم خلیل اگر چه بسیار علمی است، ولی دستیابی به واژه‌ها در آن چندان سهل نیست و این خود، مورد ایراد برخی ناقدان کتاب العین بوده است. این امر سبب نگارش «ترتیب کتاب العین» برای استفاده آسان تر محققان گشت. در ترتیب کتاب العین تمام مواد ذکر شده در العین به ترتیب حروف الفبایی ذکر شده است.^۱

صاحب کتاب العین برای این نحوه چینش کتاب، دلایلی داشته است از جمله این که مشاهده برخی لغات در کنار هم در تحلیل لغات موثر می باشد و بر فرض قبول مبنای خلیل اشکالی متوجه چینش کلمات او نیست.

پرسش و تمرین

۱. خلیل بن احمد در کدام دوره تاریخی قرار داشت و این دوره چه تأثیری در اعتبار کتاب وی گذاشت؟
۲. امتیازات خلیل در علم لغت چیست؟
۳. خلیل چگونه توانست معجم العین را گردآوری کند؟
۴. سه ویژگی کتاب العین را بیان کنید.
۵. خلیل با چه شیوه ای توانست تمام کلمات عربی را به شماره درآورد؟
۶. کتاب العین بر چه اساسی تنظیم شده است؟

۱. کتاب العین خلیل به منظور دستیابی آسان، توسط محقق محمد حسن بکایی به ترتیب حروف الفبایی رایج مرتب شده است.

۷. معجم العین با چه حروفی آغاز می‌شود و با چه حروفی ادامه پیدا می‌کند؟
۸. خلیل در تنظیم کلمات، حروف عین الفعل و لام الفعل را بر چه اساسی مرتب نموده است؟
۹. با مراجعه به کتاب العین، تعیین کنید هر یک از کلمات زیر در کدام باب کتاب گنجانده شده‌اند؟
نعم، قطب، سعد، بخل، مرّ، زلزل.
۱۰. با مراجعه به سه باب از کتاب العین بدون ترتیب، سه گروه پنج تایی از کلماتی که کنار یکدیگر ذکر شده را بنویسید. این کلمات چه شباهتی از نظر ماده کلمه با یکدیگر دارند؟
۱۱. معنای واژگان زیر را از معجم العین بنویسید و در صورت مشابهت معنایی بین هر یک از آنها با توجه به حروف اصلی آنها مشابهت ماده آنها را با یکدیگر مقایسه کنید:
توب، نوب، اوب، خرق، خرب، عصم، عصی، عبد، عبر.

تهذيب اللغة و الصحاح

هر محققى که در زمینه قرآن و روایات به مطالعه و پژوهش اقدام می کند، بی نیاز از مراجعه به معاجم لغت قرون اولیه نیست، در این مسیر تحقیق، مراجعه بیشتر و دقیق تر محقق را به جمع بندی جامع تر نزدیک می سازد، از این رو اکتفا به معجمی نظیر العین که در درس گذشته با آن آشنا شدید کفایت نمی کند بلکه برای نتیجه جامع تر در تحقیق لازم است بعد از معجمی نظیر العین به معاجم مشابه آن نیز رجوع شود؛ معجم تهذيب اللغة، معجمی که افزون بر تبعیت از روش معجم متقنی چون العین، از نقاط قوت دیگری نیز برخوردار است، همچنین معجم مهم دیگری که در بین معاجم موجود، زیاد مورد مراجعه قرار می گیرد، صحاح جوهری می باشد، که در ادامه، این دو معجم را معرفی می کنیم.

تهذيب اللغة

«تهذيب اللغة» اثر ابومنصور محمد بن احمد ازهری (۳۷۰ ق) ادیب و فقیه و زبان شناس قرن چهارم هجری است. وی در شهر هرات به دنیا آمد.

ازهری در سال ۳۱۲ ق به قصد زیارت خانه خدا راهی مکه مکرمه شد. در راه برگشت اسیر راهزن هاشد چندی در میان گروه هایی از مهاجمان که از طوایف هوازن و تمیم و اسد بودند، به سر برد. خود در مقدمه تهذيب این مطالب را ذکر کرده است، و گفته است که پس از حمله و تقسیم غنائم، به دست گروهی از

عرب‌های بادیه‌نشین افتاده که ذوق و قریحه‌ی بدوی داشته‌اند و به‌ندرت در کلامشان لحن یا خطای فاحشی راه یافته بود و از لهجه سالم و دست نخورده‌ای برخوردار بودند، لذا معاشرت با آنها را غنیمت شمرده و از آنها در انتخاب کلمات فصیح و صحیح بهره برده است.

روش چینش کلمات

ترتیب واژگانی این فرهنگ همانند معجم «العین» است و الفاظ از حروف حلقی شروع می‌شود و با حروف لبی و حروف بدون جایگاه (جوف) در جلد آخر به پایان می‌رسد. ترتیب کتاب بر اساس حروف چنین است: (ع ح ه خ غ - ق ك - ج ش ض - ص س ز - ط د ت - ظ ذ ث - ر ل ن - ف ب م - و ای). وی بعد از هر حرف ابتداء مضاعف آن حرف را یعنی واژه‌هایی که دو حرف از حروف آن مشابه باشد را ذکر می‌کند. سپس ابواب ثلاثی صحیح و در ادامه ثلاثی معتل و در مرحله بعد ابواب لفیف و در پایان ابواب رباعی را متذکر می‌شود.

ازهری در این کتاب نظام قلب را به تقلید از خلیل بر اساس اشتقاق کبیر استفاده کرده است؛ وی گونه‌های مختلف يك ماده را استخراج و الفاظ مستعمل و مهمل آن را جدا و معانی هر يك از مستعملات آن را بیان کرده است.

ویژگی‌های تهذیب اللغه

ازهری هدف خود را از تألیف این کتاب پاکسازی زبان عربی از ناخالصی‌هایی شمرده است که در کتاب‌های قبل از او وجود داشته است به همین جهت آن را تهذیب نامیده است. وی در مقدمه تهذیب می‌نویسد: این کتاب را تهذیب اللغه نامیدم، زیرا هدف من از جمع‌آوری آن پاکسازی زبان عربی از الفاظی است که بر اثر بی‌خبری و عدم فصاحت عده‌ای، از مجرای اصلی خود خارج شده و وارد زبان عربی شده است. بنابراین به قدر توان علمی خویش کلماتی را که دچار تصحیف و خطا شده‌اند در این کتاب جمع‌آوری و تهذیب و تصحیح کردم و از آوردن کلماتی که اصل آن ناشناخته است و ذکر الفاظ غریبی که افراد مورد اعتماد آنها را به عرب نسبت نداده‌اند، پرهیز کردم.

ابن منظور درباره آن گفته است: «لم أجد فی کتب اللغه اجمل من تهذیب اللغه». از ویژگی‌های این لغت‌نامه کثرت مواد و تعدد روایات و شواهد لغوی و شعری و نیز استشهاد به آیات قرآن و احادیث نبوی است.

دریافت لغت از بادیه نشینان اعتبار علمی کتاب را تقویت کرده است لغویان کهن اهتمام زیادی داشتند که لغت را از بادیه نشینان بگیرند و این مسئله در گردآوری لغت بسیار حائز اهمیت است، زیرا بادیه نشینان اصالت خود را حفظ کرده بودند و زبان آنان همانند زبان شهر نشینان دچار تغییر و تحول نشده و یا کمتر مبتلا به تغییر و تحول شده بود، بر خلاف شهرها که به دنبال فتوحات کشورها و اختلاط عجم ها با غیر عرب ها به میزان زیادی زبان اصلی شان دستخوش تغییر می شد.

از دیگر ویژگی های این معجم توجه به نام های جغرافیایی و شهرها و معرفی کلمات غیر عربی است. جهت آسان شدن مراجعه به کتاب «ریاض زکی قاسم» تهذیب را بازنوسی و بر اساس حروف الفباء و با توجه به حروف اصلی کلمه مرتب کرده است. این کتاب به وسیله انتشارت دارالمعرفه بیروت به چاپ رسیده است.

معجم الصحاح

نام کامل این کتاب، تاج اللغة و صحاح العربیة است و شهرت زیادی در میان کتاب های لغت دارد. مؤلف این کتاب ابونصر اسماعیل بن حماد نیشابوری، معروف به جوهری (۳۹۳ق) است. جوهری در فاراب به دنیا آمد، سپس به عراق و حجاز و خراسان سفر کرد و سرانجام در نیشابور اقامت گزید. وی در سال ۳۹۳ هجری قمری در اثر سقوط از پشت بام مسجد جامع نیشابور درگذشت.

روش چینش کلمات الصحاح

جوهری نخستین لغت نامه نویسی است که کتاب خود را براساس حرف آخر (نظام قافیه) و حرف اول تنظیم کرده است. وی در مقدمه صحاح می نویسد: «کلمات در این کتاب به ترتیبی نوشته شده اند که مانند آن قبلاً دیده نشده است و آنچه پیراسته شده که کسی را یارای غلبه بر من نیست».

صحاح، به تعداد حروف الفباء به ۲۸ باب تقسیم شده و هر باب حاوی کلماتی است که لام الفعل آنها همان حرف است؛ آن گاه در هر باب مبنای فاء الفعل، به یک فصل جداگانه تقسیم می گردد و در چینش کلمات ذیل هر فصل، محوریت با عین الفعل می باشد و آن نیز به ترتیب حروف الفبا از آغاز تا پایان خواهد بود.

ویژگی های الصحاح

سیوطی در کتاب المزهر، جوهری را اولین کسی می داند که مبنای کارش انتخاب کلمات صحیح عربی

بوده و سعی کرده، کلمات غیر صحیح را در معجم خود وارد نکند. جوهری معتقد بود که گذشت زمان سبب شده کلماتی وارد زبان فصیح شود که متعلق به آن نیست؛ از این رو کوشید صحیح را از ناصحیح جدا کند، و فرهنگ خود را صحاح نامید.

نویسنده در کتاب خود به طور فراوان به اشعار شعرای عرب، اقوال پیامبر ﷺ و صحابه، و همچنین به اقوال بسیاری از علمای نحو و لغت استناد کرده است.

از دیگر ویژگی‌های صحاح، توجه به لغات عامیانه، معرب، اشاره به الفاظی که در شعر جاهلی نیامده ولی اسلام آن را به کار برده، اشاره به اضداد و برخی موارد دیگر مانند توجه به فقه اللغه و اشتقاق کبیر است.

صاحب صحاح برای نخستین بار، حرکات را نیز گزارش کرد مانند «الکُداد» به ضم و «الکُرد» به ضم و «الکُردیده» به کسر.

این معجم مورد اهتمام علما واقع شد و عده‌ای از علمای لغت آن را تلخیص کرده‌اند. آثاری مانند «مختار الصحاح» و «نجد الفلاح» از آن جمله‌اند. همچنین این معجم بارها تصحیح و چاپ شده است. در سال ۱۹۷۴ م فردی به نام ندیم مرعشلی و اسامه مرعشلی ترتیب کتاب را از سبک اصلی خود خارج کرده و به شیوه الفبائی و با توجه به ریشه اصلی کلمه (و ترتیب فاء الفعل، عین الفعل و سپس لام الفعل کلمه تغییر دادند) همچنین شروع و شواهد و مباحث اضافی را حذف کردند تا با این کار یکی از بهترین منابع زبان عرب را در بهترین سطح، به مخاطبین عرضه کنند.

بعضی از علمای لغت مانند فیروز آبادی در «القاموس المحيط» و خلیل بن ایبک صفدی در کتابی به نام «نفوذ السهم فیما وقع للجوهری فی الوهم» به جوهری تاخته و او را متهم به غلطگویی کرده‌اند. البته بعضی منشأ اغلاط موجود در «صحاح» را این می‌دانند که جوهری خود نتوانست «صحاح» را قبل از مرگش کامل کند و فقط تا باب ضاد کامل کرده بود که به بیماری مبتلا شد و خود را از بام مسجد جامع نیشابور به پایین انداخت و بقیه کار کتاب را که تنظیم دست نوشته‌های جوهری بود شاگردش ابواسحاق ابراهیم بن صالح وراق ادامه داد و در چند موضع غلط‌های فاحشی مرتکب شده است.

پرسش و تمرین

۱. دو مورد از مهم‌ترین ویژگی‌های معجم تهذیب اللغه چیست؟
۲. ارتباط صاحب تهذیب اللغه با یکی از قبایل بیابان نشین چه تاثیری در لغت شناسی وی داشت؟
۳. روش چینش این معجم را توضیح دهید.
۴. با مراجعه به کتاب تهذیب اللغه معنای کلمات زیر را پیدا کرده و با معانی ارائه شده در کتاب العین مقایسه نمایید:
خلق - جود - کلم - عصا - عقد.
۵. معاجم صحاح و تهذیب اللغه مربوط به چه قرنی هستند؟
۶. حداقل سه مورد از مهم‌ترین ویژگی‌های صحاح را تبیین کنید.
۷. روش تنظیم این معجم را بازگو نمایید.
۸. یکی از ابتکارات صاحب الصحاح را بیان نمایید.
۹. با مراجعه به کتاب «الصحاح» یا «مختار الصحاح» معنای واژگان زیر و استعمالات مختلف آن را بنویسید:
خبر - سور - قود - قید - منع - مهد.

فیدر قابل استناد (دفتر تلویزیون متون درسی حوزه های علمیه)

درس نهم

مقایسه اللغة

پس از آنکه در درس پیش با کتاب العین آشنا شدیم. در این درس به معرفی یکی از مهم ترین و معتبر ترین معاجم لغوی در تحلیل لغت، یعنی کتاب معجم مقاییس اللغة ابن فارس می پردازیم.

شخصیت ابن فارس

احمد بن فارس رازی معروف به ابن فارس، ادیب، شاعر و از مشاهیر علمای علم لغت است. معروف این است، که وی در قزوین به دنیا آمده است. و در سال ۳۹۵ هـ.ق در شهر ری از دنیا رفت و در همانجا به خاک سپرده شد.

ابن فارس در نحو، پیرو مکتب کوفه است. اگرچه وی محقق و ادیبی است که در رشته های گوناگون مانند نقد شعر، تفسیر قرآن، فقه، صرف و نحو و... دانشی گسترده دارد، اما شهرت کتب لغات مقاییس اللغة، الصاحبی فی اللغة و المجمل اللغة باعث شد وی عالمی لغوی شناخته شود. ابن فارس المجمل را برای شاگردانش تدریس می کرد و این امر یکی از دلایل شیوع آن بود. در آن زمان، معاجم لغوی در متون درسی بوده و طلاب، کتب لغت را از ابتدا تا انتها نزد استاد می آموختند.

ویژگی های مقاییس

از نوآوری های وی که باعث ماندگاری مقاییس شده، روش تحلیلی او در لغت بوده است. این کتاب،

اولین کتابی است که در علم لغت به تحلیل واژگان پرداخته است. این کتاب در شرایطی نگاشته شده که امکان نقل از عرب وجود داشته است و هنر وی این بوده که نقل و تحلیل را در مقایسه به هم آمیخته است.

تصنیفات ابن فارس با قلمی ادیبانه نگارش یافته است و مبنای او بر اختصار و ایجاز بوده است. وی همه استعمالات یک ماده را ذکر نکرده است و فقط استعمالات فصیح و صحیحی را بیان کرده که یا خود شنیده است، یا در کتابی معتبر دیده است.

ابن فارس با تحلیل مواد کلمات و مشتقات آنها با تکیه بر استعمالات عرب، تلاش کرده معانی مختلف هر ماده را به معنای جامع بین استعمالات برگرداند. دلیل این روش توجه به تناسبی است که استعمالات مختلف با معنای جامع دارند. البته ابن فارس در برخی مواد به دو معنا و در موارد نادری به سه معنا و بیشتر نیز اشاره می‌کند.

از دیگر ویژگی‌های این کتاب، استفاده از بحث اشتقاق است که کلمات را به اصل ماده خود برمی‌گرداند. ایشان، پیش تر المجلد اللغة را منطبق با روش معاجم دیگر نگاشته بود، ولی در کتاب مقایسه با رویکردی جدید به استخراج معنای جامع میان استعمالات واژه‌ها می‌پردازد.

مراجعه به این کتاب برای به دست آوردن معنای واژه، آسان تر از معاجم دیگر است؛ چون در ابتدای هر ماده به معنای اصلی ماده اشاره کرده است. با توجه به خصوصیات ایجاز و اختصار و بیان روشن معنای هر ماده، همچنین جدا کردن معانی استعمالی از معنای اصلی، این کتاب برای آموزش لغت بسیار مناسب است.

از دیگر ویژگی‌های کتاب مقایسه، استفاده نویسنده از منابع معتبر لغت می‌باشد. نویسنده در مقدمه کتاب، منابع مشهوری را که برای تدوین مقایسه استفاده کرده، بیان نموده است؛ کتاب العین خلیل بن احمد، غریب الحدیث و الغریب المصنّف أبی عبید، کتاب المنطق ابن سکیت و الجمهرة ابن درید.

نظام ترتیب واژگان مقایسه

ابن فارس در تنظیم مفردات لغت، به جای استفاده از مخارج اصوات، آنها را بر مبنای حروف الفبا تنظیم کرده است. غرض وی از چنین ترتیبی، آسان ساختن معرفت به مفردات زبان عربی برای طالبان آن بوده است.



صاحب مقایس برای تنظیم کتب لغت خود روش جدیدی را ابداع کرد. در این نظام، ابتدا مواد لغات (حروف اصلی کلمه) بر اساس حرف اول ماده، به ترتیب حروف الفبا به ۲۸ قسمت تقسیم شده است و هر قسمت بر اساس حروف اصلی کلمه به سه باب (۱) ثنایی مضاعف و مطابق؛ (۲) ثلاثی؛ (۳) رباعی و خماسی تقسیم شده است.

در دو باب ثنایی مضاعف و ثلاثی بعد از حرف اول (فاء الفعل) حرفی که در ترتیب الفبایی بعد از آن قرار دارد می آید. تا اینکه به آخرین حرف از حروف الفبا برسیم. سپس دوباره از همزه شروع می شود و به حرف ماقبل حرفی که با آن شروع شده پایان می یابد. برای مثال در باب «دال» در معجم دیگر، «داب» در ابتدا قرار دارد، اما در این کتاب، بعد از ذکر تمام ثنایی های مضاعف، ماده «درز» و بعد از آن «درس» آمده است؛ به این دلیل که در ترتیب الفبایی حرف راء بعد از دال است و بعد از راء، زاء قرار دارد. به همین ترتیب لام الفعل ادامه پیدا می کند تا به ماده «دری» برسد و بعد از لام الفعل، مطابق حروف الفبا از ابتدا شروع و به حرف خاء ختم می شود؛ در ثلاثی درز، درس، درص، درع، درق، درک، درم، درن، دره، دری، درأ، درب، درج، درد. بعد از اینکه حروف الفبا در لام الفعل یک بار چرخید، نوبت به تغییر عین الفعل می رسد.

البته ترتیب الفبایی کتاب نیز چاپ شده ولی این نوع چینش کلمات هم معنا را بر اساس اشتقاق اکبر کنار هم قرار می دهد.

اصطلاحات مقایس

مهم ترین اصطلاحاتی که موجب آشنایی بیشتر با معجم مقایس و بهره مندی بهتر از آن می گردد عبارتند از:

اصل:

«اصل»، «اصلان» و «اصول»، از اساسی ترین اصطلاحات به کار رفته در مقایس اللغة می باشد. اصل، به معنایی مشترک گفته می شود که در کاربردهای یک ریشه لغوی موجود باشد. امروزه به آن «گوهر معنایی» یا «بُن معنایی» گفته می شود. مثلاً ذیل ماده «هف» چنین آمده است: «الهاء و الفاء اصل یدل علی خفة و سرعة فی السیر و الصوت؛ گوهر معنایی این ماده عبارت است از: سبکی و سرعت در حرکت و صدا». این معنا در تمام استعمالات این ریشه وجود دارد:

۱. قدما مضاعف را ثنایی می دانستند مضاعف مثل بثّ. مطابق: دو حرفش تکرار می شود مانند سرسر، زلزله.

الهفیف : حرکت سریع ؛

الریح الهفهافة : بادی که به نرمی می وزد (معنای سبکی در حرکت باد در آن وجود دارد)؛
قمیص هفهاف : پارچه نازک (به این دلیل نام این پارچه را هفهاف نهادند که سبک و نرم است)؛
الشهد الهف : شانه عسل که دارای عسل کمی باشد (به دلیل سبکی ، نام آن را هف گذاردند)؛
الهف : ابر سبک و ابری که در اثر باریدن سبک شده است؛
البهفوف : احمق (به دلیل سبک مغزی).

اصطلاح اصل در مقایسه اللغه به اشکال گوناگونی دیده می شود. گاهی به صورت مفرد و گاهی به صورت مثنی و جمع می آید. گاهی نیز به تنهایی و بدون وصف استعمال می شود و گاهی به همراه یک یا چند وصف می آید که توضیح آن در ادامه خواهد آمد.

اصل مطرد

این تعبیر در جایی به کار می رود که معنای اصلی، فراگیر بوده، در تمام کاربردهای ریشه لغوی موجود باشد و در یک مورد نیز دارای کاربردی مخالف با معنای اصلی نباشد. مفهوم اطراد، در مقابل مفهوم شاذ به کار می رود.

أصیل

«أصیل» که تصغیر شده اصل است، به ریشه‌ای گفته می شود که علاوه بر داشتن معنای مشترک، دارای مشتقات اندکی باشد و در برخی موارد، ابن فارس أُصیل را با عبارت «فیه کلام یسیر» و یا «قلیل الفروع» توصیف می کند که به معنای کم بودن اشتقاقات آن ریشه است. برای مثال می گوید: «الضاد و الهمزة و الدال أُصیلٌ قلیل الفروع، یدلُّ علی مَرَضٍ مِنَ الْأَمْرَاضِ. قالوا: الضُّؤد: الزکام، و كذلك الضُّؤدة. رجلٌ مضئود، أی مزکوم. و حکیت کلمةٌ أخرى عن أبي زيد، إن صحّت. قالوا: ضأدت الرّجل ضأداً، إذا خصمته». در مقابل، اگر ریشه‌ای از مشتقات فراوانی برخوردار باشد، آن را «اصل کبیر» می نامند. وی در چهار مورد از این اصطلاح استفاده می کند. برای نمونه می گوید: «العین و المیم و الدال أصلٌ کبیر، فروعه کثیرة ترجع إلى معنی، و هو الاستقامة فی الشیء، منتصباً أو ممتداً، و كذلك فی الرّأی و إرادة الشیء».

«کلمه»

اصطلاح «کلمه»، متضاد اصطلاح «اصل» است؛ یعنی اصطلاح کلمه در مواردی به کار می رود که ماده‌ای، فاقد معنای اصلی باشد مانند «أثن»، «أجن»، «یوم»، «وقط».

پرسش و تمرین

۱. روش ترتیب و تنظیم این کتاب را به طور خلاصه بیان نمایید.
۲. سه مورد از مهم ترین خصوصیات این کتاب را بازگو نمایید.
۳. چرا مقایسه اللغة هم از کتب تحلیلی و هم از کتب نقلی محسوب می شود؟
۴. با مراجعه به معجم مقایسه اللغة بیان کنید هر یک از واژگان زیر، از چند معنای اصلی تشکیل شده است؟
حسب، أمر، اجر، بدع، خطب، بعل، صبر.
۵. اصطلاحات «اصل» ، اصیل ، کلمه « را در معجم مقایسه اللغة با ذکر یک مثال توضیح دهید.

فیدر قابل استناد (دفتر تلویزیون متون درسی حوزه های علمیه)

درس دهم

لسان العرب، قاموس المحيط، تاج العروس

کتاب های العین و تهذیب و الصحاح و معجم مقاییس اللغه که پیش از این معرفی شد، از مهم ترین کتب معتبر و متقدم لغت به شمار می آیند. در دوره متأخر نیز بعضی دانشمندان به تدوین کتابهای لغتی پرداختند که از مزایای این کتب جامعیت آنهاست. از جمله آثار دوره متأخر که در عین حفظ اصالت از جامعیت قابل قبولی برخوردار است کتاب لسان العرب ابن منظور، قاموس المحيط و تاج العروس می باشد که در این درس به معرفی آنها می پردازیم.

شخصیت ابن منظور

جمال الدین محمد بن مکرم مشهور به «ابن منظور» و «ابن مکرم»، لغوی، ادیب و قاضی در سال ۶۳۰ هجری چشم به جهان گشود و در سال ۷۱۱ هجری دیده از جهان فرو بست. برخی زادگاه وی را مصر نوشته است، اما از منابع قدیم درباره مکان تولد و سال های نخستین زندگی او آگاهی دقیقی به دست نمی آید. وی کاتب دیوان انشا بود و پس از آن، منصب قضا را به عهده گرفت. شهرت ابن منظور بیشتر به دلیل لغت نامه بزرگ لسان العرب است. این کتاب از حیث تفصیل و کثرت مواد لغات و فراوانی شواهد، در میان قاموس های زبان عربی شهرت یافته است. سیوطی در بغیةالوعاة ضمن تمجید از وی گفته است: «... وکان عارفاً بالنحو واللغة والتاریخ والكتابة». ابن منظور به مختصر کردن کتاب های مفصل علاقه داشت؛ به طوری که درباره وی گفته اند: «در میان

کتب مفصل ادبی چیزی نمانده که وی آن را مختصر نکرده باشد». از جمله کتب تلخیصی وی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. کتاب های چاپ شده:

۱. مختارالآغانی فی الاخبار و التهانى، گزیده‌ای از الاغانی ابوالفرج اصفهانی است.
۲. مختصر تاریخ دمشق، از ابن عساکر که در آن علاوه بر حذف بیشتر اسانید، به تلفیق اخبار پرداخته است.

ب. کتب چاپ نشده:

۱. اختصار کتاب الحيوان جاحظ.
۲. مختار الطبقات الكبرى ابن سعد.

ویژگی های لسان العرب

مهم ترین ویژگی لسان العرب جامعیت آن از نظر مواد است و به طور معمول، لغاتی که در معاجم دیگر یافت نمی‌شود، در آن می‌توان یافت. ابن منظور بر اساس روش نقل، لسان العرب را با توجه به همه معاجم پیشین جمع‌آوری کرده است. وی در حدود هشتاد هزار ماده را (بدون در نظر گرفتن مشتقات و مفردات هر ماده) در کتابش جمع‌آوری کرده است. البته وی غالباً از حدگردآوری فراتر نمی‌رود.

منابع ابن منظور در تدوین لسان العرب - آنگونه که خود در مقدمه کتاب از آنها یاد کرده است - عبارتند از: المحکم ابن سیده، تهذیب اللغه از هری، صحاح جوهری، التنبیه و الايضاح ابن بری، والنهایه فی غریب الحدیث و الاثر از ابن اثیر جزری. ابن منظور در مقدمه لسان پس از معرفی و بیان امتیازات هر يك از منابعی که از آنها یاد کردیم هدف خود را از تألیف کتابش گردآوری مطالب همه کتب پیشین در يك مجموعه و تبویب و دسته‌بندی آنها معرفی کرده می‌نویسد: در تألیف این کتاب هیچ فضیلتی نیست که من آن را به خودم نسبت دهم جز این که همه مطالبی را که در آن کتابهای مذکور (متفرق بود در یکجا گردآوردم و به اندک قانع نشدم، چرا که طالب علم گرسنه است، بنابراین هر کس در این کتاب به مطلبی صواب یا به لغزشی، یا کمال و یا نقصی دست یابد مسؤولیت آن بر عهده مصنف اول است، هم چنین مدح و ستایش، یا مذمت آن نیز از آن کتابی است که من از او نقل کرده‌ام، چرا که من عین مطالب آن کتابها را بی هیچ کم و کاست و تغییری نقل کرده و امانت در نقل را رعایت کرده‌ام.

ابن منظور به گردآوری صرف از معاجم پیشین اکتفا نکرده بلکه به ساماندهی مطالب آن معاجم نیز

پرداخته است وی در مقدمه کتاب، می نویسد: «هیچ يك از لغت نویسان پیشین، دو جنبه گردآوری و سامان دهی را يك جا به کمال نرسانده اند».

به عقیده این منظور، لسان توانسته است آرای پراکنده لغویان مشرق و مغرب را گردآوری و جامعیتی به این معجم دهد که گذشتگان به دلیل عدم نقل کامل از سایر لغت نامه‌ها، به آن نرسیده بودند. این دو ویژگی باعث شده که لسان العرب که یک کتاب تدوین شده در دوره متأخر و قرن هشتم هجری است از نظر ارزش و اعتبار هم‌تراز با منابع دست اول در لغت به شمار آورد.

استفاده از منابع کهن و معتبر لغت

تنظیم و مرتب کردن این منابع بدون اضافه نمودن مطلبی از خود به آن. وی، چنانکه خود می‌گوید، در نقل از منابع، امین است، جز آنکه غالباً مأخذ قول را ذکر نکرده و گاهی در نقل از متن اصلی عبارتی را انداخته است. همچنین کثرت لغات و شواهد و عدم تلفیق نقل‌های گوناگون، در مواردی سخن او را به آشفتگی و تکرار کشانده است. لسان العرب از آنجا که شامل شواهد شعری، قرآنی، روایی فراوان و ضرب‌المثل و سخنان زیبا است، پیوسته مورد توجه محققان بوده است.

روش چینش کلمات لسان العرب

در این کتاب، این منظور ریشه‌های لغات را به پیروی از جوهری بر پایه نظام قافیه ترتیب داده است. بر اساس این نظام، ملاک ترتیب الفبایی ریشه‌ها در مرتبه اول، حرف پایانی و سپس به ترتیب، حرف نخست و سرانجام حرف میانی است.

وی لسان را بر اساس ترتیب حروف هجایی و بر مبنای حروف اصلی کلمات و با محوریت لام الفعل و سپس فاء الفعل و آنگاه، عین الفعل تنظیم کرده است؛ بدین صورت که برابر تعداد حروف الفبا، به ۲۸ باب تقسیم شده و هر باب، حاوی کلماتی است که لام الفعل آنها آن مشتمل بر حرف مورد نظر باشد. سپس در هر باب به تعداد حروف هجا، بر مبنای فاء الفعل، فصولی ذکر شده اند و هر فصل، نشان دهنده کلماتی است که در ذیل آن باب، فاء الفعلشان همان حرف است و در چینش کلمات ذیل هر فصل، محوریت با عین الفعل می‌باشد و آن نیز به ترتیب حروف الفبا از آغاز تا پایان خواهد بود. در این ترتیب کلمات،

رباعی و خماسی بعد از ثلاثی قرار می‌گیرند.

روش تنظیم مباحث در هر لغت

ابن منظور در تنظیم مباحث و مطالب ذیل هر واژه نیز روش خاصی را در پیش گرفته است. وی پس از ذکر ماده کلمه، برای معناکردن واژه چنان چه آن کلمه از نام‌های خدای تعالی باشد ابتدا معنای آن کلمه را بیان و آن را درباره صفت خدای تعالی تطبیق و توضیح می‌دهد. و اگر آیه‌ای از قرآن مشتمل بر کلمه باشد، آیه را ذکر می‌کند. به هر حال مقدم داشتن آیاتی از قرآن مجید در آغاز شرح هر کلمه یک اصل غالبی در لسان العرب است.

سپس معانی مختلف مصدر و فعل ثلاثی مجرد آن کلمه را با استناد به شواهد مختلف بیان کرده و در ادامه معانی مختلف ابواب ثلاثی مزید را یکی بعد از دیگری با استناد به شواهد گزارش می‌کند. و در نهایت معنای اسمی آن کلمه، یا به عبارت دیگر صیغه‌های مختلف اسمهای مشتق از آن کلمه یا هم خانواده با آن کلمه که حتی احتمالاً می‌تواند مشتق منه برای صیغه‌های فعلی باشد را آورده و معانی آنها را نقل می‌کند.

قاموس المحيط

«قاموس المحيط» اثر محمد بن یعقوب فیروزآبادی (متوفی ۸۱۷ ق)، عالم لغوی، محدث، مفسر، سیره‌نویس، در قرن نهم بوده است. اصل وی از فیروزآباد از توابع شیراز است اما در کازرون متولد شده است. در هفت ساتگی قرآن را حفظ کرد و در هشت سالگی به شیراز نقل مکان کرد.

روش چینش کلمات:

چینش لغات در کتاب قاموس بر حسب نظام قافیه‌ای است؛ یعنی ابتدا محور کار خود را آخرین حرف (لام الفعل) از حروف اصلی کلمه قرار داد، سپس ابتدای کلمه (فاء الفعل) و سپس عین الفعل را در نظر گرفت. فیروزآبادی بر این اساس کتاب خود را به ابواب و فصل‌های تقسیم کرد؛ بر اساس آخرین حرف از حروف اصلی کلمه به باب تقسیم کرد و هر کدام از این بابها را بر اساس اولین حرف از حروف اصلی کلمه به فصل‌های تقسیم کرد.

ویژگی‌های کتاب:

۱. جمع‌آوری حدود شصت هزار ماده لغوی در کتاب که این رقم بالای به حساب می‌آید. وی دلیل نامگذاری

کتاب را چنین بیان کرده است: «آن را القاموس المحيط نامیدم چون دریای عظیمی از لغات را در بر می‌گیرد.»
 ۲. استدلال به قرآن کریم و احادیث نبوی و کلام عرب در کتاب فراوان مورد استفاده قرار گرفته است.
 ۳. رمزهای در کتاب خود قرار داده است تا از این طریق الفاظ دلالت بر معنای خاص داشته باشد و از طولانی شدن کتاب خود جلوگیری کند مثلاً: م: معروف، ع: مَوْضِع، د: بلد، ج: الجمع، ج ج: جمع الجمع، ج ج ج: جمع جمع الجمع

۴. از دیگر کارهای که ایشان انجام داده است این است که مواردی را که اضافه‌تر از کتاب صحاح جوهری دارد با علامت قرمز نوشته است. البته در چاپ‌های قدیمی به دلیل مشکلاتی که در چاپ آن وجود داشت، کلمه اصلی را بین دو پرانتز و موارد اضافه‌تر از کتاب صحاح جوهری در بالای آن خطی ممتد قرار داده شده است. ولی در چاپ‌های جدید تمام این موارد با خط قرمز نوشته شده است.
 ۵. زمانی که بخواهد به نقد صحاح جوهری بپردازد از عبارت «وهم الجوهری» استفاده می‌کند.
 ۶. هر جا که احتمال اشتباه در ضبط کلمات وجود دارد آن را با ذکر مثال می‌آورد؛
 ۷. از جمله مواردی که کار او را از دیگران ممتاز می‌کند این است که باب معتل «واوی» را از معتل «یای» جدا می‌کند، ابتدا شکل واوی آنرا متذکر می‌شود، سپس صورت یای آنرا ذکر می‌کند.

تاج العروس من جواهر القاموس

«تاج العروس من جواهر القاموس» اثر سید مرتضی حسینی زبیدی واسطی (متوفی ۱۲۰۵ ق) است. وی در لغت و حدیث و رجال و انساب تبصر داشته و از بزرگان اهل تصنیف است. وی سالها برای تالیف شرح قاموس رنج برد و پس از آنکه شرح قاموس را به پایان رسانید، آن را تاج العروس نامید و بدین مناسبت ولیمه‌ای داد که همه طلاب و اساتید وقت در آن ولیمه دعوت شده بودند.

روش چینش کلمات

کتاب ۲۸ باب، و هر باب ۲۸ فصل به شماره‌ی حروف الفبا دارد. البته در برخی از بابها، شماره‌ی فصول به ۲۸ نمی‌رسد، مانند باب حاء، سین، شین و ظاء. مولف در تنظیم واژه‌ها همچون فیروزآبادی، روش پایانی الفبایی را که همان «روش قافیه‌ای» یا «روش باب و فصل» بود، برگزید. در این روش با توجه به حرف پایانی کلمه، آن را بر اساس ترتیب الفبایی در باب مخصوص آن حرف جای می‌دهند. سپس با رعایت حرف اول و دوم و سوم و چهارم واژه، آن را در فصلی که درون این باب قرار دارد، می‌نهند.

ویژگی های کتاب

۱. تاج العروس جامع ترین و گسترده ترین معجم زبان عربی است که حاوی بیش از ۱۲۰ هزار لغت بوده و در ۲۰ جلد منتشر شده است. زبیدی ۲۹ ساله بود (۱۱۷۴ ق) که به تالیف کتاب اقدام نمود و چهارده سال در پای آن زحمت کشید. در این کار، وی حدود ۵۰۰ منبع را پیش روی داشت. و نتیجه آن افزودن حدود ۲۰ هزار واژه به کتاب های لغوی پیشینیان است.
۲. مولف علاوه بر زبان مادری اش، به زبانهای فارسی و ترکی نیز آگاهی داشت. به همین سبب، در بسیاری از جایها به ریشه یابی لغات معرب پرداخته است.
۳. مولف در مقدمه ی کتاب، به برخی مباحث مهم زبان شناختی و فقه اللغه پرداخته است. با برشمردن ده هدف، به علل تألیف کتابش اشاره کرده است که از آن جمله می توان به نواقص کار فیروزآبادی و گستردگی زبان عربی اشاره کرد.
۴. ذکر اسامی اعلام و توضیح و بررسی آنها، ذکر اسامی شهرها، روستاها، کوه ها، حیوانات و اصطلاحات پزشکی و... از جمله مواردی است که بر این کتاب افزوده شده است.
۵. مولف در بررسی اقوال، از نسخه های مختلف معاجم گذشته استفاده کرده است، به طوری که در برخی موارد، شرح های او به یک کار تحقیقی و نسخه شناسی تبدیل شده است.
۶. با توجه به مقدمه کتاب، القاموس المحيط محور کار زبیدی بوده است پس می توان تاج العروس را شرح القاموس المحيط دانست البته شرحی نقاد بر القاموس فیروزآبادی است؛ چرا که در جای جای کتاب نقدهای مختلفی دیده می شود که عمده آن بر قاموس المحيط است.

پرسش و تمرین

۱. منابعی را که مبنای کار لسان العرب بوده است، نام ببرید.
۲. مؤلفه های جامعیت این کتاب چیست؟

۳. روش ترتیب و تنظیم این کتاب چگونه و با کدامیک از معاجم کهن شباهت دارد؟
۴. با مراجعه به لسان العرب برای هر واژه اولین معنای ذکر شده و سه مورد از معانی ترکیبات آنها را بنویسید.
- توبه ذهب نزل

غیر قابل استناد (دفتر تلویزیون متون درسی حوزه های علمیه)

فیدر قابل استناد (دفتر تلویین متون درسی حوزه های علمیه)

درس یازدهم

مفردات الفاظ قرآن

همان گونه که امروزه برای بسیاری از رشته های تخصصی ، لغت نامه تخصصی وجود دارد ، فهم قرآن کریم نیز از لغت نامه های تخصصی بی نیاز نیست اگر چه رجوع به معاجم عمومی ، بخشی از لوازم فهم قرآن است ، یکی دیگر از ابزارهای کارآمد ، مراجعه به لغت نامه های قرآنی می باشد که فقط به بیان واژگان قرآنی پرداخته و مانند برخی معاجم عمومی ، استعمالات غیر استاندارد را در هر واژه نیاورده باشند . یکی از این معاجم ، کتاب مفردات الفاظ قرآن اثر راغب اصفهانی است .

شخصیت راغب اصفهانی

در سال تولد و وفات ابوالقاسم حسین بن محمد ، معروف به راغب اصفهانی اختلاف وجود دارد ، ولی آنچه مسلم است ، اینکه وی در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری می زیسته است . زادگاه او را شهر اصفهان نوشته اند . راغب در جوانی به بغداد ، مرکز خلافت و درس و بحث سفر کرده و در آن جا دانش آموخته است . بر سر مذهب او نیز اختلاف نظر وجود دارد .

در مورد شخصیت علمی او گفته ند که کتاب های او مانند محاضرات الادباء ، الذریعه و مفردات الفاظ قرآن در زمان حیات مؤلف شهرت داشته و از آنها نسخه برداری می شده است . برخی از کتاب های قرآنی وی از این قرار است : تفسیر قرآن کریم (جامع التفسیر) ، حلّ متشابهات القرآن (درة التاویل فی متشابه التنزیل) ، تحقیق البیان فی تأویل القرآن ، احتجاج القراء و مقدمه جامع التفاسیر که به صورت کتابی

مستقل انتشار یافته است

در مورد مقام علمی او نیز گفتنی است که علمای زیادی از وی تأثیر پذیرفته و کلام او را نقل کرده‌اند. در کتاب البرهان فی علوم القرآن اثر بدرالدین زرکشی (م ۷۹۶ ق)، از پیشگامان علوم قرآنی درباره او چنین آمده است: «جمعی اقدام بر تدوین و تصنیف کتاب‌هایی در غرایب القرآن نموده‌اند، ولیکن از بهترین آنها، کتاب مفردات راغب است؛ زیرا او معانی را از کاربرد هابه دست آورده است». علاوه بر زرکشی، دانشمندان مشهور دیگری مانند سیوطی، فخر رازی، علامه طباطبایی و فیروز آبادی نیز در کتاب‌هایشان از وی بهره جسته‌اند. فیروز آبادی در تمجید از وی چنین گفته: «لا نظیر له فی معناه» و کتاب بصائر ذوی المیز خود را که در باره و خوه معنایی کلمات قرآنی نوشته کاملاً تحت تأثیر مفردات راغب به نگارش در آورده است.

ویژگی‌های مفردات راغب

کتاب المفردات تألیف راغب اصفهانی دارای ویژگی‌های چندی است که آن را از سایر کتاب‌های تألیف شده در موضوع شرح کلمات قرآنی متمایز و ممتاز گردانده است. برخی از ویژگی‌های این کتاب عبارتند از:

استفاده از مصادر مهم لغوی

مهم‌ترین مصداری که راغب از آنها بهره برده، به شرح زیر می‌باشد: المجمل فی اللغة از ابن فارس؛ الشامل فی اللغة از ابومنصور الجبلی؛ تهذیب الالفاظ از ابن سکیت؛ الجمهره از ابن درید و منابع مهم دیگر.

بیان ماده اصلی کلمه

در این واژه‌نامه که بر بنیاد مواد اصلی کلمه سامان داده شده، مسلك راغب چنین است که نخست با استفاده از روش تحلیل معنای اصلی ماده را ذکر می‌کند. برای مثال در واژه «انف» می‌گوید: «اصل الانف الجارحه؛ یعنی اصل انف، عضوی است در بدن» و در واژه «أمن» می‌گوید: «أصل الأمن؛ طمأنینه النفس و زوال الخوف» راغب اصفهانی بر خلاف ابن فارس که در بیان معنای کلمات گاه به دو اصل و سه اصل و گاه به اصول بیشتر معتقد بود، چنین به نظر می‌رسد که به بیش از یک اصل برای کلمات عربی قایل نیست، به همین دلیل تلاش می‌کند که همه معانی مشتقات یک کلمه را به یک معنا برگرداند. برای نمونه ابن فارس در مورد کلمه «ذنب» سه اصل، یعنی سه معنای مستقل بی ارتباط با هم بیان کرده است، در حالی که راغب آنها را به یک اصل برگردانده است، یا در مورد ماده «اول» دو اصل (ابتداء الامر و انتهاؤه) بیان کرده است، اما راغب آن را به یک معنا و اصل باز می‌گرداند.

راغب بعد از بیان اصل واژه، به بیان مشتقات آن می پردازد. برای نمونه در واژه «أثر»، دیگر مشتقات آن را بیان می کند؛ أَثْرٌ، أَثَرٌ، أَثَارَةٌ، أَثَرْتُ أَثْرَةً، الْمُثْرَةُ، أَثْرٌ، مَأْثُورٌ، أَثَرْتُ، أَثْرُهُ أَثْرًا وَأَثَارَةً وَأَثْرَةً. وَأَثْرُهُ. وَالْمَأْثَرُ: الْإِيتَارُ، أَثْرَتُهُ، الْإِسْتِثَارُ، اسْتَأْثَرَ أَثْرًا، أَثَرًا، وَإِثْرًا، أَثِيرٌ، و با استناد به کاربردهای مختلف این مشتقات در زبان عربی، مشتقات واژه در قرآن و معنای قرآنی آن ریشه را در آیات مختلف بیان می کند.

بیان معانی استعمالی با توجه به معنای اصلی

نویسنده کتاب مفردات، فقط به ذکر معنای اصلی کلمه بسنده نمی کند، بلکه معنای استعمالات مختلف آن را با توجه به معنای اصلی آن بیان می کند و اگرچه گاهی نحوه ارتباط استعمالات با معنای اصلی را دقیق بیان نمی کند، ولی با دقت می توان به این ارتباط پی برد. برای نمونه در کلمه «جرح» به معنای زخم که بعد از ذکر معنای اصلی، استعمالات آن را ذکر می کند. «جرحه» حیوان شکاری را نامیده‌اند زیرا زخمی می کند و یا کسب می کند، اعضاء بدن را که کار می کنند «جَوَارِح» گویند زیرا اثر می گذارند و یا کسب می کنند، «اجتراح» کسب گناه و اصل آن از «جراحة» است، مانند: ماده «سعر» به معنای فروزنده آتش که راغب استعمالات آن را چنین ذکر می کند:

«مِسْعَرٌ»: هیزم و چوبی که با آن آتش افروزند.

«اسْتَعْرَ الْحَرْبُ»: آتش جنگ افروخته شد مثل اشتعل.

«اسْتَعْرَ اللَّصُوصُ»: دزدان به حرکت درآمدند، گویی که مشتعل شدند.

«نَاقَةٌ مَسْعُورَةٌ»: یعنی شتری برانگیخته و هیجان زده شده است.

«السُّعَارُ»: حرکت آتش.

«سَعْرَ الرَّجُلُ»: گرما زده شده.

در آیه «عَذَابِ السَّعِيرِ» که فعیل در معنی مفعول است. (عذاب شعله‌ور و افروخته است)

و آیه: «إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ» (مجرمین در دنیا در گمراهی و در آخرت در عذابند).

«السُّعْرُ فِي السُّوقِ»: یعنی فزونی نرخ امتعه بازار که تشبیهی به بالا رفتن شعله آتش است (تورم).

همان طور که در کتاب مقایسه اللغه ذکر شد، استعمالات واژه، ذیل معنای اصلی آن می آمد و خواننده با کمی دقت، ارتباط این استعمالات با معنای اصلی را درک می کرد. در این کتاب نیز راغب به وجه ارتباطی کلمه با ریشه توجه دارد.

استفاده از معانی استعمالات قرآنی

یکی از مهمترین ویژگی‌های کتاب راغب در گزارش معنای کلمه و لغت آن است که راغب برای کشف و بیان معنای لغت فقط به فرهنگ عربی مراجعه نمی‌کند و به استعمالات عرب اکتفا نمی‌کند، بلکه وی همواره برای فهم دقیق تر معنای کلمات به خود قرآن مجید هم به عنوان یک منبع غنی و معیار برای کشف معنای کلمات عربی مراجعه می‌کند. راغب در بیان معنای بسیاری از کلماتی که در قرآن دارای بسامد زیاد و متنوع است آشکارا متأثر از کاربردهای قرآن معنای کلمه را بیان می‌کند. راغب بعد از بیان معنای اصلی واژه، به بیان استعمال قرآنی آن می‌پردازد و معنی هر کاربرد را بیان می‌کند. برای مثال در واژه «أخذ» که آن را به معنای حیازت یا تحصیل نمودن چیزی می‌گیرد، بیان می‌کند که این تحصیل نمودن، یا به صورت گرفتن چیزی است مثل آیه «مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَمَاعِنًا عِنْدَهُ»^۱ یا به صورت قهر و غلبه است، مثل آیه «لَا تَأْخُذْهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ»^۲. راغب در بیشتر واژه‌ها کاربردهای قرآنی را به همین شکل بیان می‌کند.

البته این کتاب، گاهی از تبیین اختصاری واژگان فراتر رفته و چهره تفسیری به خود گرفته است. وی در معنا کردن واژگان، افزون بر ریشه‌یابی ادبی و اشتقاقی آن، به آیات هم‌گون نیز توجه می‌کند و از سنجش آیات با هم می‌کوشد تا به معنای واژه نزدیک شود.

ویژگی‌های تنظیم کلمات

در بین کتاب‌های مفردات قرآن، اولین کسی که کتاب خود را بر اساس حروف الفبایی تنظیم کرد، راغب اصفهانی است که این شیوه در چینش کلمات باعث سهولت استفاده از آن شده است. اگرچه قبل از راغب ابن فارس کتاب خود را بر اساس الفبا تنظیم کرده است، ولی این شیوه الفبایی مرسوم نبوده و همان‌گونه که قبلاً آشنا شدید شیوه ابن فارس یک شیوه خاص و منحصر به فرد بود، به علاوه این که در معاجم قرآنی راغب برای اولین بار این شیوه الفبایی را به کار گرفته است.

برخی نکات قابل توجه در چینش کلمات در مفردات راغب:

الف. راغب هنگام تنظیم کلمات در هر حرف، سعی کرده ابتدا کلمات ثنایی را بیاورد و بعد ثنایی مضاعف و بعد کلمات ثلاثی؛ همان‌گونه که در برخی کتب معجم پیشین نظیر العین و مقاییس این ترتیب

۱. یوسف: ۷۹

۲. بقره: ۲۵۵.

مراعات شده بود. در مواردی که راغب، دو حرفی های مضاعف را در ثنائی ها نیاورده و در ثلاثی ها ذکر می کند، البته این همواره رعایت نشده در مواردی ثنائی های مضاعف را بدل از حروف دیگر و در برخی موارد سه حرف جدا گرفته است و در ثلاثی ها آورده است.

ب. گاهی در تنظیم کلمات در حرف دوم یا سوم ترتیب مرسوم الفبایی رعایت نشده است. مثلاً: بدا، بدر، بدع، ولی «بدل» را زودتر از «بدع» ذکر کرده است. اینکه آیا این ترتیب از روی اشتباه یا به دلایلی مانند توجه به مخارج حروف بوده، نیاز به بررسی بیشتری دارد.

ج. در برخی اسم های عجمی به دلیل مشخص نبودن اصل آن کلمه، هر دو احتمالی که در ریشه آن وجود دارد، ذکر کرده است و این هم ضعف این کتاب نیست؛ چراکه ریشه اسم های غیر عربی را به یقین نمی توان مشخص نمود و برای مراجعه کننده، پیدا کردن آن با توجه به ارتکازات ذهنی خود از این واژه آسان تر می باشد. برای نمونه «جالوت» را در ذیل «جول» به صورت مستقل آورده: «جالوت اسم ملك طاعٍ رماه داود عليه السلام فقتله و هو المذكور في قوله تعالى: «وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ»؛ جالوت، نام پادشاهی طغیانگر است که حضرت داوود عليه السلام او را تیر انداخت و به قتل برساند و در آیه «و قتل داوود جالوت» یادآوری شده است». در جای دیگری نیز ذیل واژه «جلت» گفته است: «خدای تعالی گوید «و لَمَّا بَرَزُوا لَجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ» واژه جالوت غیر عربی است و ریشه ای در زبان عرب ندارد».

پرسش و تمرین

۱. دو نمونه از کتب مهم قرآنی راغب را نام ببرید.
۲. سه نفر از کسانی را که از مفردات راغب بهره جسته اند، نام ببرید.
۳. دو نمونه از منابع مهمی که راغب از آنها در مفردات قرآن استفاده کرده اند، کدام اند؟
۴. سه مورد از مهم ترین خصوصیات این کتاب چیست؟
۵. نظر راغب درباره معنای اصلی هر کلمه چیست؟
۶. روش ترتیب و تنظیم این کتاب را به طور خلاصه بیان نمایند.

۷. معانی کلمات قرآنی زیر را از مفردات راغب پیدا کنید.

تَحَسَّسُوا تَحَسَّسَ نَفَخَ (يَنْفَخُ فِي الصُّورِ) نَفَحَ (نَفْحَةٌ: أَنْبِيَاءُ، ۴۶)

۸. معنای کلمات زیر را از کتاب مفردات الفاظ قرآن و معجم مقاییس اللغة پیدا کنید. آیا بین معانی

ارایه شده در دو کتاب تفاوتی هست؟

عقل علم تفكّر تدبّر جهل

غیر قابل استناد (دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه)

درس دوازدهم

مجمع البحرين و مطلع النیرین

برای دستیابی به هدف فهم معنای احادیث معجمی تدوین شده‌اند، که از آنها با نام غریب الحدیث یاد می‌شود. در جهان تشیع نیز، یکی از مهم‌ترین معجمی که هم به شرح واژگان قرآنی و هم به شرح واژگان حدیثی پرداخته، مجمع البحرين است که در این درس با آن آشنا می‌شویم.

مجمع البحرين و مطلع النیرین

این کتاب، تألیف شیخ فخرالدین بن محمد علی بن احمد بن علی بن احمد بن طریح بن خفاجی (۹۷۹ - ۱۰۸۷ق) از دانشمندان بزرگ و لغوی سرشناس و فقیه نام‌آور و محدث قرن یازدهم هجری به شمار می‌آید. خاندان «آل طریحی» از خاندان‌های ریشه‌دار و اصیل در نجف اشرف می‌باشند.

شیخ فخرالدین طریحی شاگردان فراوانی را تربیت نموده است که هر یک از علمای بزرگ اسلام می‌باشند از جمله شاگردان مشهور طریحی سید هاشم بحرانی (د ۱۱۰۷ ق) صاحب تفسیر مشهور البرهان، شیخ محمد بن حسن حر عاملی (د ۱۱۰۴ ق) صاحب کتاب ارزشمند «وسائل الشیعة» و سید نعمت‌الله موسوی جزائری (د ۱۱۱۲ ق) مؤلف کتاب فروق اللغه می‌باشند. طریحی دارای تألیفات فراوانی در حوزه‌های فقه، حدیث، رجال، اصول، لغت و سایر دانش‌های اسلامی بوده که شمار آنها به حدود ۴۰ اثر می‌رسد. از جمله آثار طریحی در حوزه لغت عبارتند از: التکملة و الذیل و الصلة للصحاح، که در تکمیل کتاب صحاح جوهری است؛ غریب القرآن، این کتاب در سال ۱۳۷۲ هجری در نجف اشرف به چاپ رسیده است و از

همه مشهورتر کتاب مجمع البحرین و مطلع النیرین است. این کتاب مجموعه‌ای است در شرح لغات مهم و الفاظ ناآشنایی که در قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به کار رفته است. سرانجام شیخ فخر الدین طریحی، در سال ۱۰۸۷ هجری در شهر «رماحیه» و پس از عمری خدمت به علوم و معارف اهل بیت علیهم‌السلام دیده از این جهان فرو بست و در نجف اشرف مدفون گشت.

انگیزه تألیف مجمع البحرین

شیخ فخر الدین طریحی در مقدمه کتاب، انگیزه خود را از نگارش کتاب مجمع البحرین این گونه بیان کرده است: «از آنجاکه در شرح روایات و احادیث منسوب به غیر اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کتاب‌های متعددی نگاشته شده است اما از علمای شیعه و علمای بزرگ غیر شیعه کتابی مستقل در شرح اخبار و روایات اهل بیت علیهم‌السلام نگاشته نشده است، این امر مرا وا داشت تا کتابی کامل و وافی در شرح سخنان و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام تصنیف کرده و پرده از چهره کلمات غریب و ناآشنای کلمات احادیث بردارم و غبار از چهره مبهمات آن برگیرم. سپس در کنار شرح کلمات غریب احادیث، واژه‌های غریب و ناآشنای قرآنی را نیز بر آن افزوده و شرح دادم تا از مجموع کتاب و سنت به همراه هم بهره‌مند گردیم.»

طریحی این کتاب خود را بعد از نگارش کتاب «غریب القرآن» و کتاب «غریب الحدیث» و در جوار بیت ... الحرام، در شهر مکه به نگارش درآورده است.

ویژگی کتاب مجمع البحرین

این کتاب در درک صحیح معانی روایات امامان معصوم علیهم‌السلام که در زمینه مباحث اعتقادی و فقهی و اخلاقی و دیگر مباحث وارد شده است، بسیار مفید و قابل توجه است. نکته قابل توجه این است که گرچه غرض طریحی در تألیف این کتاب شرح کلمات غریب و ناآشنای قرآن و احادیث معصومان بوده است، اما وی خلاف رویه رایج در کتابهای غریب القرآن و غریب الحدیث در بعض موارد به شرح معنای پاره‌ای کلمات می‌پردازد بدون آن که در صدد شرح آیه یا حدیثی باشد و به آیه یا حدیثی استناد کند.

منابع کتاب

یکی از معیارهای اعتبار و ارزشمندی کتاب منابعی است که مؤلف اثر در تدوین اثرش از آنها بهره می‌گیرد. بنابر این برای شناخت اعتبار و ارزش کتاب «مجمع البحرین» آگاهی از منابعی که مؤلف ارجمند آن از آنها بهره گرفته لازم است. مهمترین منابعی که مر حوم طریحی در تألیف مجمع البحرین از آنها بهره

گرفته است عبارتند از:

- ۱- «الصحاح» اسماعیل بن حماد جوهری (۳۹۳۵ ق). ۲- «النهاية في غريب الحديث والأثر»، از ابن اثیر (۶۰۶۵ ق). ۳- «الفائق في غريب الحديث والأثر»، نوشته جارا... زمخشری (۵۳۸ ق). ۴- مفردات راغب اصفهانی. ۵- «الغريبين» نوشته هروی. ۶- «أساس اللغة» زمخشری. ۷- تفسیر مجمع البیان طبرسی. و بسیاری از منابع مهم و معتبر لغوی و غریب القرآن و غریب الحديث دیگر.

ترجمه مجمع البحرين

کتاب «مجمع البحرين» توسط نجم الممالک، میرزا اسماعیل بن زین العابدین تهرانی ستاره‌شناس، مشهور به مصباح، متولد ۱۳۰۰ هجری و معاصر با آقا بزرگ تهرانی به فارسی ترجمه شده و با نام «ترجمه مجمع البحرين» منتشر گشته است. وی لغات فراوان دیگری را نیز به آن افزوده است.

شیوه چینش کلمات و تدوین کتاب

شیوه تنظیم کلمات در کتاب مجمع البحرين، به پیروی از صحاح اللغة جوهری بر پایه نظام قافیه بوده و کلمات با ترتیب حروف الفبا ابتدا لام الفعل و سپس فاء الفعل است. بنابراین در مثلاً حرف الف کلماتی قرار می‌گیرند که لام الفعل آنها حرف الف باشد و در حرف جیم کلماتی می‌آیند که لام الفعل آنها حرف جیم باشد، سپس تنظیم کلمات در حرف الف و حرف جیم با رعایت فاء الفعل کلمه است، یعنی مثلاً در حرف جیم به ترتیب کلماتی می‌آیند لام الفعل آنها حرف جیم بوده و فاء الفعل آن حرف همزه و سپس فاء الفعل حرف باء و به ترتیب سایر حروف الفبا باشد.

روشن است که استفاده از این شیوه تنظیم کلمات برای طلاب در روزگار معاصر که ذهن‌ها با ترتیب حروف الفبا از فاعل الفعل انس گرفته بسیار دشوار و وقت‌گیر است، به همین دلیل معاصران از این کتاب ارزشمند چندان استفاده نمی‌کردند. اما با تلاش بعضی محققان که کتاب را به ترتیب حروف الفبای رایج منتشر کردند و نرم افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور استفاده از این اثر را برای محققان معاصر تسهیل شده است.

از نظر شیوه بحث نیز طریحی در ذیل هر واژه پس از بیان مختصر معنای لغت ابتدا به بررسی و توضیح معنای آن کلمه در قرآن می‌پردازد و سپس معنا یا معانی آن کلمه در احادیث مختلف را بیان می‌کند. طریحی در هر دو مورد اغلب به آیات و احادیث شریفه نیز استناد کرده و متن آیه و روایت را نیز ذکر می‌کند.

برای نمونه وی در ذیل واژه «قهرم» می‌نویسد:

در حدیثی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است: «لا تملك المرأة ما جاوز نفسها، فإن المرأة ربحا نة قوليست بقهرمانه» «قهرمان» کسی است که امور مختلف به او واگذار می‌شود، مثل خزانه دار، و کیلی که نسبت به آن چه در دست اوست و به او واگذار شده محافظت می‌کند، نیز به کسی که کارهای انسان را انجام می‌دهد قهرمان گفته می‌شد. این کلمه در اصل فارسی است.^۱

هم چنین وی ذیل واژه «وصل» بعد از ذکر چند آیه قرآن مشتمل بر این واژه و معانی گوناگون آن می‌نویسد: و در حدیث آمده است: «صلوا أرحامکم»، مقصود از «صله رحم» همان نیکی کردن و احسان به خویشاوند است، و لوی اینکه آن نیکی و احسان دیدار و مزاح و نشستن با خویشاوند و یا سلام به آنها باشد، همانگونه که نسبت به این موارد روایت نقل شده است.^۲...

پرسش و تمرین

۱. نام نویسنده مجمع البحرین چیست؟ و در چه قرنی تدوین یافته است؟
 ۲. چرا مولف به تدوین این معجم اقدام کرد؟
 ۳. سه نمونه از منابع مهم صاحب مجمع البحرین را بگویید.
 ۴. چه کسی این معجم را ترجمه کرد؟ و چه اقدامی افزون بر ترجمه روی آن انجام داد؟
 ۵. ویژگی این معجم را تبیین نمایید.
 ۶. واژگان این کتاب چگونه تدوین شده اند؟
 ۷. شیوه ارائه معنای هر واژه را با ذکر یک نمونه تبیین نمایید.
 ۸. بعد از مشخص کردن ماده واژگان زیر، با مراجعه به مجمع البحرین، معانی آنها را پیدا کنید:
- تعفّف - كفاف - تكافا - ذنوب (بفتح الذال) - عاقل - صلاة - رم**

۱. مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۵۰. بنا بر این معنای حدیث شریف این است که: زن گل است، نه کسی که باید کارهای مرد را انجام دهد (خدمتکار).
۲. همان، ج ۵، ص ۴۹۲.

درس سیزدهم

المعجم في فقه لغة القرآن و سر بلاغته و معجم الفروق اللغويه

بعد از آنکه با مفردات الفاظ القرآن راغب و مجمع البحرين در جایگاه دو معجم از معاجم خاص آشنا شدیم و دانستیم که این دو معجم، یکی در زمینه الفاظ قرآن و دیگری در زمینه الفاظ قرآن و حدیث اهمیت دارند، در این درس به معرفی دو معجم خاص دیگر می پردازیم. یکی از این معاجم المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته، است که یک لغت نامه قرآنی است و دیگری معجم الفروق اللغویه است که به بررسی آن دسته از کلماتی اختصاص دارد که معنایی نزدیک به هم و مشابه دارند.

الف. المعجم في فقه لغة القرآن و سر بلاغته

این معجم از نخستین معاجمی است که به صورت گروهی در ایران تدوین شده و در بخش قرآن بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی زیر نظر استاد محمد واعظ زاده خراسانی در حال تکمیل می باشد. در ابتدای هر جلد این معجم، پژوهشگران آن جلد معرفی شده اند. این کتاب، معجم اختصاصی الفاظ قرآن کریم است. در این معجم، به بیان تعداد بسامد هر واژه و مشتقاتش در قرآن اشاره شده و در ذیل هر واژه، علاوه بر معنای لغوی به نصوص تفسیری در باره آن کلمه نیز پرداخته شده است، از این رو این معجم را می توان نوعی تفسیر موضوعی با محوریت اصطلاحات

نیز به شمار آورد.

ویژگی های کتاب

آنچه اهمیت این کتاب را برای پژوهشگران افزون می‌کند، گستردگی و حجم مطالب جمع‌آوری شده از مهم‌ترین منابع لغوی، ادبی و تفسیری می‌باشد. ذکر مشتقات با معانی متفاوت و بیان استعمالات قرآنی، از دیگر ویژگی‌های این معجم است که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد:

۱. جمع‌آوری و تتبع کامل از نصوص لغوی و ادبی و تفسیری مهم برای هر ماده قرآنی به ترتیب زمانی نویسندگان آنها که خواننده را نیز با تطور واژه آشنا می‌کند. برای مثال در ذیل ماده «آمد» از لغویان و مفسرانی چون: الخلیل، أبو عمرو الشیبانی، الفراء، أبو عبیده، الطبری، الجوهری، ابن فارس، ابوهلال، ابن سیده، الراغب، الزمخشری، الطبرسی، ابن اثیر، الصغانی، فیروزآبادی، طریحی، مراغی، الحجازی، محمد اسماعیل ابراهیم، محمود شیت و المصطفوی مطلب نقل می‌کند.

۲. بیان تمام مشتقات استفاده شده از هر ماده در قرآن مانند ذکر مشتقات ماده «أنس»: أنس، أنستم، أنست، تستأنسوا، مستأنسین، إنس، الإنس، أناس، أناسی، إنسان، الإنسان، انسیا. همچنین معانی هر یک با اختلافاتی که در نصوص تفسیری وجود دارد ذکر شده است.

۳. در عنوان «اصول لغویه» که در هر واژه ذکر شده، ابتدا با جمع بندی مبتنی بر نصوص لغوی، ادبی و تفسیری به معنای اصلی هر ماده می‌پردازد و در ادامه، معنای اصطلاحی و استعمالی آن واژه را بیان می‌کند و در مواردی که در سه حرف اصلی اختلاف است، نظر خود را با تحلیل بیان می‌کند. بیان معنای استعمال قرآنی در هر ماده، از جوه تمایز این معجم نسبت به معاجم دیگر است.

۴. ذکر اسماء علم قرآنی و بیان مواردی مانند معرب بودن، ریشه و نصوص تاریخی درباره آنها نظیر: ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، إستبرق و ...

۵. از ویژگی‌های دیگر این کتاب، ذکر منبع در هر واژه و بیان کردن معانی آن با توجه به زمان نگارش منابع است که علاوه بر آشنایی با سیر تطور لغوی واژه، مراجعه‌کننده با منابع لغوی آشنا می‌شود و در مواردی که اقوال، شبیه هم است بعد از ذکر مورد اول برای ارجاع به موارد بعد، نام نویسنده دوم با نشانی کامل کتاب‌ها آمده است. مثال: أبو عمرو الشیبانی در ماده «أرك»: «يقال للابل التي تأكل الأرك: أركية و أوارك». (ابن فارس ۱: ۸۳) نحوه ابن سیده (الافصاح ۱: ۵۲۹) و أبو عبیده (ابن فارس ۱: ۸۴).



ب. معجم الفروق اللغویه

شخصیت علمی نگارنده :

ابوهلال عسکری (۲۹۲ق)، ادیب و لغوی قرن چهارم هجری است. ابوهلال تألیفات فراوانی در زمینه زبان و ادبیات عربی دارد و بیش از بیست عنوان کتاب و رساله به وی نسبت داده اند، از جمله: الفروق اللغویة، الوجوه و النظائر، جمهرة الامثال، التفصیل بین معانی العرب و العجم و... در کتاب های فروع اللغة، واژه هایی که معانی نزدیک به هم دارند و ممکن است مترادف پنداشته می شوند، کنار هم می آیند و سپس، به تفاوت های آنها پرداخته می شود. اصولاً کتابهایی با این موضوع و عنوان بر اساس باور به عدم ترادف در زبان عربی به نگارش در آمده اند. نخستین کتاب مستقل در این موضوع و با این نام را ابوهلال عسکری تدوین کرده است. کتاب دیگر به همین موضوع، فروع اللغات نام دارد که سید نورالدین جزایری آن را نگاشته است. در سال؟؟؟؟ با همت دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، کتاب ابوهلال و بخشی از کتاب جزایری در یک مجلد با نام معجم الفروق اللغویهاننتشار یافته و در دسترس علاقه مندان قرار گرفته است. کتاب ابوهلال در اصل، نظم مشخصی نداشت و نسبت به معنا و موضوع باب بندی شده بود. این روش، محقق را برای پیدا کردن کلمه مورد نظر با مشکل روبرو می ساخت، اما در چاپ جامعه مدرسین با تنظیم الفبایی این مشکل برطرف شده است. در ادامه به معرفی این معجم می پردازیم.

معرفی کتاب :

کتاب الفروق اللغویة بر مبنای عدم ترادف در کلمات عربی تدوین شده و هدف آن، نشان دادن تفاوت های دقیق و ظریف بین کلماتی است که اغلب مترادف پنداشته می شوند. علاوه بر آن، در این کتاب مرزها و حدود معانی واژه ها تبیین می شود که در فهم واژه مؤثر است و تفاوت های جزئی آنها، موجب درک گستره معنایی واژه مورد کاوش می شود، مانند تفاوت «بعث و ارسال»، «غفلت و سهو و نسیان». کتاب در پی بیان تفاوت های بین کلمات قریب المعنا است و لازم است کاربران پیش از مراجعه، معنای اجمالی کلمات را بدانند.

برخی از ویژگی های کتاب معجم الفروق اللغویه عبارتند از:

۱. بیشتر کلماتی که مؤلف ذکر کرده، از کلمات متقارب المعنی است که بسیاری از خوانندگان، تفاوت

دقیق آن را نمی‌دانند. مانند: «غضب» و غیظ، فرض و وجوب، قرض و دین.
 ۲. در برخی موارد جزئی، تفاوت استعمال کلمه با حروف مختلف ذکر شده است. مانند «قضی الیه» و «قضی به».

پرسش و تمرین

۱. دو نمونه از ویژگی‌های المعجم فی فقه لغة القرآن نسبت به معاجم دیگر قرآنی چیست؟
 ۲. سه نمونه از ویژگی این معجم قرآنی را توضیح دهید.
 ۳. معنای کلمات داده شده را با مراجعه به بخش اصول لغوی هر ماده در این کتاب بیان کنید.
- ایمان الف**
۴. دو عنوان از کتب ابو هلال را که در زمینه ادبیات عربی نگاشته شده، بنویسید.
 ۵. چرا باید سراغ معاجم فروق اللغة رفت؟
 ۶. پیش‌نیاز مراجعه به معاجم فروق اللغة چیست؟
 ۷. سه نمونه از ویژگی‌های معجم الفروق اللغویه را بیان کنید.
 ۸. با مراجعه به معجم الفروق اللغویه معنای واژگان زیر را با یکدیگر مقایسه کنید:
 ذنب، اثم، حوب، معصیت.
 فرض، وجوب.
 الغداء، المکر.
 قسط، عدل.
 بعث، ارسال.

درس چهاردهم

المعجم الوسيط

دانستن معانی واژگان عربی، علاوه بر آنکه برای فهم متون قرآن و حدیث دارای اهمیت است، برای ترجمه روان متون عربی و ارتباط با مسلمانان عرب که بخش قابل توجهی از جهان اسلام را تشکیل می دهند نیز اهمیت دارد. برای مکالمه عربی و فن ترجمه و استفاده از متون مختلف عربی به استفاده از لغت نامه هایی ویژه نیاز داریم؛ برخی از این لغت نامه ها با بیان معانی مترادف امروزی هر کلمه در زبان عربی، فهم متون عربی را تسهیل می نمایند. یکی از بهترین این لغت نامه ها المعجم الوسيط است که حاصل تلاش گروهی از اساتید و فرهیختگان است که در این درس با این معجم آشنا می شویم.

المعجم الوسيط

فرهنگ لغت عربی به عربی المعجم الوسيط توسط گروهی از مؤلفان تألیف و از سوی فرهنگستان زبان عربی (مجمع اللغة العربية) مصر بار نخست در سال ۱۳۸۰ هجری قمری / ۱۹۶۰ م و سپس با ویرایش جدید و اصلاحاتی در سال ۱۳۹۲ هـ-ق / ۱۹۷۲ م منتشر شده است. این کتاب در ایران نیز از سوی ناشران مختلف بارها افست شده است.

مجمع اللغة العربیة مصر در سال ۱۹۳۲م با اهداف ذیل در مصر تأسیس شد:

۱. محافظت بر سلامت زبان عربی و گسترش آن تا نسبت به پیشرفت علوم و فنون کفایت کند و پاسخگوی نیازهای عصر جدید باشد،

۲. اقدام به تدوین یکی معجم لغت تاریخی در زبان عربی کند. این مجمع از سال ۱۹۴۰م پس از سالها تلاش اصحاب لغت و استفاده از تجارب دانشندان اروپایی سرانجام نخستین اثر خود را مشتمل بر ۳۰ هزار لغت، ۶۰۰ تصویر در ۱۲۰۰ صفحه سه ستونی منتشر ساخت.

انگیزه تألیف المعجم الوسیط

اهالی ادب و زبان در مصر در اوایل قرن بیستم دو نقص را در معجم‌های لغت گذشته مشاهده کردند که حتی معجم‌های جدید مانند کتاب محیط المحيط فؤاد بستانی، اقرب الموارد شرتونی و المنجد کشیش مسیحی لویس معلوف نیز از آن کاستی‌ها مصون نبودند: یکی محدودیت مکانی کلمات، یعنی کلمات این معجم‌ها مربوط به سرزمین حجاز و فاقد سایر لهجه‌های عربی بود، و دیگری محدودیت زمانی، یعنی آن بخش از لغات این معاجم که مربوط به شهرنشینان بود محدود به قرن دوم هجری و آن بخش که متعلق به بادیه‌نشینان بود محدود به قرن چهارم هجری بود، بنابراین این معاجم فاقد تحولات در معانی کلمات از قرن دوم هجری به این طرف بودند، بنابر این غرض اصلی تألیف المعجم الوسیط تدوین لغتنامه بود که مشتمل بر تحولات معانی کلمات دوره مولدین و عصر حدیث (جدید) بوده و هماهنگ با پیشرفت‌های جدید علمی و تکنولوژی گسترش یافته باشد.

ویژگی‌های المعجم الوسیط

با توجه به هدفی که مجمع اللغة العربیة برای تدوین المعجم الوسیط در نظر گرفته بود برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های المعجم الوسیط از این قرار است:

۱. کارگروهی. این اثر بر خلاف سایر معاجم عربی که کاری فردی بودند، حاصل تلاش گروهی از اصحاب ادب و لغت است و مستقیماً زیر نظر فرهنگستان زبان عربی در مصر به ثمر نشسته است.
۲. پیرایش از تکرار. این اثر در مقایسه با آثار مشابه از تکرار بعضی کلمات و معانی و نیز از ذکر معانی مهجور، پیراسته شده است.
۳. افزودن معانی جدید. چنانکه اشاره شد از ویژگی‌های مهم المعجم الوسیط آن است که علاوه بر

۱. محققان دوره‌های مختلف فرهنگ و ادب عرب را به چهار دوره تقسیم کرده‌اند به این شرح: دوره جاهلی، دوره اسلامی، دوره مولدین، و عصر حدیث. دوره مولدین از اوایل قرن دوم هجری یعنی پایان دوره روایت ادبیات و آغاز عصر کتابت شروع شده و تا انقراض دولت عباسیان برابر تسلط مغولان بر ایران ادامه می‌یابد.

اشتمال بر لغات کهن عربی، لغات جدید عربی به ویژه معانی جدید که بر اثر پیشرفت علم و تکنولوژی و صنعت و تحولات علمی و فرهنگی و سیاسی عصر حاضر نیز برخوردار است. هم چنین واژه هایی اختراعی فرهنگستان زبان عربی مصر برای معانی جدید ساخته است نیز در این کتاب معجم آمده است، در حالی که سایر معجم های مشابه از جمله دو کتاب مشهور اقرب الموارد و المنجد فاقد این گروه کلمات می باشد.

۱. نگاه تاریخی به معانی کلمات. از دیگر ویژگی های مهم المعجم الوسيط این است که مؤلفان آن تلاش کرده اند در بیان معانی هر کلمه با تکیه بر تبحر و اجتهاد خود، معانی هر کلمه را به ترتیب تاریخی تنظیم کنند. به عبارت دیگر تلاش شده است در ذکر معانی کلماتی که دارای چند معنا می باشند، معانی ای را که مقدم بوده اند جلوتر ذکر کنند و معانی متأخرتر را بعد بیاورند. چنین می نماید که مبنای این تقدم و تأخر حسی بودن معناست، به این صورت که معانی حسی را بر معانی غیر حسی مقدم داشته اند.

۲. برجسته کردن معانی اصطلاحی. از دیگر ویژگیهای قابل توجه این کتاب بیان معانی اصطلاحی و شرعی در علوم مختلف و معانی شرعی کلمه است. ویژگی ای که در معجم های مشابه دیده نمی شود و یا کمتر دیده می شود، برای مثال در ذیل واژه «ذنب» می نویسد: «ارتکاب امر غیر مشروع» که این معنا یک معنای شرعی است، و در معنای «مدرسه» می نویسد: «مکان الدرس و التعليم. و - جماعة من الفلاسفة او المفکرین او الباحثین، تعتنق مذہباً معیناً، او تقول برأی مشترک. (مج)» که این معنای دوم معنای اصطلاحی مدرسه است که مجمع اللغة العربیه آن را تعریف کرده است.

۳. برجسته کردن لغات معرّب و دخیل. در این معجم ضمن آن که میان معرّب و دخیل تفاوت گذاشته شده، این دسته کلمات نیز به طور ویژه مورد توجه قرار گرفته و برجسته شده است. از نظر مجمع اللغة واژه معرّب آن است که کلمه ای از زبان غیر عربی وارد زبان عربی شده و در آن حذف، اضافه یا جابجایی صورت گرفته است، مانند جرجانی که معرّب گرگانی است، و دخیل آن است که بدون هیچ تغییری از زبان بیگانه وارد زبان عربی شده است، مانند واژه تلیفون.

روش تنظیم کتاب

در تنظیم کلمات در کتاب المعجم الوسيط نکات ذیل مورد اهتمام بوده است:

الف) در ذکر کلمات همواره افعال بر اسماء مقدم آمده، و در ذکر افعال نیز افعال ثلاثی مجرد بر ثلاثی مزید

مقدم شده است، به علاوه در ثلاثی مجردها نیز همیشه فعل لازم بر فعل متعدی مقدم شده است، یعنی اگر فعلی هم به صورت لازم به کار می‌رود و هم به صورت متعدی، ابتدا شکل لازم آن معنا شده و سپس شکل متعدی آن.

ب) در ذکر معانی کلمه نیز معانی حسی کلمه بر معنی عقلی مقدم شده است، هم چنان که معانی حقیقی نیز پیش از معانی مجازی آمده است..

ج) باب‌های ثلاثی مزید به ترتیب ذیل و با ذکر فعل ماضی آنها آمده است: أفعال، فاعل، فَعْل، افتعل، انفعال، تفاعل، تفعل، افعل، استفعال، افوعول، افعال، وافعول، و پس از آن فعل‌های رباعی مجرد و مزید. د) اسم‌ها نیز که پس از افعال آمده‌اند به ترتیب حروف الفبا چینش شده‌اند و برای آن‌ها از رمزهای ذیل استفاده شده است:

۱. (ج) برای جمع، ۲. (و-) برای بیان معنای جدید برای همان کلمه قبلی،
۳. (مو) برای بیان این که آن لفظ را مولدین در آن معنا به کار برده‌اند،
۴. (مع) برای بیان این که کلمه معرب است،
۵. (د) برای بیان این لفظ از کلمات دخیل است،
۶. (مج) برای بیان این که آن کلمه را فرهنگستان زبان مصر برای این معنا تعریف کرده است،
۷. (محدثه) برای بیان این که لفظ جدید است و در دور معاصر در این معنا به کار می‌رود.

پرسش و تمرین

۱. انگیزه نگارش المعجم الوسیط را به اختصار توضیح دهید.
 ۲. ویژگی‌های مهم این معجم معاصر را بیان نمایید.
 ۳. روش تنظیم این معجم را توضیح دهید.
 ۴. با مراجعه به المعجم الوسیط، معنای هر یک از واژگان زیر و استعمالات مختلف آنها را بنویسید.
- غسق اقتصاد حائط راحة**

درس پانزدهم

فرهنگ معاصر و المنجد فی اللغة

برای ترجمه روان متون عربی به فارسی باید از لغت نامه هایی بهره جست که واژگان رایج در عربی معاصر را گردآوری و ترجمه کرده باشد. فرهنگ معاصر یکی از لغت نامه هایی است که این ویژگی را دارد. و ترجمه المنجد برای مبتدیان مفید است که در این درس به معرفی آنها می پردازیم.

تدوین فرهنگ معاصر عربی

تألیف فرهنگ عربی - فارسی از نخستین سال های قرن پنجم هجری آغاز شد و از آن زمان تا قرن ۱۴ هجری حدود صد و پنجاه کتاب پدید آمده است. از آغاز سده ۱۴ هجری شمسی تاکنون نیز بیش از بیست فرهنگ عمومی و اختصاصی عربی - فارسی تألیف شده است که اغلب آن ها ترجمه فرهنگ های عربی به عربی است. فرهنگ معاصر عربی - فارسی تألیف دکتر آذرتاش آذر نوش آخرین اثر در این زمینه است که بر اساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانس ور، مشهورترین فرهنگ عربی - انگلیسی تدوین شده است. ابتدا با اصل این فرهنگ آشنا می شویم.

دانشمند آلمانی، هانس ور نخستین چاپ فرهنگ خود را به زبان عربی - آلمانی تدوین و در سال ۱۹۵۲م منتشر کرد. در این چاپ، وی حدود ۴۵ هزار واژه و اصطلاح و انبوهی جمله و ترکیب را که از منابع عربی استخراج کرده بود، منتشر ساخت. برخی از منابع او، آثار نویسندگان معاصر چو ن طه حسین، محمد حسین هیکل، مجلات و کتاب های درسی مصر و دیگر کشورها است. چاپ های بعدی این کتاب

مورد توجه قرار گرفت و سرانجام با اشراف نویسنده، به انگلیسی ترجمه و در سال ۱۹۶۱م منتشر شد. تدوین فرهنگ معاصر با ترجمه کتاب هانس ور از انگلیسی به فارسی آغاز شد، اما به ترجمه بسنده نشد و تغییراتی در آن داده شد از جمله در حدود شش هزار کلمه به این معجم اضافه شد که آن را از ترجمه خارج و در قالب اثر جدید و مستقلی در آورد، که البته بر اساس فرهنگ هانس ور تألیف شده است. لازم به ذکر است این کتاب، فرهنگی عمومی است که به حوزه یا رشته‌ای خاص تعلق ندارد.

برخی از ویژگی‌های کتاب:

۱. تلاش در گردآوری تمام معانی هر کلمه و ذکر برابرهای متنوع:

نگارنده کوشیده در معنای هر کلمه، معانی و معادل‌های متنوعی را ذکر کند. یکی از فواید ذکر معانی و معادل‌های مختلف و متنوع این است که مترجم در کار ترجمه متون عربی آن معادلی را که با متن سازگاری بیشتری دارد گزینش کرده و در نتیجه، ترجمه دقیق‌تر و زیباتری را ارائه دهد. هم‌چنین کار ترجمه را برای مترجم و پژوهشگری که در جستجوی معانی مختلف می‌باشد تسهیل میکند. مؤلف در این کتاب، معانی مترادف یا نزدیک به هم را به کمک ویرگول (،) از هم جدا کرده و معانی متفاوت را با استفاده از نقطه ویرگول (؛) از هم جدا ساخته است. برای نمونه در معنی کلمه «خرط» آمده است: *خَرَطٌ* (خرط) ه: برش برداشتن (از درخت)؛ برگرفتن (برگ شاخه و درخت را)؛ خراطی کردن، تراش دادن (چوب یا فلز را)؛ دروغ گفتن، اغراق کردن، لاف زدن، زیاده‌گویی کردن.

۲. مشخص کردن افعال متعدی:

در این کتاب، مشخص شده که هر ماده، در کدام باب‌ها و با چه حروفی، معنای متعدی دارد و یا دو مفعولی می‌شود. مثلاً در مورد «عَهْدٌ» آمده که دو باب «عَاهَدَ» و «تَعَهَّدَ» معنای متعدی دارند. عاهدَ علی: ... وعده دادن (چیزی را به کسی)... تعهد: ... به گردن گرفتن (چیزی را)... همچنین معنای فعل «عاهد» در استعمال با دو حرف «علی» و «ب» که معنای متعدی دارند، ذکر شده است: عاهد ب: عهده دار شدن، متعهد شدن (انجام کاری را برای کسی).

۳. بیان ترکیب‌ها

از دیگر امتیازهای فرهنگ معاصر، بیان اصطلاحاتی است که از ترکیب واژگان پدید آمده است. مثلاً در واژه «خزن» خزانه‌الکتب: کتابخانه، خزانه‌التلج: یخدان، یخچال و دیگر اصطلاحات ذکر شده است و

بیان حروفی را که با یک فعل با آن به کار می رود، مثلاً واژه «نزع»، با سه حرف (مِن، عِن، اِلَى) استعمال شده و معانی مختلفی دارد: نَزَحَ (نزع، نُزوح) دور بودن؛ ... مِّن، عِن: ترک کردن (جایی را)، رفتن، عزیمت کردن (از جایی)؛ ... اِلَى: مهاجرت کردن (به جایی)؛ ترک دیار کردن، کوچیدن، به حرکت درآمدن (دسته های سپاه) ...

۴. استفاده از نشانه های اختصاری:

هر چند استفاده زیاد از نشانه های اختصاری در این معجم، فهم آنها را دشوار می سازد، ولی دقت در شیوه نامه نگارنده در مقدمه، اطلاعات مفیدی در مورد هر واژه می دهد. مثلاً فعل متعدی، حروف، اوزان، معانی مشابه، کلمات خارجی، کلمات تکراری و ... هر یک با علامتی مشخص شده اند.

۶. آوانگاری کلمات با حروف لاتینی

هر چند امروزه با وجود دستگاه های رایانه ای نیاز به آوانگاری کلمات عربی کاهش یافته، اما مؤلف ترجیح داده است که علاوه بر استفاده از صداهای عربی تلفظ کلمات را با خط لاتینی نیز نمایش دهد تا از خطاهای احتمالی در تلفظ کلمات جلوگیری کند. مؤلف در مقدمه کتاب شیوه و علائم آوانگاری خود را معرفی کرده است.

روش تنظیم

این معجم، مانند بسیاری از معاجم سنتی بر اساس ریشه کلمات تنظیم شده و ترتیب آن، الفبایی است. در بیان معنای کلمات نکات ذیل مورد توجه بوده است:

۱. نخست ریشه کلمه با آوانویسی آمده و پس از آن حرکت عین الفعل مضارع را بر بالا یا زیر خط تیره ای نشان ده و سپس مصدر یا مصدرهای فعل، همراه با آوانویسی داخل پراکنز آمده است.
۲. در صورتی که فعل متعدی باشد مفعول آن را به کمک ضمیر نشان داده است. اگر فعل یک مفعولی است با یک ضمیر و اگر دو مفعولی است با دو ضمیر به صورت (هه) و نیز حروف اضافه ای که به آن فعل معانی گوناگون می بخشد نشان داده شده است، حرف اضافه هم چنین مفعول غیر مستقیم یا وابسته ای فعل را نشان می دهد. مثال: «ضرب daraba - (ضرب darb) ه ب: زدن، کوفتن (کسی یا چیزی را با ...)
۳. گاه به دنبال یک فعل ضمیر (ه) و یک یا چند حرف جر نهاده آنها را با ویرگول از هم جدا کرده است. این ویرگول ها معنی (یا) می دهند، یعنی آن فعل را می توان با هر یک از آن ابزارها به کار برد و معنی

واحدی حاصل کرد.

۴. هنگام برشمردن معانی مختلف یک کلمه، کوشش کرده هر چند کلمه مترادف در فارسی که می‌شناسد را ذکر کند تا زحمت جستجو را از دوش پژوهشگر و به خصوص مترجم بردارد. هم‌چنین در صدد بوده در برابر کلمات ادبی ترجمه‌ای ادبی و در برابر کلمات عمومی، معادلی نیمه عامیانه قرار دهد.

۵. گاه ممکن است که ریشه ثلاثی، دو گونه فعل مضارع و نیز دو معنای نسبتاً مختلف داشته باشد. در این موارد پس از ذکر معنی یا معنای شکل نخست، سه نقطه (...) گذاشته تا نشان دهد که شکل فعل پیشین باید در اینجا تکرار شود. پس از سه نقطه، حرکت جدید فعل مضارع را بر خط تیره آشکار کرده و معنی فارسی را می‌آورد. مثلاً: «زَفَّ zaffa»، (خط تیره با کسره زیر آن) (زَفَّ zaff، زُفوف zufuf): شتافتن؛ ... (خط تیره با ضمه روی آن) (زَفَّ zaff، زِفاف zifaf)ها الی: بردن (عروس را به خانه شوی). نیز معمولاً هر گاه فعل ثلاثی دو یا سه حرکت متفاوت و معنی‌های گوناگون دارد، آنها را تکرار کرده است. ۶. در مورد افعالی که معنای متعدد دارند، معمول چنین است که نخست معنای متعدی، یا کاربرد افعال را با حروف اضافه آورده است و در پایان معنی فعل لازم را.

۷. پس از ذکر معنای فعل ثلاثی، چند مثال و به خصوص بسیاری از اصطلاحاتی را که از ترکیب آن فعل پدید آمده نقل و ترجمه کرده است، سپس نوبت به ابواب مزید می‌رسد. برای ابواب مزید از ذکر حرکت مضارع و آوانویس خودداری کرده است. شیوه بیان معانی مختلف ابواب مزید همانند بخش ثلاثی است. ترتیب ابواب مزید به قرار زیر است:

۱. ثلاثی (فَعَلَ)، ۲. فَعَلَ يُفَعِّلُ، ۳. فَاعَلَ يُفَاعِلُ، ۴. أَفَعَلَ يُفَعِّلُ، ۵. تَفَعَّلَ يَتَفَعَّلُ، ۶. تَفَاعَلَ يَتَفَاعَلُ، ۷. اِنْفَعَلَ يَنْفَعِلُ، ۸. اِفْتَعَلَ يَفْتَعِلُ، ۹. اِفْعَلَ يَفْعَلُ، ۱۰. اِسْتَفَعَلَ يَسْتَفَعِلُ.

۸. پس از ذکر معنای ابواب مزید و مصطلحات مربوط به آنها و نیز باب‌های رباعی، نام‌هایی آمده‌اند که می‌توانند در دایره واژگانی همان ریشه قرار گیرند.

۹. گاه یک کلمه را دوبار تکرار کرده است، زیرا در حوزه‌های معنایی متفاوتی قرار گرفته‌اند، مثلاً: سقوط کردن (هواپیما)، ... سقوط کردن (کابینه)

موارد جزئی دیگری هم هست که محقق با مراجعه مکرر و تجربه شخصی به دست خواهد آورد.

المنجد فی اللغه



المنجد اثر لويس معلوف (ت ۱۹۴۶م) از روحانیون مسیحی لبنانی می باشد که در منطقه ای به نام «زحله» متولد شد. او در دانشکده بیروت و برخی از کشورهای اروپایی به کسب دانش هایی چون فلسفه، الهیات و فراگیری لغات شرقی و فرنگی پرداخت. وی کتاب المنجد را سال ۱۹۰۸ م جمع آوری و تالیف کرد. پس از او شخصی به نام فردینال توتل در سال ۱۹۵۶ میلادی، آن را طبقه بندی کرد و با جدا کردن اعلام، ادب، تاریخ و جغرافیا آن را در دو جلد به نام های المنجد فی اللغة و المنجد فی الاعلام منتشر کرد. در گردآوری این اثر عده ای از محققان رشته های مختلف علوم عربی نیز با وی همکاری کردند. المنجد با تلاش شبانه روزی محقق آقای محمد بندر ریگی برای استفاده فارسی زبانان به فارسی ترجمه شده است. در ترجمه، واژگان قرآنی از قلم افتاده اضافه شدند و برای کلمات اسلامی از قرآن و نهج البلاغه استشهاد آورده شده است.

روش چینش کلمات المنجد

المنجد یکی از منظم ترین معاجم لغوی است که تا عصر لويس معلوف نوشته شده است. کتاب مطابق ترتیب الفبایی فاء الفعل، عین الفعل، لام الفعل از جهت کلمات، بسیار دقیق چیده شده است. علاوه بر آن در هر ماده نیز دارای نظم و ترتیب ویژه ای است، به طوری که هر کس به راحتی به کلمه مورد نظر دسترسی خواهد داشت.

المنجد در شرح معانی کلمات، اسلوب خاصی به کار گرفته است که به صورت مختصر به آن اشاره می کنیم: در هر ماده، اصول معنایی آن ماده را با ذکر شماره مشخص می کند، تعداد شماره های ذیل هر ماده، بیان گر تعداد اصول معنایی مختلف آن ماده است.

هر یک از مشتقات با رنگ قرمز در کتاب مشخص شده اند و لذا حدود معانی و تفسیر هر کلمه تا جایی است که به یک کلمه قرمز دیگر برسد.

اگر ماده دارای مشتقات صرفی همچون اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه، صیغه مبالغه و... باشد المنجد آن را ذکر می کند.

مصادر ثلاثی مجرد هر فعل، به صورت اسمی منصوب در ابتدای هر ماده و پس از ذکر فعل آورده شده است. جمع های مکسر در صورتی که برای یک ماده وجود داشته باشد پس از ذکر هر اسم آورده می شود. در بسیاری از موارد، به مونث بودن اسم های مونث غیر لفظی اشاره شده است؛ مانند کلمه «الکأس»: مونثه.

ویژگی های المنجد

- ۱) استفاده آسان برای مبتدیانی که در حال آموختن زبان عربی هستند؛
- ۲) فراوانی واژگان و وجود کلمات جدید؛
- ۳) استفاده از تصاویر برای توضیح برخی از لغات مشکل؛
- ۴) استفاده از رموز؛
- ۵) پرهیز از طرح و بررسی آرای لغویین و اختصار مفید در شرح الفاظ.

پرسش و تمرین

۱. آیا فرهنگ معاصر ترجمه کتاب هانس ور است؟ توضیح دهید.
۲. آیا در این کتاب، معانی هر کلمه تحلیل شده است؟
۳. روش مؤلف در مشخص کردن افعال متعدی و اوزان هر باب چگونه است؟
۴. با مراجعه به فرهنگ معاصر، سه مثال از ترکیباتی که ذیل واژگان معنی شده است، بنویسید.
۵. با راهنمایی استاد، متنی پنج خطی از یک از متون معاصر را با استفاده از این لغت نامه ترجمه کنید.
۶. با مراجعه به المنجد معنای کلمات ذیل و اشتقات آن بیابید:
جدل، فطر، بدأ، نهر، یأس.

بیشتر بدانیم

جَمهرة اللغة

«جَمهرة اللغة»، اثر ابوبکر محمد بن حسن الازدی البصری، معروف به ابن درید، لغت شناس، نحوی، ادیب و شاعر معروف عرب از نخستین فرهنگ‌های لغت عرب است که منشأ پیدایش کتابهای لغت بعد از خود نیز بوده است.

روش چینش کلمات:

مؤلف در مقدمه کتابش ضمن تجلیل از کتاب العین خلیل، گفته که سبب تألیف جمهره، دشواری استفاده از العین است و افزوده که برای جمهره نظام الفبایی را اصل قرار داده است تا سودمندتر باشد و مراجعه کنندگان سرگردان نشوند. کتاب بر اساس ترتیب حروف الفباء و با ملاک حروف اصلی کلمه و محوریت لام الفعل و سپس فاء الفعل تنظیم کرده است.

کتاب در ده باب تنظیم شده است که بعد از پیدا کردن اصل کلمه بایستی تشخیص دهیم که در کدام یک از ابواب ذیل است:

۱. ابواب ثنائی صحیح مدغم (مضاعف) ۲. ابواب ثنائی مکرر ملحق به رباعی؛ ۳. باب الهمزه، با حروفی که بر سر آن می آیند همراه با تکرار مثل باء باء و... ۴. باب الهمزه، همراه با حروف معتل ۵. ابواب ثلاثی صحیح با تقلیبات، ۶. ابواب ثلاثی که دو حرف تکراری دارند ۷. ابواب ثلاثی معتل ۸. باب نوادر ۹. ابواب رباعی ۱۰. ابواب لفیف.

ویژگی های کتاب

مؤلف علت نام گذاری کتاب به «الجمهره» را چنین بیان می کند: «این کتاب را الجمهره نامیدم، زیرا عمده کلام عرب را در آن گرد آورده و از کلمات نا آشنا و ناشناخته خودداری کردیم». آنچه که باعث اهمیت و اعتبار الجمهره شده نزدیک بودن آن به عصر جاهلی است. از دیگر ویژگی های این کتاب تدوین آن بر اساس اشتقاق کبیر است.

المحکم و المحيط الاعظم

«المحکم و المحيط الاعظم» از معاجم لغت قرن پنجم هجری اثر «ابن سیده، ابوالحسن علی بن اسماعیل» (۴۵۸ ق)، ادیب، لغوی و نحوی عصر ملوک الطوائفی اندلسی است. او نیز همچون پدرش نابینا بود؛ اما هوش و ذکاوتی بی‌مانند و حافظه‌ای نیرومند داشت، چندانکه حیرت همگان، به‌ویژه استادانش را برانگیخته بود. وی کتاب مشهور دیگری در علم لغت به نام «المخصص» نگاشته است. کتاب را بر اساس فاء الفعل و با حروف حلقی شروع کرده و با حروف لبی و حروف بدون جایگاه (جوف) به پایان برده است.

مولف ذیل هر حرف، در ابتدا به ترجمه‌ی واژگان ابواب ثناعی مضاعف (واژگانی که دو حرفی هستند و حرف مورد نظر تکرار شده است) می‌پردازد. در ادامه به ترجمه‌ی ثلاثی صحیح از آن حرف می‌پردازد، سپس واژگانی که ثنائی مضاعف هستند یعنی یکی از حروفشان تکرار شده و دارای حروف عله می‌باشند را ترجمه نموده است.

مولف بعد از باب فوق به ذکر ترجمه‌ی واژگانی که ثلاثی معتل می‌باشند؛ یعنی واژگانی که سه حرف اصلی بدون تکرار و يك یا چند حرف آن از حروف عله می‌باشد، می‌پردازد. سپس به ثلاثی لفیف یعنی ذکر واژگانی که دو حرف از سه حرف آن عله و سپس رباعی و خماسی و سداسی اشاره می‌کند.

ابن سیده در این اثر، نظام کتاب العین خلیل بن احمد را اساس کار خود قرار داده و با استفاده از آثار دانشمندانی چون ابو عبیده اصمعی، ابو عمرو شیبانی، ابن جنی، ابوزید انصاری، ابو عبید قاسم بن سلام هروی، ابن درید و ابو حنیفة دینوری به تألیفی جامع دست زده است که آن را از بهترین آثار در نوع خود به شمار آورده‌اند. مولف امتیازات کتاب را در سه عنوان کلی مطرح می‌کند:

۱. حذف کلمات غیر ضروری.

۲. تنبیهات و تذکرات ضروری در برخی موارد.

۳. تمییز بین برخی امور متشابه.

مجمل اللغة

«مجمل اللغة» اثر ابن فارس است که با شخصیت وی در درس مقایس اللغة آشنا شدید.

عنوان صحیح کتاب «مجمّل اللّغة» است و وجه تسمیه آن همان طور که ابن فارس در مقدمه بیان کرده: «سمیته مجمل اللّغة، لأنی اجملت الکلام فیہ اجمالاً». مهم ترین ویژگی این کتاب رعایت اختصار و ایجاز در بیان معانی کلمات است.

از نکات ویژه کار با کتب ابن فارس این است که کتب با انگیزه تعلیمی بودن نگاشته شده است. و در مقدمه مجمل ذکر می کند که به درخواست شاگرد خود می نویسد. و با ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است. و ترتیب مخارج را کنار گذاشته تا مراجعه متعلم آسان گردد.

ابن فارس معاجم پیش از خود را دارای بُعد تناول یعنی دیر به مطلب رسیدن، پیچیده بودن از کثرت ابواب و دشواری روش استفاده می داند. و به همین سبب در صدد تالیف مجمل برآمده تا متعلم به سهولت و آسانی بتواند به معنای مفردات برسد.

روش ابن فارس در بیان مفردات یک ماده:

الف: چینش مفردات بر اساس اهمیت و کاربرد

ب: ضبط تعداد اشکال لغت

ج: بیان آرای لغویین و تحلیل آن

د: توجه به لهجات عرب

ه: عنایت به ظواهر لغوی و صرفی

و: اشاره به معرب

اساس البلاغه

زمخشری، ملقب به جارا... (همسایه خدا) - که به علت اقامت در مکه این لقب به او داده شد - در تفسیر و حدیث و نحو و لغت و بلاغت، تبحر داشته است. وی از دانشمندان برجسته ایرانی - اسلامی در قرن پنجم و ششم هجری است که در ۴۶۷ هجری قمری در زمخشر از توابع خوارزم متولد شد و در سال ۵۳۸ هجری چشم از جهان فرو بست.

ترتیب چینش کلمات

در ترتیب لغات اساس البلاغه از روش الفبایی متعارف استفاده شده که در آنها ریشه های سه حرفی کلمات به ترتیب حروف الفبا مرتب می شود؛ با این تفاوت که در ترتیب و توالی، حرف واو مقدم بر هاء

آمده است که برخی، این شیوه‌الفبایی را ابتکار زمخشری می‌دانند.

ویژگی‌های کتاب اساس البلاغه

همان‌گونه که نگارنده در مقدمه کتاب اشاره می‌کند، یکی از اهداف تألیف اساس البلاغه، آشکار ساختن نکات بلاغی در زبان عربی است. بر همین اساس، تلاش مؤلف، همواره برگزیدن واژگان و عبارت‌ها و جمله‌هایی بوده که در دنیای فصاحت و بلاغت، جایگاهی بس رفیع داشته باشند. وی در مقدمه کتاب می‌نویسد: «از ویژگی‌های این کتاب، گزینش ترکیب‌های زیبا و نیکوست که در عبارات ابداع‌کنندگان و کاربرد زبان‌آوران برجسته آمده است». آنچه بر ارزش اساس البلاغه افزوده، این است که وی این اصطلاحات و عبارات را نوعاً خود در بادیه از بادیه نشینان شنیده و ثبت کرده و سپس مورد تحقیق قرار داده است.

توجه به لغات بلیغ

از آنجا که زمخشری قصد تألیف لغت‌نامه‌ای عمومی را نداشته است، در اساس البلاغه برخی مواد ذکر نشده است و هدف وی تألیف لغت‌نامه‌ای ادبی-بلاغی به روش کاربردی بوده که در آن سخنان زیبا و اشعار نیکوی عربی را گرد آورد. به همین دلیل کتابش مختصر و گزیده شده است. برای شناخت شواهد بلاغی و مثال‌های اساس البلاغه آشنایی با علوم بلاغی لازم است. بنابراین، اساس البلاغه لغت‌نامه‌ای تخصصی-کاربردی است با گنجینه‌ای از نمونه‌های کاربرد واژگان بلیغ و رسای عربی در جمله‌ها و عبارت‌ها و اشعار و آیات و احادیث که در فهم ظرایف کلمات قرآن نیز بسیار سودمند است.

بیان معانی مجازی

مهم‌ترین امتیاز این لغت‌نامه نسبت به لغت‌نامه‌های دیگر، پرداختن به کاربرد مجازی واژگان است. وی پس از بیان حقیقی هر واژه با عبارت «من المجاز» به توضیح کاربرد مجازی آن می‌پردازد. این کتاب معانی مختلف و مجازی هر لفظ را تا قرن ششم ذکر می‌کند.

توجه به معنای استعمالی

تفاوت حوزه کار اساس البلاغه با دیگر لغت‌نامه‌نویسان در این است که آنان به واژه مفرد، توجه دارند و در باز نمودن معانی آن کوشش می‌کنند، حال آنکه هدف اصلی زمخشری بیان معانی بلاغی و سیاقی بوده و بدین منظور از استعمالات فصیح و بلیغ استفاده کرده است. از این رو، به مجاز و استعاره و کنایه

توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد.

زمخشری، علاوه بر اینکه معنی هر کلمه را به دست می‌دهد، کاربردهای متعدد آن را در سیاق‌های مختلف سخن نیز بیان می‌کند. وی، در آوردن شواهد همواره به آیه‌های قرآن نظر داشته تا خواننده را با ظرافت‌های بلاغی کاربرد واژه‌ها و رموز اعجاز قرآن آشنا کند. سپس، به نقل احادیث و گفتار سخن‌سرایان نامی عرب پرداخته و در ادامه، با ذکر شواهد گوناگون، معانی مجازی و کاربردهای نادر هر واژه را نشان داده است. به سبب همین جنبه‌های دینی، علمی و هنری است که اساس البلاغه ارزشی بیش از یک کتاب لغت دارد و خواننده با مطالعه آن، جنبه‌های هنرمندانه بلاغت کلام و تعبیرهای زبان عربی را درمی‌یابد.

المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی

«المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی» اثر احمد بن محمد مقرئ فیومی (۷۷۰ ق)، یک فرهنگ لغت عربی به عربی است که مولف آن به صورت‌گزینی در انتخاب واژگان عمل کرده است. وی در این اثر، کلمات غریب شرح الوجیز رافعی را جمع‌آوری کرده و تعدادی از لغات و الفاظ مشتبه به آن اضافه کرده است. مولف در این کار از هفتاد کتاب کمک‌گرفته است و در سال ۷۳۴ ق آن را به اتمام رسانده است.

گزینش لغات خاص و بررسی کامل هر لغت، باعث شده حجم کتاب، کم باشد و کتاب، لغات محدودی را دربرگیرد و کسانی می‌توانند از این کتاب استفاده کنند که بر ادبیات عرب، تسلط کامل داشته باشند.

روش چینش کلمات:

کتاب در یک جلد و بر اساس حروف الفبا (با توجه به حروف اصلی کلمه)، و رعایت ترتیب حروف اصلی (فاء الفعل، عین الفعل، لام الفعل) تدوین شده است. وی در اسامی، ابتدا واژگانی را که مکسور الاول هستند ذکر کرده، سپس مضموم الاول در پایان مفتوح الاول را ترجمه نموده است و افعال را نیز به ترتیب رایج طبق وزنشان مرتب و ترجمه نموده است.

در ترتیب کتاب، کلمات رباعی و خماسی را همراه با کلمات ثلاثی ذکر کرده است؛ البته مولف در این کار سعی کرده که بین حروف کلمات رباعی و خماسی با ثلاثی اتحادی در حروف اصلیشان ایجاد کند؛ مثلاً «برقع» را همراه با «برق» آورده است؛ زیرا «برقع» از جهت حروف با «برق» متفق است.

ویژگی های کتاب :

۱. احادیث بسیاری به عنوان شاهد مثال در کتاب ذکر می‌کند.
 ۲. مولف در بسیاری از موارد، شرح لغوی کلمه را رها کرده و به بررسی معنای فقهی آن، پرداخته است و در یافتن معانی استعمالی کلمات به دانش پژوهان کمک می‌کند.
 ۳. طرح برخی مسائل فقه اللغه و مباحث ادبی نیز در قسمت‌های مختلف کتاب دیده می‌شود.
 ۴. توجه به تذکیر و تأنیث و سعی در ذکر جمع‌های اسامی در کتاب، قابل توجه است و دلالت بر دقت مولف می‌کند.
 ۵. التزام به ذکر خصوصیات افعال در کتاب از دیگر ویژگی‌های کتاب است.
- مولف در مقدمه، سبب تالیف کتاب و روش تالیف خود را با مثال‌هایی بیان کرده است. سپس وارد متن کتاب می‌شود که با حرف الف شروع کرده است و هر حرف را با نام کتاب ذکر و به تعداد حروف عربی که ۲۸ حرف می‌باشد کتاب ذکر کرده است. لازم به ذکر است که قبل از ذکر حرف آخر یعنی حرف یاء بابی به نام «باب لا» ذکر کرده که در آن به معانی مختلف آن پرداخته است. سپس به «باب یاء» پرداخته و در پایان، خاتمه‌ای نسبتاً طولانی ذکر کرده که در آن به برخی از قواعد زبان عربی پرداخته است که دلالت بر دقت مولف می‌کند.

مولف در خاتمه کتاب تعدادی از مباحث ادبی را در ضمن فصل‌هایی مورد بحث قرار داده است.

اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد

«اقرب الموارد» اثر سعید الخوری الشرتونی اللبنانی (ت ۱۹۱۲م) از پیروان آیین مسیحیت است. غرض اصلی مولف از نوشتن این کتاب، تهیه معجمی برای دانش‌جویان جوان بوده تا ضمن آسان نمودن استفاده از آن و علاقمند نمودن دانش‌پژوهان جوان به مراجعه به منابع لغوی، یعنی جوانب اخلاقی نیز در مورد آنان رعایت شده باشد.

روش چینش کلمات :

«شرتونی» کتاب خویش را بر اساس نظام الفبایی و ماده اصلی کلمه بر طبق شیوه اشتقاقی به رشته تحریر درآورده است و بعد از بیان مواد ثلاثی مواد رباعی و خماسی را بر طبق حرف چهارم و پنجم مرتب کرده است. سپس در شرح کلمات ابتدا با فعل ماضی ثلاثی مجرد آغاز می‌کند و سپس مضارع را بیان

می کند و پس از آن اسماء و صفات را توضیح می دهد.

ویژگی های کتاب

مؤلف سعی کرده است علاوه بر جمع آوری کلمات قدیم و بهره گیری از معاجمی همچون «القاموس المحیط» و «لسان العرب» و «تاج العروس» از معاجم جدید مانند «محیط المحيط» و معاجم دیگر ادیان نیز بهره گیرد.

این معجم در سه جلد تهیه شده و علاوه بر آن در پایان کتاب فصلی با عنوان «ذیل» آمده است که در آن کلمات فراموش شده و یا کلماتی که مصنف وجود آن را در کتاب لازم شمرده، اضافه شده است البته این با هدف مؤلف که تسهیل کار طالبان علم است همخوانی ندارد.

مؤلف سعی نموده کلمات قبیح و منفی همچون اسم عورات و ... را از کتاب خود حذف کند که این امر نیز مورد مناقشه بسیاری از اهل فن قرار گرفته است و آنها این کار را خالی از هرگونه فایده و کاملاً اشتباه می دانند.

النهاية فی غریب الحدیث و الأثر

«النهاية فی غریب الحدیث و الأثر» تألیف مبارک بن محمد بن عبدالواحد شیبانی، معروف به ابن اثیر جزری، (متوفی ۶۰۶ق) می باشد که از معاجم غریب حدیث به شمار می رود. وی در این کتاب، احادیث غریبی را که در متون و منابع دینی پراکنده است، گرد آورده و به شرح و توضیح آنها از جهت لغوی پرداخته است.

این کتاب ماخوذ از «غریبین» هروی و «غریب الحدیث» ابوموسی اصفهانی می باشد. درباره ی کلام «غریب» دو وجه گفته اند: یکی آنکه مراد از آن بعید المعنی و غامض باشد؛ چنانکه فهم، بدان جز با تأمل بسیار و به کار انداختن اندیشه نرسد و دیگر آنکه مراد سخن قبایل دور افتاده ی عرب است، چون به کلمه ای از لغات عرب برمی خوریم آن را غریب می شماریم.

ابن اثیر خود می گوید: «من در این دو کتاب امعان نظر کردم. کتاب ابوموسی مقتبس از کتاب غریبین هروی است و بعضی از احادیث صحیح بخاری و صحیح مسلم که دارای کلمات غریب اند در این کتابها نقل نشده است و من در «نهاية» این احادیث را افزودم».

روش چینش کلمات:

کتاب طبق حروف الفبا تنظیم شده و حاوی ۲۸ حرف است. در هر باب مولف ریشه لغتی را که در حدیث به‌کار رفته ذکر می‌کند، سپس حدیث و یا سخن صحابی یا تابعی را بیان کرده و پس از آن به شرح لغت مورد نظر می‌پردازد.

ویژگی های کتاب :

۱. تتبع و جستجوی کامل و دقیق در صحیحین برای پیدا کردن کلمات غریب جدید،
۲. نقل قول های متعدد از کتاب های قبلی غریب الحدیث
۳. اختصار گویی و پرهیز از ذکر متن احادیث مگر در موارد ضرورت
۴. مولف در جلد اول به اهمیت و جایگاه علم حدیث می‌پردازد و آن را یکی از واجبات کفایی و حقی از حقوق دین می‌شمارد. ابن اثیر، علم حدیث را به دو قسم علم به الفاظ و علم به معانی تقسیم کرده و شناخت الفاظ را مقدم بر معانی می‌داند و متذکر می‌شود که برای رسیدن به این هدف باید از قواعد زبان عربی پیروی کرد. وی در ادامه الفاظ را به دو قسمت مفرد و مرکب تقسیم نموده است و شناخت مفرد را مقدم بر مرکب می‌داند؛ زیرا ترکیب، فروعی از افراد به‌شمار می‌رود. همچنین الفاظ مفرد یا عام هستند یا خاص و بعضی از این الفاظ خاص هستند که به صفت غریب متصفند. مولف، معرفت واژگان را به دو بخش ذاتی یعنی شناخت کلمه از حیث وزن، بناء و حروف اصلی آن و یا معرف صفاتی یعنی شناخت واژگان از حیث اعراب و حرکات آن تقسیم می‌کند.

درس شانزدهم

معرفی یک نرم افزار لغوی

بعد از آنکه معاجم را دسته بندی کرده، با ویژگی ها و نویسندگان چند لغت نامه مهم آشنا شدیم، این درس به معرفی نرم افزاری در این زمینه برای لغت پژوهان و علاقه مندان به فهم نصوص دینی اختصاص دارد؛ زیرا امروزه نرم افزارهای پژوهشی زیرساخت های اولیه پژوهش را تشکیل می دهند و از جمله مهم ترین ابزار در کیفیت بخشیدن و جامعیت دادن به تحقیقات می باشند. این ابزار به ویژه هنگامی که باید به منابع مراجعه نمود، کار را بسیار آسان کرده است. در میان نرم افزارهای لغت موجود، نرم افزار قاموس النور از مرکز تحقیقات رایانه ای نور از ویژگی های مثبتی برخوردار است که در این درس به معرفی آن می پردازیم.

معرفی نرم افزار قاموس النور

قاموس النور (ویرایش دوم)، نرم افزاری در زمینه واژگان عربی است. این نرم افزار، حاوی معتبرترین معاجم لغوی زبان عربی می باشد. از این رو، می توان آن را فرهنگ جامع زبان عربی معرفی نمود که چهل عنوان معجم را در ۲۱۴ مجلد در خود جای داده است؛ کتاب هایی که گاه به سختی در کتابخانه ها پیدا می شوند.

کسانی که در حال تحقیق و تتبع در علوم مختلف اسلامی اند با بهره گیری از این نرم افزار می توانند به نیازهای خود در زمینه لغت دست یابند و به تحقیقات خود عمق بیشتری ببخشند. نرم افزار قاموس، نیاز

طیف‌های مختلفی از لغت پژوهان را پوشش می‌دهد و امکان دسترسی به معاجم عام و معاجم خاص را برای پژوهش‌های مختلف فراهم کرده است.

از این رو، کسانی که در پی معانی اصلی واژگان باشند، به کتاب ارزشمند مقایسه اللغه ابن فارس مراجعه می‌نمایند. در فن بلاغت و شناخت معانی حقیقی از مجازی، اساس البلاغة زمخشری محل رجوع لغت پژوهان است و دقت‌های لغوی با دید انتقادی را می‌توان در معجم الطراز الاول سید علی‌خان بن معصوم المدنی دنبال کرد. مفسر قرآن و محقق علوم قرآنی، علاوه بر معجم عام، امکان رجوع به معاجم قرآنی، چون مفردات راغب، التحقیق فی کلمات القرآن، قاموس قرآن قرشی و مجمع البحرین طریحی نیز فراهم می‌کند.

محدث و محقق علوم حدیث که کتب غریب الحدیث نظیر الفائق زمخشری، النهایه ابن اثیر و مجمع البحرین را یکی از مراحل مهم فهم کلمات مشکل حدیث می‌داند، دسترسی به این منابع برایش به آسانی ممکن خواهد بود. به علاوه معاجم عامی مانند تاج العروس زبیدی، لسان العرب ابن منظور، تهذیب اللغه ازهری، المحکم ابن سیده، محیط صاحب بن عباد، جمهره ابن درید، شمس العلوم حمیری، صحاح اللغه جوهری نیز برای لغت پژوهان در این نرم افزار تعبیه شده است.

کسانی که لغات را از نظر چینش موضوعی - نه لفظی - مورد توجه قرار می‌دهند، می‌توانند با مراجعه به موسوعه موضوعی المخصص از ابن سیده و مقدمه الادب زمخشری و نیز کتاب الافصاح به نیازهای خود پاسخ دهند. پژوهشگران طب سنتی نیز با مراجعه به کتاب الماء اذی (لغوی معاصر با شیخ الرئیس، ابن سینا) به معانی مصطلح در علم طب دست می‌یابند و برای یافتن استعمالات افعال می‌توان به معجم الافعال مراجعه کرد و برای کسانی که به دنبال یافتن معانی فارسی الفاظ رایج عربی باشند نیز فرهنگ ابجدی در این نرم افزار گنجانده شده است.

در قسمت نسخه شناسی کتاب‌ها به معرفی مختصر مولف و معاجم نیز پرداخته شده است.

در ذیل به امکان تعبیه شده در این نرم افزار اشاره می‌شود:

جستجو از طریق مشتق و ریشه

یکی از امکانات این نرم افزار، جست‌وجوی لغات از طریق ریشه و مشتق می‌باشد. در مواردی مانند کلمات معتدل که یافتن ریشه کلمات دشوارتر است و بین برخی از لغویان در ریشه کلمات اختلاف وجود

دارد، می توان با مراجعه به این نرم افزار، ریشه ها را شناسایی کرد و با توجه به نظر لغویان، به نظر مختار درباره ریشه کلمات دست یافت.

«آیات در کتب»

یکی از قابلیت های این نرم افزار، بخش «آیات در کتب» است. این قسمت مطالبی را که در میان متون کتب لغت درباره آیه و یا کلمه ای از آیه آمده ارایه می دهد تا کاربران و پژوهشگران با جستجوی آیات یا جستجو در خود کلمه، مطالب ارزنده ای از این دست داشته باشند. بخش «آیات در کتب» نرم افزار قاموس نور، نقش تفسیر لغوی و ادبی قرآن را ایفا می کند. برای نمونه کاربر با درج کلمه «ولیکم» که در آیه ۵۵ سوره مائده آمده، می تواند نظرات لغویان را ذیل این آیه از نظر مباحث لغوی مشاهده نماید؛ به بیان دیگر، این بخش، درباره آیات قرآن و کلمات آن، تفسیر لغوی ارایه می کند.

«پژوهش در لغت»

نرم افزار قاموس، افزون بر داشتن کتابخانه ای غنی از معاجم لغت، به امر پژوهش نیز توجه ویژه داشته است. بخش «پژوهش در لغت» این نرم افزار، از بخش های ارزنده و مفید است که به پژوهش های لغوی کمک شایانی می کند. در این بخش در جلوی عنوان «موضوع» پنجره ای باز می شود که شامل گزینه های: «همه (منظور همه واژگان متون برنامه است)»، «آیات»، «احادیث»، «شعرها»، «مترادف»، «مثل»، «مجاز» و «معرب» است. در این قسمت، مدخل هایی که مورد استفاده قرار گرفته، در قالب دو بخش «ریشه» و «مشتق» است؛ شامل ۱۳۶۰۴ ریشه و ۳۰۰۲۵۳ مشتق که همه از متن کتاب های لغت استخراج شده است.

فهرست گزینه «آیات» به ریشه و مشتقات آیاتی که در کتاب های لغت آمده، محدود می شود؛ یعنی ۱۹۱۸ ریشه و ۱۱۴۲۰ مشتق. این ریشه ها و مشتقات، ریشه کلمات قرآنی است که در کتاب های لغت آمده است. با این گزینه، محقق قرآنی، وقت خود را صرف لغاتی که در سایر متون لغت آمده و ارتباطی به حوزه تحقیق او ندارد، نمی کند.

در گزینه «حدیث» تنها مشتقات و ریشه هایی که در کتب لغت در ذیل شرح واژگان حدیث ارائه شده اند، قابل دسترسی است. گزینه بعدی یعنی «اشعار» به شعرها و ریشه و مشتق کلمات آنها اختصاص

یافته است. از دیگر گزینه‌های این بخش «مترادف» است که بسیار دارای اهمیت است. پایه و زیربنای تهیه این فهرست، کتاب المکنز العربی معاصر بوده است. این بخش برای تحقیقاتی که می‌خواهد مرز واژه‌ای را از مفاهیم مشابه جدا کند، بسیار ارزشمند و کاربردی است. مثلاً ذیل واژه «اصلاح»، مترادفات آن چنین آمده است: «تهذیب»، «تشدیب»، «تنقیح»، «تقلیم» و «تربیت». البته کتاب انتخابی برای مشخص کردن مترادفات، از کتب معاصر می‌باشد و برای یافتن مترادفات آیات و روایات نمی‌توان کاملاً به آن اعتماد کرد. افزون‌تر اینکه آیا این کلمات را می‌توان مترادف محسوب کرد یا خیر، وابسته به مبانی اتخاذی درباره این دسته از کلمات می‌باشد.

گزینه بعدی «امثال» می‌باشد که دارای ۱۵۲۷ ریشه و ۳۰۴۳ مشتق از واژگان ضرب‌المثل‌ها می‌باشد. همچنین در این بخش، گزینه دیگری به نام «مجاز» وجود دارد که برای علاقه‌مندان تحقیق در زمینه فصاحت و بلاغت بسیار مناسب است. منبع استفاده شده در این قسمت، کتاب اساس البلاغه بوده است. برای مثال، کاربر می‌تواند ببیند که کلمه «إبر» آیا استعمال مجازی دارد یا نه. در کتاب اساس البلاغه آمده است که مفهوم حقیقی «إبر»، سوزن است و مجازاً به معنای غیبت و زخم زبان به کار برده شده است. گزینه آخری که در قسمت پژوهش آمده، «معرب» است که ۱۳۴۶ ریشه و ۲۰۳۲ مشتق را از کتاب شفاء الغلیل در خود جای داده است. اگر محقق لغتی را در این قسمت وارد کند، برنامه نشان می‌دهد که کلمه انتخابی کاربر، عربی است یا از زبانی دیگر.

پرسش و تمرین

۱. ریشه کلمات زیر را با مراجعه به شش لغت نامه (مقایس اللغة، مفردات راغب و...) بیابید. چه تفاوتی بین ریشه‌های ارائه شده وجود دارد؟
یرجون، رجاء، بور، قضاوت، عصیان، معصیت، خلوت، رب، ماء، یحیی، انساهم، مطویات.
۲. با مراجعه به بخش «آیات در کتب» این نرم افزار، معانی کلمات قرآنی زیر را از دو لغت نامه عام

مقایسه اللغه و العین و دو معجم قرآنی پیدا کنید. به نظر شما چه تفاوتی بین معانی بیان شده در هر کتاب وجود دارد؟

یقفهون، یتدبرون، یعرفون، تعقلون.

۳. با مراجعه به نرم افزار، موارد خواسته شده درباره پنج کلمه پیشنهادی استاد را پیدا کنید. (حتی المقدور کلمات تکراری نباشد)

معرب، مترادف یا متقارب المعنی، معنای مجازی.

غیر قابل استناد (دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه)

فیدر قابل استناد (دفتر تلویین متون درسی حوزه های علمیه)

بخش سوم

روش مراجعه به معاجم

در رجوع اولیه به کتب لغت، اولین مشکلی که برای مبتدیان پیش می آید این است که با متنی پیچیده و دارای نکات مختلف روبرو می شوند. مشتقات، استعمالات و استنادات و معانی مشابه و نقل اقوال گذشتگان و... در هر واژه ای کم و بیش یافت می شود. از این رو برای فهم معنای واژگان، همچنین بهره مندی از موضوعات مطرح در معاجم نیازمند آشنایی با موضوعات معاجم و کسب مهارت‌هایی برای مراجعه به معاجم و آشنایی با روش‌های لغویان در بیان و تحلیل معنای لغات زبان عربی هستیم، که در این بخش به این مباحث پرداخته می‌شود.

فیدر قابل استناد (دفتر تلویین متون درسی حوزه های علمیه)

شناخت موضوعات مطرح در معاجم (۱)

هدف معاجم فقط ذکر معانی ماده نیست بلکه لغویان در معاجم اهداف دیگری را پیگیری می کنند و آن ذکر مشتقات، استعمالات و استنادات و معانی مشابه و نقل اقوال گذشتگان و... است. فهم ماده کلمه، وزن و هیات هر واژه و مشتقات آن، بیان جمع و مذکر و مونث هر واژه و... از جمله اموری است که معاجم متکفل آن هستند. چون عرب ها هر ماده ای را در هر وزن و هیاتی استعمال نمی کنند و این امر متکی به سماع است برای فهم موارد استعمالی باید سراغ معاجم رفت.

همچنین شناخت و تفکیک توضیحاتی که ذیل یک ماده می آیند کمک شایانی به فهم معنای واژگان می کند. سه درس پیش رو به بررسی این مسایل اختصاص دارد و در این درس به بیان شیوه معرفی ماده و ضبط کلمه و هیات های صرفی اسما می پردازیم. مصدر، مشتقات و جمع واژگان در معاجم از موارد هیات اسما می باشند که در این درس توضیح داده شده اند.

ماده

عرب از ترکیب حروف، هر ماده ای را نمی سازد. همان طور که در دروس گذشته خواندید خلیل تحت عنوان مستعمل و مهمل از ماده های کلمات بحث کرده است؛ بلکه تلفظ برخی حروف در کنار هم برای عرب بسیار ثقیل است. برای یافتن ماده هایی که در زبان عربی به کار می رود می شود از مدخل های

معاجم کمک گرفت.

ضبط

مقصود از ضبط، حرکت و اعراب و تلفظ صحیح واژگان است. در معاجم کهن برای بیان ضبط واژگان معمولاً از یکی از روش‌های زیر بهره می‌گیرند:

۱. گاهی با نهادن علائم فتح و کسر و رفع روی کلمه در متن، ضبط آن را مشخص می‌کنند، مانند الجِذْمُ: سرعة القطع... جِذْمُ القوم: أصلهم. و الجِذْمَةُ والجِذْمَةُ: القطعة. (العين)

۲. یکی دیگر از روش‌های رایج برای بیان ضبط کلمه استفاده از عناوین کسر، فتح، ضمه، تشدید، مضموم، مفتوح و مکسور است، مانند: جذم: الجِذْمُ بِالْكَسْرِ أَضْلُ الشَّيْءِ وَ الْجِذْمُ بِالْفَتْحِ الْقَطْعُ. (مصباح المنير)، جنز: جَنَزْتُ الشَّيْءَ... وَ هِيَ بِالْفَتْحِ وَ الْكَسْرِ وَ الْكَسْرُ أَفْصَحُ وَقَالَ الْأَصْمَعِيُّ وَ ابْنُ الْأَعْرَابِيِّ بِالْكَسْرِ المَيْتُ نَفْسُهُ وَ بِالْفَتْحِ السَّرِيرُ. (مصباح المنير)

الدَّبْسُ: بِالْكَسْرِ عَصَاةُ الرُّطْبِ. (مصباح المنير)

۳. روش دیگری که آن نیز بسیار رایج است این است که برای بیان ضبط یک کلمه به کلمات مشابه در ضبط مثال می‌زنند و از کاف تشبیه، مثل، نحو استفاده می‌شود مانند:

الْغُرْضَةُ بِالضَّمِّ: التَّصْدِيرُ، وَ هُوَ لِلرَّحْلِ بِمَنْزِلَةِ الْحِزَامِ لِلسَّرَجِ، وَ الْبِطَانِ لِلْقَتَبِ. وَ الْجَمْعُ غُرُضٌ، مِثْلُ بُسْرَةٍ وَ بُسْرٍ، وَ غُرُضٌ مِثْلُ كُنْتَبٍ وَ كُنْتَبٍ. وَ يُقَالُ لِلْغُرْضَةِ أَيْضاً: غُرُضٌ، وَ الْجَمْعُ غُرُوضٌ، مِثْلُ فُلُسٍ وَ فُلُوسٍ. (صحاح)

۴. یکی دیگر از روش‌های معرفی ضبط کلمه که گاه از آن استفاده شده به کار بردن تعبیر «وزن» یا «وزان»

است. در مواردی که وزن کلمه بیان می‌شود به تبع وزن ضبط آن نیز، مشخص می‌شود مانند:

المِضْحَاةُ: جَامٌ يَشْرَبُ فِيهِ بوزن مِفْعَلَةٍ. (العين)

وَ رَجُلٌ أُسْحَوَانٌ: كَثِيرُ الْأَكْلِ. وَ السَّحَاءُ بوزن فَعَالٍ: مِتَخَذُ الْمَسَاجِي، وَ السَّحَايَةُ: حِرْفَتُهُ. (العين)

بِنَاءِ شَيْءٍ: شَيْءٌ بوزن فَيْعِلٍ، وَ لَكِنَّهُمْ اجْتَمَعُوا قَاطِبَةً عَلَى التَّخْفِيفِ. (العين)

الْبَرْتَكَانُ: وَ زَانٌ زَعْفَرَانٍ كَسَاءً مَعْرُوفٌ. (مصباح المنير)

۵. در شیوه اهل لغت مرسوم است که گاهی در بیان ضبط و معنای کلمه، به جای بیان صریح معنا آن را

با کلمه دیگر مقایسه و تشبیه می‌کنند، گاه با به کار بردن حرف تشبیه (ک) و گاه بدون آن، مانند: «عَرَبٌ

كَفْصَحٌ» که در این مثال هم ضبط کلمه بیان شده است و هم معنای «عَرَبٌ».

هیأت های صرفی

همان طور که در علم صرف خواندید معمولاً تفاوت در هیأت کلمات، سبب تغییر معنی می شود. آنچه که مهم است این است که در ساخت این هیأت ها، یعنی بردن یک ماده به هیأتی مخصوص ناچاریم به معاجم مراجعه کنیم. چون در زبان عربی کاربرد هر ماده در هیأت، مشروط به استعمال عرب ها می باشد، یعنی سماعی است و راهی جز شنیدن (سماع) از آنان ندارد. لذا پیش از ساخت یک هیأت باید ببینیم آیا عرب این ماده را در این هیئت خاص استعمال کرده است یا نه؟ از جمله مهم ترین هیأت های افعال باب های مختلف ثلاثی مجرد و مزید است و از جمله مهم ترین هیأت های اسما می توان مصدر و جمع را ذکر کرد در ادامه برخی از هیأت های مختلف اسما و افعال را ذکر می کنیم:

معرفی ابواب ثلاثی مجرد مورد استعمال در یک ماده

آنچه در افعال ثلاثی مجرد مهم است بیان عین الفعل اولین صیغه در ماضی و مضارع است. در بیان وزن باب ثلاثی مجرد کلمات، معاجم از دو روش استفاده می کنند: یکی بیان علائم مانند

العَقْلُ : نَقِيضُ الْجَهْلِ . عَقَلَ يَعْقِلُ عَقْلًا فَهُوَ عَاقِلٌ . (العین)
نَقَعَ الْمَاءُ فِي مَنْقَعَةِ السَّيْلِ يَنْقَعُ (العین)

و روش دیگر مثال آوردن به وزن مشابه مانند:

جَنَّ عَلَيْهِ مِنْ بَابِ قَتَلَ (مصباح المنیر) یعنی (فَعَلَ يَفْعَلُ)
جَهَّدَ مِنْ بَابِ نَفَعَ (مصباح المنیر) یعنی (فَعَلَ يَفْعَلُ)

الْحَبْسُ : الْمَنْعُ وَهُوَ مَصْدَرٌ حَبَسْتَهُ مِنْ بَابِ ضَرَبَ (مصباح المنیر) یعنی (فَعَلَ يَفْعَلُ)

معرفی ابواب ثلاثی مزید که ماده لغت در آنان استعمال شده

در معاجم بعد از بیان هیأت فعل ثلاثی مجرد به افعال ثلاثی مزیدی که در آن استعمال شده اشاره می شود و معنای آن در باب مذکور بیان می شود و اگر فعلی در یکی از باب های مزید در مجموع معاجم نباشد یعنی در آن باب، کاربرد ندارد و در زبان عربی نمی شود بدون استناد به کلام عرب هر ماده ای را به هر باب مزیدی برد. الباء و السین و المیم أصل واحد، و هو إبداء مُقَدِّمِ الْفَمِّ لِمَسْرَةِ؛ و هو دُونَ الضَّحْكِ .
يَقَالُ بَسْمَ يَبْسِمُ وَ تَبَسَّمَ وَ ابْتَسَّمَ . (مقایس)

نَكَحَهَا وَ اسْتَنَكَحَهَا ... وَ تَنَاقَحُوا تَكَثَرُوا . وَ فَلَانَةٌ نَاكِحٌ فِي بَنِي فَلَانٍ ... أَنْكَحُوا . (اساس البلاغه)

أَكْرَهْتُهُ عَلَى كَذَا وَكَرِهْتُ إِلَيْهِ الشَّيْءَ تَكْرِيهًا: نَقِيضُ حَبَبْتُهُ إِلَيْهِ. وَاسْتَكْرَهْتُ الشَّيْءَ. (صحاح)

استفاده از معاجم جامع تر و متاخر مانند لسان العرب و تاج العروس در این امر می تواند کمک بیشتری به ما انجام دهد. راه آسان تر استفاده از نرم افزار «قاموس النور» است که زمانی که مشتقات را می آورد تمامی ابواب مزیدی که در مجموع معاجم است ذکر می کند. مانند ماده «فَلَح» باب تَفَعَّلَ تَفَلَّحْتُ (لسان العرب) باب اسْتَفْعَلَ اسْتَفْلِحِي (مقاییس) باب إِفْعَلَ أَفْلَحَ (صحاح) باب تَفَعَّلَ فَلَحوَا (لسان العرب) ماده حکم در ابواب افعال - أَحْكَمَ (العین) باب اسْتَفْعَلَ - اسْتَحْكَمَ (العین) باب افْتَعَلَ - احْتَكَمَ (العین) تَحَاكَمْنَا (مفردات) باب تَفَاعَلَ - تَحَاكَمُوا (صحاح) باب تَفَعَّلَ - تَحَكَّمَا (قاموس المحيط)

مصدر

در معاجم معمولاً بعد از صیغه ماضی و مضارع، مصدر نیز ذکر می شود.

طَلَبْتُهُ: أَطْلَبُهُ، طَلِبًا (مصباح المنير) دام: الشَّيْءُ، يَدُومُ، دَوَامًا وَ دَوَامًا وَ دَيْمُومَةً. (مصباح المنير)

العِظَمُ: مصدر الشَّيْءِ العَظِيمِ. عَظُمَ الشَّيْءُ عَظْمًا فَهُوَ عَظِيمٌ. وَ العِظَامَةُ: مصدر الأَمْرِ العَظِيمِ. عَظُمَ الأَمْرُ عِظَامَةً. (العین) المَزَاحُ مصدر كَالْمَازِحَةِ. (العین) القَسْمُ مصدر قَسَمَ يَقْسِمُ قِسْمًا، (العین) الزُّورُ: مَصْدَرُ زَارَ ه يَزُورُهُ زَوْرًا، أَيْ لَقِيَهُ بَزُورِهِ، أَوْ قَصَدَ زُورَهُ أَيْ وَجْهَتَهُ، كَمَا فِي البَصَائِرِ، كَالزِّيَارَةِ، بِالكُسْرِ وَ الزُّوَارِ، بِالضَّمِّ، وَ المَزَارِ، بِالفَتْحِ، مصدر مِيمِي. (تاج العروس) «لِإِيْلَافِ قُرَيْشٍ ١» مصدر من أَلَفَ. (مفردات) المُنْطِقُ مصدر مِيمِي وَ يَدُلُّ عَلَى اسْتِمْرَارِ وَ جَرِيَانِ. (التحقيق)

جمع

از اموری که در معاجم به آن اشاره می شود جمع ها می باشد. اوزان جمع مکسر فراوان است و تعداد آن به حدود چهل وزن می رسد. برای شناخت این اوزان هیچ راهی قطعی جز مراجعه به معاجم وجود ندارد. برای بیان جمع با عباراتی نظیر: الجمع، جمع، جمعه، جمعها، جمع القلیل، جمع الكثير و امثال آن در معاجم استفاده می شود.

وَ جمع الأَعْرَجِ عُرْجَانٌ. وَ العَرَجَاءُ: الضَّبَعُ. وَ جمعه: عُرْجٌ. أَعْرَجَ: حِيَةَ صِماءَ لَا تَقْبَلُ الرِّقِيَةَ، وَ تَطْفِرُ كَمَا تَطْفِرُ الأَفْعَى وَ جمعه: أَعْرَجَاتٌ. (العین)

عَجَّوْلَةٌ، وَ جمعه: عَجَاجِيلٌ. (العین)

صَفِيحَةٌ، وَ جمعه صَفَائِحٌ. (العین)

الْخُرْطُومُ الْأَنْفُ وَالْجَمْعُ خَرَاطِيمٌ مِثْلُ عُصْفُورٍ وَعَصَافِيرَ . (مصباح المنير)
 وَالْقَدُّ أَيْضًا: جِلْدُ السَّخْلَةِ الْمَاعِزَةِ، وَالْجَمْعُ الْقَلِيلُ أَقْدٌ وَالكَثِيرُ قِدَادٌ، عَنْ ابْنِ السَّكَيْتِ . (صحاح)
 ابْنِ السَّكَيْتِ: السَّقَاءُ يَكُونُ لِلْبَنِّ وَاللَّمَاءِ، وَالْجَمْعُ الْقَلِيلُ أَسْقِيَّةٌ وَأَسْقِيَاتٌ، وَالكَثِيرُ أَسَاقٍ . (صحاح)
 الذُّبُّ: يُهُمَزُ وَلَا يُهُمَزُ وَيَقَعُ عَلَى الذَّكْرِ وَالْأُنْثَى وَرَبَّمَا دَخَلَتِ الْهَاءُ فِي الْأُنْثَى فَقِيلَ ذُبُّهُو جَمْعُ الْقَلِيلِ أَدُوبٌ
 مِثْلُ أَفْلَسٍ وَجَمْعُ الْكَثِيرِ ذَنَابٌ وَذُوبَانٌ (مصباح المنير)

پرسش و تمرین

۱. مهم ترین موضوعات مطرح در معاجم را نام ببرید.
 ۲. ماده، ضبط، هیات های صرفی که در معاجم مطرح شده را با ذکر مثالی توضیح دهید.
 ۳. با مراجعه به لغت نامه مصباح المنیر توضیحاتی که مربوط به ضبط کلمه (خیر) و (الحبس) و مشتقات آنها می شود را بیان کنید.
 ۴. با مراجعه به لغت نامه العین توضیحات درباره وزن (أَبْيُنٌ وَ دَمَخِقٌ) را بنویسید.
 ۵. شیوه بیان اعراب عین الفعل «عَكَفَ وَ جَعَسَ» در لغت نامه العین و «جَادَ» در لغت نامه مصباح المنیر را بگویید.
 ۶. با مراجعه به دو لغت نامه لسان العرب و صحاح ابواب تلاشی مزید (ختم، نوب، توب، نزل) را پیدا کنید.
 ۷. در هر واژه با مراجعه به یکی از معاجم صحاح، تاج العروس، لسان العرب مصدر واژگان زیر را بنویسید:
- راهب کاتب
۸. جمع واژگان زیر را با مراجعه به یکی از معاجمی که تاکنون آشنا شده اید بنویسید.
- الزَّمِيْعُ: درْعُ: الجُبُّبَةُ:

فیدر قابل استناد (دفتر تلویین متون درسی حوزه های علمیه)

شناخت موضوعات مطرح در معاجم (۲)

در این درس در ادامه معرفی موضوعات مختلف مطرح در معاجم، به معرفی بقیه موارد تحلیل اسم یعنی مشتقات، مذکر و مؤنث و مصغر می پردازیم، همچنین با موارد مربوط به فعل در معاجم مانند: متعدی، لازم، چند مفعولی، متعدی با حروف جر آشنا می شویم.

مشتقات

منظور از مشتقات کلماتی هستند که از کلمه دیگر گرفته شده باشند. این کلمات در ۸ گروه ذیل جای می گیرند: اسم فاعل، اسم مفعول، اسم تفضیل، اسم زمان، مکان، صفت مشبیه، صیغه مبالغه و اسم آلت. بحث در باره معنای مشتقات و این که هر کدام در چه هیاتی می آید نیز در معاجم مطرح می شود. قاعده در علم صرف این است که هر هیاتی برای معنایی خاص در نظر گرفته شده که در همان معنا باید استعمال شود، اما بر خلاف قواعد علم منطق که کلی و دائمی است، قواعد مطرح در زبان جنبه غالبی داشته و همیشه در مورد هر قاعده ای استثنائاتی وجود دارد. به عبارت دیگر زبان همواره تابع ذوق اهل زبان است و قواعد زبان، همیشه متأخر و تابع زبانند و بر اساس زبان، تدوین می گردند، بنابراین نباید انتظار داشت که زبان از قواعد پیروی کنند، بلکه این قواعدند که باید بر اساس زبان، تدوین شوند. مثلاً هنگامی که برای ساخت اسم فاعل قاعده بیان می شود که اسم فاعل در فعلهای ثلاثی مجرد همیشه بر

وزن «فاعل» ساخته می‌شود، به این معنا نیست که هر کلمه‌ای که بر وزن اسم فاعل می‌آید معنای اسم فاعلی دارد. نکته ظریف اینجاست که در جعل، واضح نه اینقدر بی‌قاعده عمل می‌کند که هر هیاتی را برای هدفی انتخاب کند و زبان بی‌نظم و به هم ریخته و بدون قانون شود و نه اینقدر منطقی و قاعده‌مند رفتار می‌کند که نتواند معنایی را در غیر موضوع له هیات خودش به کار برد، بلکه در کنار قواعد حاکم بر زبان، ذوق اهل زبان نیز جایگاهی بس مهم دارد. همین امر موجب گشته است که قواعد زبان، سرشار از استثناها باشد. برای نمونه کلمه «خاطف» علاوه بر اینکه اسم فاعل است (رباینده سریع) به معنای گرگ و به معنای «تیری که به زمین اصابت می‌کند و دوباره به سوی هدف می‌رود» نیز می‌آید. مثال دیگر: «مکسر»: اسم مکان کسر (مکان شکستن) به معنای «زمان آزمایش» و به معنای «اصل و ریشه» نیز می‌آید.

مذکر و مؤنث

شناخت مذکر و مؤنث یکی دیگر از امور مهمی است که در فهم زبان، آگاهی از آن لازم است و شناخت آن در برخی موارد باید از طریق سماع از عرب، حاصل شود. از این رو برای تشخیص تأنیث و تذکیر بعضی کلمات که علامت تأنیث ندارند باید به معاجم لغوی مراجعه کرد.

نمونه‌هایی از معرفی مذکر و مؤنث کلمات در معاجم این گونه آمده است:

دَابِق: اسْمٌ بَلَدٍ، وَ الْأَغْلَبُ عَلَيْهِ التَّذْكَيرُ. (صحاح) السَّلَاحُ مَذْكَرٌ، لِأَنَّهُ يُجْمَعُ عَلَيَّ أَسْلِحَةً، فَهَذَا جَمْعُ الْمَذْكَرِ مِثْلَ حِمَارٍ وَ أَحْمِرَةٍ، وَ رِداءٍ وَ أَرْدِيَةِ. (صحاح)

الْوُدُودُ: الْمُحِبُّ، وَ رِجَالٌ وَ دَدَاءٌ، يَسْتَوِي فِيهِ الْمَذْكَرُ وَ الْمُؤنَّثُ لِكُونِهِ وَصْفًا دَاخِلًا عَلَيَّ وَصِفٍ لِلْمَبَالِغَةِ. (صحاح) (الْأَلْفُ) مَذْكَرٌ لَا يَجُوزُ تَأْنِيثُهُ. (مصباح المنير) الْعُدُوُّ: اسْمٌ جَامِعٌ لِلوَاحِدِ وَ الْجَمِيعِ وَ التَّثْنِيَةِ وَ التَّأْنِيثِ وَ التَّذْكَيرِ فِيهِ سِوَاءٌ، إِلَّا فِي لُغَةِ بَنِي سَعْدٍ فَإِنَّهُمْ يَحْمِلُونَهُ عَلَيَّ تَصْرِيفِ الْفِعْلِ، فَيَقُولُونَ: هَلُمَّا وَ هَلُمَّا وَ نَحْوَ ذَلِكَ. (العين) وَ الْحَوَاتُ لَفْظٌ مُؤنَّثٌ وَ مَعْنَاهُ مَذْكَرٌ: دَوِيُّ جَنَاحِ الْعَقَابِ. (صحاح) الْجِيمُ [حرف هجاء] تَوْنُثٌ وَ يَجُوزُ تَذْكَيرُهَا. الْعِيْدُ يَذْكَرُ وَ يُؤنَّثُ. (العين)

الْعَرَبُ: اسْمٌ مُؤنَّثٌ وَ لِهَذَا يُوصَفُ بِالْمُؤنَّثِ فَيَقَالُ (الْعَرَبُ الْعَرَابَةُ) وَ (الْعَرَبُ الْعَرَبَاءُ) (مصباح المنير)

مصغر

بیان مصغر یا اسم تصغیر یکی دیگر از مواردی است که معاجم با عباراتی نظیر: تُصَغَّرُ، التَّصْغِيرُ،

تصغیرها، مصغّر و ... به معرفی آن می پردازند. نمونه هایی از معرفی تصغیر کلمات به این صورت است:

«دِرْعُ الْحَدِيدِ مَوْنَتُهُ فِي الْأَكْثَرِ وَ تُصَغَّرُ عَلَى دُرْبَعٍ . (مصباح المنير) الْقَدَمُ مِنَ الْإِنْسَانِ مَعْرُوفَةٌ وَ هِيَ أَنْثَى وَ لِهَذَا تُصَغَّرُ قَدِيمَةً بِالْهَاءِ (مصباح المنير)

أُوَيْسٌ: اسْمٌ لِلذَّنْبِ جَاءَ مِصْغَرًا (صحاح) الْعُقَيْبُ: طَائِرٌ، لَا يُسْتَعْمَلُ إِلَّا مِصْغَرًا. (لسان العرب)

تصغیر المَاءِ: مَوِيه. (العين) الْأَخْتُ أَصْلُهَا التَّانِيثُ، وَ تَصْغِيرُهَا: أُحْيَيْه. (العين) أَبْنَاءٌ، وَ فِي التَّصْغِيرِ: بُنْيٌ، قَالَ تَعَالَى: «يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ»^۱ «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ»^۲ (مفردات)

نُصَيْبُ الشَّاعِرِ مِصْغَرٌ. (صحاح) جَرِيحٌ مِصْغَرٌ اسْمُ رَجُلٍ. (صحاح) ضَمِيرٌ مِصْغَرٌ: جَبَلٌ بِالشَّامِ. (صحاح)

عُقَيْلٌ مِصْغَرٌ: قَبِيلَةٌ. (صحاح)

متعدی و لازم

یکی دیگر از رسالت‌های معجم‌های لغت، معرفی لازم یا متعدی بودن افعال است. در معاجم همیشه برای افعالی که متعدی باشند بعد از آوردن فعل برای آن مفعول به ذکر می شود. نیز از طریق، بردن فعل به باب افعال، یا بردن به باب تفعیل و یا به واسطه حروف جر، متعدی بودن فعل مشخص می شود. گاه نیز در بعضی معاجم به لازم یا متعدی بودن فعل تصریح می شود. برای شناخت لازم و متعدی بودن افعال، می توان از معاجم اختصاصی افعال مانند معجم الأفعال المتداولة کمک گرفت. نمونه هایی از روش معاجم برای متعدی معرفی کردن افعال این چنین است:

خَافَ: يَخَافُ، خَوْفًا وَ خَيْفَةً وَ مَخَافَةً وَ خِفْتُ الْأَمْرَ يَتَعَدَّى بِنَفْسِهِ فَهُوَ مَخُوفٌ وَ أَخَافِنِي الْأَمْرُ فَهُوَ مُخِيفٌ بِضَمِّ الْمِيمِ اسْمٌ فَاعِلٌ فَإِنَّهُ يُخِيفُ مَنْ يَرَاهُ وَ أَخَافَ اللَّصُوصُ الطَّرِيقَ فَالطَّرِيقُ مُخَافٌ عَلَى مَفْعَلٍ بِضَمِّ الْمِيمِ وَ طَرِيقٌ مَخُوفٌ بِالْفَتْحِ أَيْضًا لِأَنَّ النَّاسَ خَافُوا فِيهِ. وَ مَالَ الْحَائِطِ، فَأَخَافَ النَّاسَ فَهُوَ مُخِيفٌ وَ خَافُوهُ فَهُوَ مَخُوفٌ وَ يَتَعَدَّى بِالْهَمْزَةِ وَ التَّضْعِيفِ فَيَقَالُ أَخَفْتُهُ الْأَمْرَ فَخَافَهُ وَ خَوَّفْتُهُ إِيَّاهُ فَتَخَوَّفَهُ. (مصباح المنير)

الْعِلْمُ: إِدْرَاكُ الشَّيْءِ بِحَقِيقَتِهِ، وَ ذَلِكَ ضَرْبَانِ: أَحَدُهُمَا: إِدْرَاكُ ذَاتِ الشَّيْءِ. وَ الثَّانِي: الْحَكْمُ عَلَى الشَّيْءِ بِوُجُودِ شَيْءٍ هُوَ مَوْجُودٌ لَهُ، أَوْ نَفْيِ شَيْءٍ هُوَ مَنْفِيٌّ عَنْهُ. فَالْأَوَّلُ: هُوَ الْمُتَعَدِّي إِلَى مَفْعُولٍ وَاحِدٍ نَحْوُ: «لَا تَعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ»^۳. وَ الثَّانِي: الْمُتَعَدِّي إِلَى مَفْعُولَيْنِ، نَحْوُ قَوْلِهِ: «فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٌ»^۴.

(مفردات)

صَدَقَ قَدْ يَتَعَدَّى إِلَى مَفْعُولَيْنِ نَحْوُ: «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ»^۵، وَ صَدَقْتُ فَلَانَا: نَسَبْتَهُ إِلَى الصِّدْقِ، وَ

۴. ممتحنه: ۱۰.
۵. آل عمران: ۱۵۲.

۱. يوسف: ۵.
۲. لقمان: ۱۳.
۳. انفال: ۶۰.

أَصْدَقْتُهُ: وجدته صادقا، و قيل: هما واحد، و يقالان فيهما جميعا. قال: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ^۱»، «وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمٍ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ^۲». (مفردات)
 بَعَثْتُ: رَسُولًا بَعَثْنَا أَوْ صَلَّيْنَا وَابْتَعَثْتُهُ كَذَلِكَ وَفِي الْمُطَاوَعِ فَأَنْبَعَثَ مِثْلَ كَسْرَتِهِ فَأَنْكَسَرَ وَكُلُّ شَيْءٍ يَنْبَعِثُ بِنَفْسِهِ فَإِنَّ الْفِعْلَ يَتَعَدَّى إِلَيْهِ بِنَفْسِهِ فَيُقَالُ بَعَثْتُ وَكُلُّ شَيْءٍ لَا يَنْبَعِثُ بِنَفْسِهِ كَالْكِتَابِ وَالْهَدْيَةِ فَإِنَّ الْفِعْلَ يَتَعَدَّى إِلَيْهِ بِالْبَاءِ فَيُقَالُ بَعَثْتُ بِهِ. (مصباح المنير)

بَقِيَ: الشَّيْءُ يَبْقَى مِنْ بَابِ تَعَبٍ بَقَاءً وَبَاقِيَةً دَامَ وَتَبَّتْ وَتَعَدَّى بِالْأَلْفِ فَيُقَالُ أَبْقَيْتُهُ. (مصباح المنير)
 تَبَّرَ، يَتَبَّرُ وَ يَتَّبِرُ مِنْ بَابِي قَتَلَ وَ تَعَبَ هَلَكَ وَ يَتَعَدَّى بِالتَّضْعِيفِ فَيُقَالُ تَبَّرَهُ وَ الْأَسْمُ التَّبَارُ وَ الْفِعَالُ بِالْفَتْحِ يَأْتِي كَثِيرًا مِنْ فَعَّلَ نَحْوَ كَلَّمَ كَلَامًا وَ سَلَّمَ سَلَامًا وَ دَعَّ وَ دَاعَا. (مصباح المنير)
 ثَبَّتَ: الشَّيْءُ يَثْبُتُ ثُبُوتًا دَامَ وَ اسْتَقَرَّ فَهُوَ ثَابِتٌ وَ بِهِ سُمِّيَ وَ ثَبَّتَ الْأَمْرَ صَحَّ وَ يَتَعَدَّى بِالْهَمْزَةِ وَ التَّضْعِيفِ فَيُقَالُ أَثْبَتَهُ وَ ثَبَّتَهُ. (مصباح المنير)

حَادَ: عَنِ الشَّيْءِ يَحِيدُ، حَيْدَةً وَ حَيْوَدًا تَنَحَّى وَ بَعُدَ وَ يَتَعَدَّى بِالْحَرْفِ وَ الْهَمْزَةِ فَيُقَالُ حَدْتُ بِهِ وَ أَحَدْتُهُ مِثْلَ ذَهَبَ وَ ذَهَبْتُ بِهِ وَ أَذْهَبْتُهُ. (مصباح المنير)
 حَرَسَ يَحْرُسُ، وَ يَحْتَرِسُ أَي: يَحْتَرِزُ: فِعْلٌ لَازِمٌ. وَ الْأَحْرَسُ هُوَ الْأَصْمُ مِنَ الْبَنِيَانِ. (العين)

متعدی با حروف جر

یکی از طرق متعدی کردن فعل لازم در زبان عربی به کار بردن یکی از حروف جر همراه با فعل می باشد. این موضوع که فعل با چه حرفی متعدی شده باشد در ترجمه تاثیر گذار است. لذا در معاجم حروفی که استعمال آنها با فعل موجب تغییری در معنا می شود بیان می شود مانند:

الدَّفْعُ: ردّ کردن و دور کردن، ولی اگر با حرف (الی) متعدی شود، به معنی دادن و رساندن است. مانند «فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ^۳». و اگر با حرف (عن) متعدی شود، به معنی - حمایت - خواهد بود، مثل آیه: «إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا^۴». (مفردات الفاظ قرآن)

نمونه دیگر فعل «رغب» است. اگر این فعل با حرف «فی» یا «الی» بیاید «رَغِبَ فِيهِ» و «رَغِبَ إِلَيْهِ» بر علاقه و تمایل شدید دلالت می کند. خدای تعالی گوید: «إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ^۵». ولی اگر گفته شود -رَغِبَ عَنْهُ- دوری و بی میلی نسبت به چیزی را می رساند، مثل آیه: «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ^۶». (مفردات)
 نمونه دیگر ماده «سؤال» است. وقتی سؤال برای تعریف و آگاهی باشد به مفعول دوّم متعدی می شود که

۵. توبه: ۵۹.

۳. نساء: ۶.

۱. بقره: ۱۰۱.

۶. بقره: ۱۳۰.

۴. حج: ۳۸.

۲. مائده: ۴۶.

گاهی فعل به خودی خود و گاهی با حروف جرّه متعدّی می شود، چنانکه می گویی- سَأَلْتَهُ كَذَا و سَأَلْتَهُ عَنْ كَذَا و بكذا- که متعدّی با حرف (عن) بیشتر است، در آیات: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ». «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ ۚ» و «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقِيعٍ ۚ» ولی اگر- سؤال- برای درخواست باشد آن فعل یا بنفسه و یا با حرف (من) متعدّی می شود، مثل آیه: «وَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ». (مفردات الفاظ قرآن)

پرسش و تمرین

۱. چه مواردی از حالات مختلف اسم را با مراجعه به معاجم می توان پیدا کرد؟
۲. چه مواردی از هر فعل در یک معجم بیان شده است؟
۳. با مراجعه به معاجمی که آشنا شده اید برای هر واژه حداقل یک مشتق ذکر کنید.
۴. با مراجعه به معاجم معرفی شده مذکور و موثّق بودن واژگان زیر را مشخص کنید:
 الْمُئْتَلَى (صحاح) السَّبِيلُ (مصباح المنیر) الْكُمَيْتُ (صحاح) النَّوْبُ (مصباح المنیر)

فیدر قابل استناد (دفتر تلویین متون درسی حوزه های علمیه)

درس نوزدهم

شناخت موضوعات مطرح در معاجم (۳)

در دو درس قبل برخی از موضوعات مطرح در معاجم را بیان کردیم، تشخیص ماده و ضبط کلمه و حالت های مختلف یک اسم مانند: جمع و مذکر همچنین حالات مختلف فعل مانند: فعل متعدی و لازم و... از جمله این موارد بود. در این درس با ترکیبات مختلف کلمات و برخی از اصطلاحات معاجم مانند: فصیح، معروف، مهممل آشنا می شویم. همچنین نمونه هایی از اعلام، شواهد و استنادات، نقل قولها و... ذکر شده در معاجم را بیان می کنیم.

ترکیب ها

در مواردی که واژه با کلمه دیگری به کار می رود معنای جدیدی می یابد که در معجم معنای چنین ترکیبی ذکر شده است.

در ترکیب هایی که اصطلاح شده اند ما نمی توانیم با یافتن معنای یک به یک واژه ها و کنار هم قرار دادن آنها به معنای ترکیب برسیم. مانند ترکیب واژه «دست» در فارسی با واژه های «فروش» و «تر» در هیچ یک از این ترکیب ها، دست به معنای یک عضو بدن نیست و هیچ کس دست خود را نمی فروشد، بلکه منظور فروشنده ای است که اموالی مختصر دارد که نیازی به دکان ندارد و حمل و نقل آن به راحتی

صورت می‌گیرد، و «تردست» نیز به معنای شعبده باز به کار می‌رود. در عربی نیز واژه «ید» همین گونه است. ترکیب «مبسوط الید» و «طویل الید»، نه به معنای دست گستر و یا دست دراز، بلکه به معنای قدرتمند به کار می‌رود.

عبد از عُبُودِیَه به معنای اظهار فروتنی و طاعت و فرمانبرداری (از حق) است، ولی ترکیب «طریق مُعَبَّد» به معنای راهی است که در اثر کثرت رفت و آمد، برای راه رفتن هموار و آماده شده است. (مفردات الفاظ قرآن) عجم از العُجْمَة: به معنای گنگی و لکنت زبان، نقطه مقابل روشن گویی است. و اِعْجَام: ابهام و درهم و برهم گفتن، و گاه به معنای خارج ساختن از عجمه و گنگی است، چنان که به نقطه گذاری حروف مشابه مثل د و ذ اِعْجَام گویند زیرا آن دو را از ابهام خارج ساخته و موجب تمایز آن دو حرف مشابه از یکدیگر می‌شود، حال، در ترکیب «فَلانٌ صُلْبُ المَعْجَمِ»: به معنای «او سخت آزموده و کم نظیر است» آمده است.

(مفردات الفاظ قرآن)

عصم از: العَصْمُ: امساک یا نگه داشتن و حفظ کردن. که با ترکیب با غراب «غرابٌ أَعْصَمٌ»: به معنای «کلاغی که در پایش پر سپید وجود دارد» می‌آید. (مفردات الفاظ قرآن)

شواهد و استنادات

در متن معاجم معمولاً برای هر معنا که ذکر می‌شود شاهد و مستندی از اشعار و سخنان عرب یا ضرب المثل، حدیث و قرآن شاهد برای آن آورده می‌شود.

استعمالی که ذکر می‌شود یا برای اثبات ادعا است یا برای تائید و تاکید معنا می‌باشد.

معمولاً شواهد شعری در دو منظور مورد استفاده قرار می‌گیرند:

الف: شواهد شعری تفهیمی که تنها برای تفهیم بهتر معنا، مفید هستند؛

ب: شواهد شعری دلیلی که حالت دلیلیت برای اثبات معنایی دارند، و برای این منظور مورد تمسک

قرار می‌گیرند؛

اصطلاحات

یکی از بخش‌هایی که در معاجم مورد توجه اند بیان معنای اصطلاحی است. معنای اصطلاحی در حقیقت آن معنایی است که در عرف خاص علمی از واژه برداشت می‌شود و ارتباط معنایی آن با معنای لغوی همیشه واضح نیست.

بیان معنای اصطلاحی کلمات و یا به عبارت دیگر تعریف اصطلاحات اغلب در معاجم متأخر مانند القاموس المحيط و تاج العروس و المعجم الوسیط و نظائر آنها دیده می شود. معجم المصباح المنیر و المعجم الوسیط سرشار از بیان معنای اصطلاحی کلمات است.

اعلام

اعلام شامل نامهای اشخاص، شهرها، قبائل و غیره ... معمولاً اعلام در آخر مشتقات یک ماده ذکر می شود و در برخی معاجم، نظیر القاموس المحيط فیروزآبادی اعلام به فراوانی نام برده شده است. برای مثال در ذیل ماده «عرب» در لسان العرب چنین آمده است: العَرَبَاتُ: طَرِيقٌ فِي جَبَلٍ بِطَرِيقِ مِصْرَ، وَ عَرِيبٌ: حَيٌّ مِنَ الْيَمَنِ. وَ ابْنُ الْعَرُوبَةِ: رَجُلٌ مَعْرُوفٌ. وَ فِي الصَّحاح: ابْنُ أَبِي الْعَرُوبَةِ، بِالْأَلْفِ وَ اللَّامِ. وَ عَرَابَةٌ، بِالْفَتْحِ: اسْمٌ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ مِنَ الْأَوْسِ.

تحلیل و نقل قول ها

یکی دیگر از بخش های قابل توجه و مهم معاجم جداسازی گزارش ها و نقل قول های لغوی از تحلیل های نویسندگان معاجم است. اهمیت این بخش بدان جهت است که پژوهشگر بداند کدام بخش لغت نقل و گزارش است و کدام بخش برداشت و تحلیل خود لغوی، تا اولاً با تأمل در تحلیل های لغوی روش تحلیل لغت را از آنها بیاموزد، و ثانیاً بتواند خود با دقت و تأمل در گزارشها و استعمالات عرب احیاناً تحلیلها و برداشتهای دقیق تری در معنای کلمات ارائه دهد و استنباط کند. باید توجه داشت چنین نیست که همیشه برداشتهای لغویان صائب بوده و آخرین سخن را در باره معنای لغت بیان داشته باشند. اختلاف لغویان در بیان معنای بعضی کلمات دلیل آن است که می توان با تأمل در کاربردها و استعمالات عرب اصیل معانی جدید و متفاوت و دقیق تری از بعضی کلمات، به ویژه کلمات قرآن ارائه داد. نمونه ای از جداسازی نقل ها و گزارش ها از تحلیل های مؤلفان معاجم عبارت است از:

ابن فارس در باره معنای «أَثَلٌ» می نویسد: الهمزة و الثاء و اللام يدلُّ على أَضْلُ الشَّيْءِ وَ تَجْمُوعِهِ قال الخليل: الأَثَلُ شَجَرٌ يُشَبِّهُ الطَّرْفَاءَ إِلَّا أَنَّهُ أَعْظَمُ مِنْهُ وَ أَجُودُ عُوْدًا مِنْهُ، تُصَنَعُ مِنْهُ الْأَقْداحُ الْجِيَادُ. قال أبو زياد: الأَثَلُ مِنَ الْعِضَاهِ طُوْالٌ فِي السَّمَاءِ، لَهُ هَدَبٌ طُوْالٌ دُقَاقٌ لَا شَوْكَ لَهُ. قال الخليل: تقول أَثَلُ فلانٌ تأثيلاً، إذا كثرت ماله و حسنت حاله. که جمله اول تحلیل لغوی ابن فارس در مقایسه و جملات بعدی نقل قول از لغویون دیگر است.

لهجه‌ها

یکی از مسائلی که بعضی معاجم به ویژه معاجم متقدم گاه و بی گاه به آن توجه نشان داده اند انتساب بعضی کاربردهای کلمات و بعضی معانی به لهجه‌های مختلف عربی است. در بررسی لهجه‌ها، تقسیمات جغرافیایی از حجاز، نجد، یمامه، عمان، یمن و شام و تقسیمات قبیله‌ای مانند قریش، تمیم، طیء و دیگر قبایل مورد نظر است. هم چنین گاه نمونه‌هایی از گویش‌های تاریخی عرب چون سبا، حمیر، جرهم، عمالقه، مدین و غسان و معانی متعلق به این گویشها نیز ذکر می شود. به صورت کلی می توان گفت که در جایی که واژه «لغة» بیايد لهجه خاصی مقصود است، مانند:

اللُّبُّ: العقل، و جمعه: أَلْبَاب. يقال: لَبَّ يَلْبُ مثل عضَّ يعضُّ، أي صار لَبِيْباً. هذه لغة أهل الحجاز، و أهل نجد يقولون: لَبَّ يَلْبُ، بوزن فَرَّ يَفِرُّ. (نهایه ابن اثیر) الْجَدْتُ: القبر و الْجَمْعُ أَجْدَاتٌ مثل سَبَبٍ و أَسْبَابٍ و هذه لُغَةٌ تِهَامَةٌ و أَمَّا أَهْلُ نَجْدٍ فَيَقُولُونَ (جَدَفٌ) بِالْفَاءِ. (مصباح المنیر) وَثَبٌ: يقال: وَثَبَ وَثْبًا و وَثُوبًا و وَثَابًا و وَثِيْبًا، و المرة الواحدة: وَثْبَةٌ. و فی لغه حمیر: ثَبٌ معناه: اقعد. (العین) السُّمُودُ: الغنَاءُ فی لغه حمیر، يقال: اسْمُدِي لَنَا، أي: اغني لنا. (تهذيب اللغة) خَبَعٌ: الخَبْعُ: الخبء في لغه تمیم، يجعلون بدل الهمزة عينا. (العین) و قال الفراء في قول الله: «أَيُّمَسِكُهُ عَلَى هُونٍ» . قال: الهُونُ في لغه قریش: الهَوَانُ. قال: و بعضُ بنی تمیم يَجْعَلُ الهُونُ مصدرًا للشئ الهَيِّنِ. (تهذيب اللغة)

خصائص حروف

یکی دیگر از موضوعات مطرح در معاجم ویژگی‌های حروف واژگان می باشد. گاهی بیان شده است که چه حروفی در یک واژه با هم ذکر می شوند یا چه حروفی با یکدیگر نمی آیند. در مواردی هم برای حروف معنای خاصی ذکر شده است که در ادامه به نمونه‌های از این موارد اشاره می شود:

مثلاً از هری در باره جایگاه و با هم آمدن حروف مختلف در یک کلمه می نویسد: لا تأتلف الصادع السین و لا مع الزای فی شیء من کلام العرب. يقال: اسْتَرَطَ الطعامَ: إِذَا ابْتَلَعَهُ. و قولُ الله جَلَّ و عَزَّ: «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^۲، كَتَبْتُ بِالصَادِ، و الأصل السِّينُ، و معناه: تَبَّتْنَا على المنهاج الواضح. و قال الفراء: المَوارد: الطَّرِيقُ إِلَى الماءِ، و أَحَدُهَا مَوْرِدَةٌ. و قال الفراء: إِذَا كَانَ بَعْدَ السِّينِ طَاءٌ أَوْ قَافٌ أَوْ غَيْنٌ أَوْ خَاءٌ فَإِنَّ تِلْكَ السِّينَ تُقَلِّبُ صَادًا. قال: و نفر من بَلْعَنْبَرٍ يَصَيِّرُونَ السِّينَ إِذَا كَانَتْ مَقْدَمَةً ثُمَّ جَاءَتْ بَعْدَهَا طَاءٌ أَوْ قَافٌ أَوْ غَيْنٌ أَوْ خَاءٌ صَادًا. و ذلك أن الطاء حرف تَضَعُ فيه لسانك في حَنَكِكَ فيُنطَبِقُ به الصوت، فُقَلِّبَتِ السِّينُ

صَاداً صُورَتَهَا صُورَةُ الطَّاءِ، وَاسْتَخْفُوها لِيَكُونَ المَخْرَجُ واحداً، كما اسْتَخْفُوا الإِدْغَامَ؛ فَمِنْ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ: السَّرَاطُ وَالصَّرَاطُ، قَالَ: وَهِيَ بِالصَّادِ لَغُهْفُرِيَشِ الأَوَّلِينَ الَّتِي جَاءَ بِهَا الكِتَابُ؛ قَالَ: وَعامَّةُ العَرَبِ تَجْعَلُهَا سِيناً. وَقَالَ غَيْرُهُ: إِنَّمَا قِيلَ لِلطَّرِيقِ الوَاضِحِ: سِرَاطٌ لِأَنَّهُ كان يَسْتَرِطُ المارَّةَ لكَثْرَةِ سُلُوكِهِمْ لِاحِبِّهِ. (تهذيب اللغة)

و يا مصطفوی در باره صفت حروف و نقش آن در نوع معنای ماده «قنط» می نویسد: قنط: أن الأصل الواحد في المادة: هو اليأس الشديد، و يدلّ على الشدّة حرفا القاف و الطاء، فانّهما من حروف الجهر و الشدّة و الضغط و الاستعلاء. بخلاف السين و الباء. فالباء من حروف الجهر و الرخاوة و الاستفال و السكون. و السين من الهمس و الرخاوة و الاستفال و السكون. (التحقيق)

و ابن فارس در باره جمع در حرف یاء و همزه در آغاز کلمه می نویسد: یأس: کلمتان: إحداهما اليأس: قطع الرجاء. و يقال إنه ليست ياء في صدر كلمة بعدها همزة إلا هذه. يقال منه: يئس يئأس و يئس. (مقاییس)

برخی از اصطلاحات معاجم

فصیح

کلمات فصیح به کلماتی گویند که برگرفته از یکی از لهجه های فصیح عربی باشد. به عبارت دیگر هر گاه کلمه ای مورد استعمال در یکی از قبایل برخوردار از زبان و لهجه فصیح باشد، لغوی در باره آن کلمه صفت «فصیح» به کار می برد. زبان شناسان برای معرفی و شناخت کلمات فصیح معیارهایی تعیین و معرفی کرده اند که بعضی از آن معیارها عبارت است از:

کثرت استعمال کلمه در زبان عربی؛
ناخوشایند نبودن تلفظ و شنیدن آن کلمه.

نمونه هایی از توجه و تصریح به فصاحت کلمه در معاجم مختلف:

الخَزُّ: معروف عربي صحيح، قد جاء في الشعر الفصيح. (جمهره اللغة) و قال اللّحِيانِيّ: يقال: أُجْبِرْتُ فلاناً على كذا، أُجْبِرُهُ إجباراً، فهو مُجْبِرٌ، و هو كلام عامّة العرب أي أَكْرَهُتُهُ عليه. و تَمِيمٌ تقول: جَبْرْتُهُ على الأمرِ أُجْبِرُهُ جَبْرًا و جُبُورًا بغير ألف. قلت: و هي لُغَةٌ معروفة و كثير من الحجازين يقولونها. و كان الشافعيّ يقول: جَبْرَهُ السلطان بغير ألف، و هو حِجَازِيٌّ فَصِيحٌ. (جمهره اللغة) تلم التاء و اللام و الميم ليس بأصل، و لافيه كلام صحيح و لافصيح. (مقاییس) تَعَسَّ فلانٌ، بالفتح، و الكسر غير فصيح. (اساس البلاغه)

مهمل

مهمل خلاف مستعمل است، یعنی به کلمه‌ای که در زبان عربی استعمال نشده و از آن برای انتقال معنای خاصی بهره نگرفته شده باشد، «مهمل» گویند. کلمات مهمل کلماتی فرضی هستند که با ترکیب حروف ساخته شوند، بدون آن که معنایی داشته باشند، مانند: (ع ك ب، ع ب ك، ك ع ب، ك ب ع، ب ك ع مستعملات و ب ع ك مهمل) (العين) (ع ج د، ج ع د، ج د ع، د ع ج مستعملات د ج ع، ع د ج مهملان) (العين) ع ز م- م ع ز- ز م ع- م ز ع مستعملات ع م ز مهمل. (العين) ت خ ض مهمل و كذلك حالها مع الضاد و الطاء و الظاء. (جمهره اللغة) باب الهمزة و العين و ما بعدهما فی الثلاثی مهمل. (مقایس)

معروف

معروف یعنی این که معنای کلمه در عرف عرب شناخته شده و رایج است. در معاجم بسیار می شود که صاحب معجم در باره معنای کلمه‌ای می نویسد «معروف» مثلاً ابن فارس در باره «تین» می نویسد: التاء و الياء و النون ليس أصلاً، إلا التَّين، و هو معروفٌ. (مقایس) یا قیومی در باره معنای «برق» نوشته است: البرقُ: معروفٌ و بَرَقَتِ السَّمَاءُ بَرَقاً مِنْ بَابِ قَتَلَ. (مصباح المنير) نیز: البوقُ: بالضمّ معروفٌ و الجمعُ بوقَاتٌ و بيقَاتٌ بالكسْرِ. (مصباح المنير) و راغب در باره «خبز» آورده است: الخُبْزُ معروفٌ قال الله تعالى: «أَحْمِلْ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزاً». (مفردات) نیز: الرُّمَانُ: فُعْلَانٌ، و هو معروفٌ. (مفردات) و زبیدی در باره «شیخون» می نویسد: الشَّيْخُ و الشَّيْخُونَ، قال شيخنا: الثَّانِي غَرِيبٌ غَيْرُ مَعْرُوفٍ فِي الْأَمْهَاتِ المشهورة، و أوردَه بعضُ شُرَّاحِ الفَصِيحِ. (تاج العروس)

معرب

مُعَرَّب کلمه‌ای ای را گویند که در اصل غیر عربی بوده و عرب آن را به دلیل روابطی که با غیر عرب داشته آن را پذیرفته و در زبان خود وارد کرده است، سپس در بعضی موارد در آن تصرفاتی کرده و در بعضی موارد بدون هر گونه تصرفی، آن را در زبان خود استخدام و از آن استفاده کرده است. نمونه‌ای از گزارش معاجم از کلمات معرب و معانی آن که در آن تصرف و تغییراتی در کلمه ایجاد شده عبارت است از:

التَّيْرُوزُ: فَيَعُولٌ يَفْتَحُ الْفَاءَ و (النُّورُوزُ) لُغَةٌ وَ هُوَ مَعْرَبٌ وَ هُوَ أَوَّلُ السَّنَةِ لِكِنَّةِ عِنْدَ الْفَرَسِ عِنْدَ نَزُولِ الشَّمْسِ
أَوَّلَ الْحَمْلِ وَ عِنْدَ الْقَيْطِ أَوَّلَ تَوْتِ وَ الْيَاءُ أَشْهَرُ مِنَ الْوَاوِ لِفَقْدِ قُوْعُولٍ فِي كَلَامِ الْعَرَبِ. (مصباح المنير)

التَّرْجِسُ : معروف ، و هو معرب . (العين)(العين) الدال و السين و التاء ليس أصلاً ، لأنَّ الدَّسْتَ الصَّحْرَاءُ هو فارسيٌّ مُعْرَبٌ . (مقاييس) و الأُنُوسُ : بِضَمِّ الباءِ حَشَبٌ معروف و هو مُعْرَبٌ و يُجْلَبُ مِنَ الهِنْدِ و اسْمُهُ بِالْعَرَبِيَّةِ سَأَسَمَ بِهِمْزَةً وَزَانَ جَعْفَرُ وَ الأَبْنُسُ بحذف الواو لغةً فِيهِ . (مصباح المنير) البُسْتَانُ : فُعْلَانٌ هُوَ الجَنَّةُ قال الفَرَّاءُ عَرَبِيٌّ و قال بَعْضُهُمْ رُومِيٌّ مُعْرَبٌ و الجمعُ البَسَاتِينُ . (مصباح المنير) الكَاغُدُ : مَعْرُوفٌ يَفْتَحُ العَيْنَ وَ بالدَّالِ المُهْمَلَةِ وَ رَبِّمَا قِيلَ بالدَّالِ المُعْجَمَةِ وَ هُوَ مُعْرَبٌ . (مصباح المنير) الإِبْرِيْقُ فَارِسِيٌّ مُعْرَبٌ و الجمعُ الأَبَارِيْقُ . (مصباح المنير)

پرسش و تمرین

۱. دو نمونه از هر یک از متعدی ، لازم ، چند مفعولی ، متعدی به حرف جر را با مراجعه به معاجم پیدا کنید .
۲. انواع ترکیبات که در معاجم مطرح شده را با ذکر مثالی توضیح دهید .
۳. از هر نمونه از ترکیبات مطرح در معاجم یک مثال پیدا کنید .
۴. از اصطلاحات خاص معاجم فصیح و معرب را توضیح دهید .
۵. با مراجعه به معاجم نمونه ای از نقل قول ها ، شواهد و استنادات ، لهجه ها پیدا کنید .

فیدر قابل استناد (دفتر تلویین متون درسی حوزه های علمیه)

مدخل یابی

حال که با مباحث مهم مطرح در معاجم از قبیل مادّه و ضبط، و انواع هیات های صرفی افعال و اسماء آشنا شدیم در این درس با مدخل یابی کلمات عربی آشنا می شویم تا بدانیم مادّه کلمه مورد نظر چیست.

مدخل یابی

اولین مرحله در مراجعه به معاجم شناخت ماده اصلی کلمه برای پیدا کردن آن ماده در معجم می باشد. در مراجعه به معاجم برای پیدا کردن مکان کلمه مورد نظر، شناخت ماده اصلی کلمه لازم است. کلمات در علم صرف به صحیح، مهموز و معتل و مضاعف تقسیم می شود. در کلمات صحیح حروف اصلی مشخص است و در باقی اقسام کلمات در مواردی که اعلال ندارد مانند صیغه های اول، پیدا کردن اصل صرفی آسان است. اما کار در کلماتی که مشمول تصریفات خاصی همچون ابدال، اعلال، ادغام و حذف شده اند، دشوارتر خواهد بود؛ برای نمونه گاهی حرف عله در صورت حذف در صیغ دیگر به حالت اولیه برگردانده می شود. علمای صرف در بعضی از این کلمات اختلاف کرده اند و آن ها را به عنوان صیغ مشکله در کتاب های صرف ذکر نموده اند.

راهکارهایی که به تشخیص حروف اصلی کلمه کمک می کنند عبارتند از:

۱. هیات صرفی: بخشی از کلمات به واسطه قالب مشخصی که بیان گر هیئت صرفی و شکل ظاهری

ساختمان آنهاست، حروف اصلی و زائده‌شان مشخص می‌شود مثل اسم فاعل، مفعول صفت، اسم آلت، زمان و مکان و ابواب ثلاثی مزید و رباعی.

۲. **شناخت قواعد اعلال و ابدال و وزن**: در قواعد اعلال مشخص می‌شود این حرف تبدیل یافته از چه چیزی است مانند یاء در قیل که تبدیل یافته از واو است. و در قواعد وزن حروف اصلی اگر در کلمه تکرار شود در وزن تکرار نمی‌شود.

۳. **رجوع به کلمات همجنس**: دسته زیادی از اسمای زبان عربی در زبان فارسی مورد استفاده قرار می‌گیرند به همین جهت معانی آنها یا دقیقاً همان چیزی است که در عربی استفاده می‌شود مثل تعلیم تعلم یا نزدیک به آن و شخص به طور اجمالی معنای آن را می‌داند. بنابراین معانی بسیاری از کلمات قابل ارجاع به همان معنای اجمالی است که شخص از آن اطلاع دارد. از روی این ارتکاز می‌توان کلمات هم‌جنس را پیدا کرد. و از مقایسه آنها با یکدیگر می‌توان به حروف اصلی و زائد پی برد: مثل ذهاب ذهاب مذهب.

۴. **تشخیص حروف زائد و اصلی از طریق شناخت ده حرف زائد که عبارتند از: «س.ع.ل.ت.م.و.ن.ی.ه.ا»** که در کلمه «سألتمونیها» قابل به یادسپاری است. از روی این حروف می‌توان به حدس یا احتمال نسبتاً قوی در تشخیص حروف اصلی و زائد دست یافت.

۵. رجوع به لغت نامه‌های معاصر که به ترتیب هیات کلمات است نه ماده و یذهب را در یاء آورده و به ترتیب حروف کلمه است.

۶. برای تشخیص مبدأ اشتقاق می‌توان به تحوّل‌های صرفی آن کلمه مراجعه کرد و ریشه اشتقاقی آن را به دست آورد و چون در جمع مکسر، تصغیر و نسبت، هر کلمه‌ای به مبدأ اصلی خود بر می‌گردد، می‌توان استشهاد کرد که کلمه اسم از سُمُو مشتق است، نه از وَسْم؛ زیرا جمع آن «اسماء» است، نه «أوسام» و تصغیر آن «سُمّی» است، نه «وُسّیم».

لازم به تذکر است با توجه به این که در این مرحله آموزشی به تحلیل لغت نپرداخته‌ایم و هدف اساسی، توانایی فهم معانی ذکر شده در معاجم می‌باشد نیازی به اتخاذ مبناهای لغوی و یا دسته‌بندی معانی ذکر شده در هر معجم نمی‌باشد؛ ولی در تحلیل لغت اینکه چه مبنایی را انتخاب کنیم، در دسته‌بندی معانی و ادامه مراحل تحلیل لغت، تاثیرگذار است، که خود نیاز به آموزش جداگانه‌ای داشته و در این مختصر نمی‌گنجد.

پرسش و تمرین

۱. راهکارهایی که به تشخیص حروف اصلی کمک می کنند را نام ببرید.
۲. چه حروفی می توانند جزء حروف زائد یک کلمه قرار بگیرند؟ تشخیص آنها چه کمکی به پیدا کردن حروف اصلی می کند؟
۳. بعد از پیدا کردن مدخل هر واژه چه مراحل باید طی شوند؟ نام ببرید.
۴. ماده هر یک از واژگان زیر را با مراجعه به سه لغت نامه ای که تاکنون آشنا شده اید بنویسید:
رجاء عفو قساوت رب انسان جود تقوا صله حیوة یقزی

فیدر قابل استناد (دفتر تلویین متون درسی حوزه های علمیه)

آشنایی با روش های لغت شناسی

روش شناسی از مهم ترین مبانی ای است که در هر دانش در مرحله آموزش می بایست مورد توجه قرار بگیرد. چون هر علمی روش خاص خود را دارد. در درون علوم نیز در حل و کشف مسایل هر علم، اختلاف شیوه و روش وجود دارد که معمولاً به اختلاف مبانی دانشمندان آن علم، باز می گردد. لغویان در معنا کردن لغت همه از یک روش و شیوه بهره نگرفته اند، بلکه برخی به نقل شنیده های خود از اعراب اکتفا می کنند و برخی بعد از تحلیل نقل ها به بیان معنای واژه می پردازند. روش نقل و روش تحلیل مهم ترین روش لغت شناسی است که در این درس به آن می پردازیم:

روش نقل لغت

در ابتدا لغویان معاجم پیرو روش نقل با تحمل مشقات فراوان به مناطق بادیه نشین سفر می کردند و با شنیدن (سماع) مستقیم از اعراب به ضبط معنای کلمات می پرداختند. البته شنیدن از عرب فصیح، مبنای اصلی گردآوری لغات بود و در قرون بعدی که رساله ها و کتب کوچک لغت تدوین شد، نقل معانی از آنها و افزودن لغات و معانی جدید، موجب توسعه معاجم گردید. در این روش، تکیه لغوی روی نقل است و منظور از «نقل»، گزارش با واسطه شخص یا اشخاص از عرب بادیه نشین یا لغویان پیشین در مورد معنای واژه است. نظیر خلیل ابن احمد، زمخشری و جوهری.

راه‌های نقل را نظیر آنچه در علم حدیث اصطلاح شده، به‌خبر واحد و متواتر تقسیم کرده‌اند. مقصود از خبر واحد، گزارش یک لغوی در مورد معنای واژه است که لغوی دیگری با او همراه نباشد. برخی از محققان در مورد اخبار واحد، فقط سخن لغویانی مانند خلیل و اصمعی را حجت می‌دانند؛ چه اینکه این افراد، اهل دقت در ضبط می‌باشند. این مسئله ضرورت مراجعه به منابع متنوع لغت را برای تحقیق درباره معنای هر واژه به‌ما گوشزد می‌کند. نقل متواتر نیز به نقلی می‌گویند که معنای واژه به قدری در معاجم معتبر و متفاوت تکرار شده که احتمال خلاف در آن منتفی باشد.

معروف است که لغت را باید از اعرابی (بادیه‌نشینان) و قواعد را از شهرنشینان گرفت. این مسئله با توجه به گرایش نحویان و حوزه تدریس و مدرسه آنها و منطقه‌ای که در آن می‌زیسته‌اند، می‌تواند در قضاوت درباره واژگان تأثیرگذار باشد. چنان‌که گفته‌اند کوفیان در لغت و بصریان در قواعد نحوی صائب ترند.

همان‌طور که در روایات، سلسله سند مهم است، در روش نقل نیز باید راوی در نقل از معاجم پیشین مشخص باشد. در زمان قدیم شاگردان با خواندن و املائی استاد، کتاب می‌نوشتند، بعد کتاب را نزد استاد می‌خواندند و هنگامی که کتاب تمام می‌شد، دو بار خوانده شده بود؛ یک بار استاد برای شاگرد و بار دوم شاگرد برای استاد. متن پس از تطبیق با کتاب استاد، مورد امضای وی قرار می‌گرفت و اجازه نقل داده می‌شد. در مورد تمام نسخه‌های مهمی که قرار بود اعتبار تاریخی خود را حفظ کند، به همین روال عمل می‌شد.

در نقل از معاجم نیز این سلسله سند برای اعتبار نقل لازم است؛ نظیر سلسله نقل ابن فارس: اما کتاب الخلیل بن احمد فقد حدثني به علي بن ابراهيم القطان فيما قرأت عليه قال: اخبرنا ابو العباس احمد بن ابراهيم المعداني، عن ابيه ابراهيم بن اسحاق، عن بندار بن لزة الاصفهاني، و معروف ابن حسان، عن الليث، عن الخليل.

و سلسله سند سیوطی از نسخه‌ی العین که در اختیار داشته است:

روی ابو علی العسنانی کتاب العین، عن الحافظ ابي عمر بن عبد البر، عن عبد الوارث بن سفیان، عن القاضي منذر بن سعيد، عن ابي العباس احمد بن محمد بن ولاد النحوی، عن ابيه، عن ابي الحسن علی بن مهدی، عن ابي معاذ عبد الجبار بن یزید، عن الليث بن المظفر بن نصر بن سيار عن الخليل لازم به ذکر است که شهرت کتب امروزه که براساس نسخه‌های صحیح چاپ می‌شود از بررسی سندی

این معاجم کفایت می کند.

روش تحلیل لغت

در روش تحلیل، علاوه بر تکیه بر گزارش های لغویان پیشین، خود لغوی نیز تحلیلی از معنای واژه بیان می کند؛ یعنی نقل به همراه نظر اجتهادی لغوی در مورد معنای واژه است، اما مرزهای تحلیل در لغت تاکجاست و لغوی تا چه اندازه می تواند در لغت اجتهاد و تحلیل انجام دهد. آنچه مسلم است فضای لغت و زبان، فضای نقل است و دست لغوی چنان باز نیست که هر معنایی را که بخواهد، به واژه نسبت دهد. در مورد محدوده تحلیل دو نوع تفسیر وجود دارد:

تفسیر نخست: تحلیل برای یافتن معنای مشترک بین مشتقات و استعمالات که با بررسی استعمالات و مشتقات ریشه، معنایی را مشخص می کنند. این فارس در مقایسه و راغب در مفردات هر یک به گونه ای این روش را پی گرفتند. شما نیز پس از گذراندن مراحل آموزشی این دانش تا مرحله تسلط بر آن، تا حدودی خواهید توانست با بررسی دقیق استعمالات و مشتقات به تحلیل لغوی کلمات اقدام کنید.

تفسیر دوم: جمع بندی از بین معنای مطرح در معاجم گوناگون است. در این روش مراجعه کننده با گردآوری معنای مطرح در معاجم مهم ذیل یک ماده در جمع بندی نهایی از میان آنها معنایی را استنباط می کند که ممکن است منطبق بر هیچ یک از نظرات آن معاجم نباشد و می توان آن را معنایی جدید دانست. باید توجه داشت که چون معمولاً این معنای جدید بدون شاهد و استناد به متون و شواهد منقول به دست آمده است. چندان قابل اعتماد نخواهد بود.

در روش تحلیل از قواعدی استفاده می شود از جمله قواعد اشتقاق اعم از صغیر و کبیر و اکبر است، با قواعد اشتقاق صغیر است که معنای هیات های مختلف در کلمه مثل صیغه مبالغه و اسم تفضیل و... مشخص می شود. همچنین برخی از لغویان بر جسته با قواعد اشتقاق کبیر و اکبر به تحلیل معنای کلمات پرداخته اند و در بین کلمات با حروف مشابه قواعدی را حاکم می دانسته اند و با استفاده از آن قواعد کلمات مشابه را معنا می کردند. آشنایی با این قواعد می تواند به تحلیل معنای کلمات مشابه کمک کند.

نیز می توانیم در مواردی که معنای کلمه ای را نمی دانیم با لحاظ معنای کلمات مشابه آن، به معنای مورد نظر نزدیک شویم. مثلاً فاطر و فاطمه طبق قواعد اشتقاق معنایی مشابه یکدیگر دارند. از جمله کتبی که در تحلیل خود از قواعد اشتقاق بهره جسته اند می توان به معجم مقاییس اللغه ابن فارس اشاره کرد.

مبانی پذیرفته شده هم می‌تواند در روش لغوی تاثیرگذار باشد. این که در وضع قائل به تقدم وضع برای غیر محسوسات باشیم یا مفاهیم، این که مشترک لفظی را بپذیریم یا نه، کلمات قریب المعنا را مترادف محسوب کنیم یا غیر مترادف و دیگر مبانی‌ای که در بخش اول معرفی کردیم هر یک می‌تواند در تحلیل لغت موثر باشد، به عنوان نمونه کسی که قائل به اشتراک لفظی باشد نمی‌تواند در بین معانی ارائه شده به گونه‌ای جامع‌گیری کند که همه معانی ارائه شده را به یک معنا برگرداند.

در یک نگاه کلی می‌توان لغویان و معاجم لغت را به دو گروه کلی تقسیم کرد: لغویان یک گروه صاحب سبک و مکتب؛ و گروه دوم لغویان تابع و پیرو. در ادامه با معرفی نمونه‌هایی از روش‌های لغویان صاحب سبک، به توضیح بیشتر این دو روش می‌پردازیم.

شیوه تحلیل ابن فارس در مقایسه

پیش‌تر اشاره شد که کتاب مقایسه، اولین معجم با روش تحلیل لغت است. در این شیوه، تلاش لغوی برای کشف ارتباط و تناسب بین معنای استعمالی و معنای وضعی است؛ چون برای فهم متون فصیح به معنای وضعی نیاز است، در صورتی که در کتب لغت بیشتر استعمالات واژه بیان می‌شود. در نتیجه چاره‌ای جز تحلیل برای کشف معنای اصلی با استناد به استعمالات مختلف و مشتقات ماده اصلی نیست. ابن فارس در این زمینه مهارت بالایی داشته است.

شیوه تحلیلی ابن فارس چنین است که در صورت امکان، معنای مشترکی را از بین مشتقات استعمال شده یک ماده استخراج کرده و در ابتدا آن را در جایگاه معنای ماده با اصطلاح «اصل» ذکر می‌کند؛ یعنی معنای وضعی را از بین استعمالات آن ماده کشف می‌کند و با پیدا کردن تناسب و ارتباط بین استعمالات، معانی آنها را حتی الامکان به معنای واحد برمی‌گرداند. بنابراین اصل معنایی، بر معنای مشترکی اطلاق می‌شود که در کاربردها و گونه‌های مختلف ریشه لغت، موجود باشد. البته در مواردی که برگرداندن معنای استعمالی به یک معنای وضعی ممکن نبوده یا مطابق عرف عرب نباشد به دو معنا و در موارد نادر به بیش از دو معنا ارجاع داده است. منظور از مقایسه در نام کتاب، وجود ارتباط و تناسب معنایی بین مشتقات یا استعمالات یک ماده است چنانچه در ذیل ماده «جن» چنین آورده است: «جن: الجیم و النون أصل واحد، و هو السُّنَّ و التَّسْتَرُّ؛ معنای اصلی این ماده پنهان کردن و پنهان شدن است»، و مقصودش آن است که سایر معنای باب، برگرفته از این معنا است. برای نمونه:

الجَنَّةُ: باغ (زیرا باغ، به گونه ای است که گویی با نگاه از درون، بیرون آن پوشیده شده و با نگاه از بیرون، درون باغ پوشیده است.)

الجِنُّ: جن (چون از دید مردم پنهان است)

المِجَنُّ (الجَنَّةُ): سپر (به این دلیل که انسان در پشت آن پنهان می شود)

الجِنِّین: فرزند در رحم مادر (به دلیل پنهان بودن آن)

الجَنان: قلب (زیرا در سینه پنهان است)

این فارس در مقایسه بعد از ذکر معنای اصلی این ماده، سخن لغویان پیشین و ابیاتی را برای معنای گفته شده شاهد می آورد و در ادامه، مشتقاتی را بیان می کند که متناسب با معنای اصلی باشد. ویژگی بارز این فارس این است که از ملاحظه میدانی استعمالات به تحلیل رسیده است؛ یعنی مقدمات تحلیلیش میدانی بوده، نه اینکه فقط با اندیشیدن و پیش فرض های خود و جدا از محیط و فرهنگ زبان عربی لغت را تحلیل کند. همین توجه او به فرهنگ عربی باعث شده که خود را ملتزم نکند که همه مشتقات را به یک اصل برگرداند؛ یعنی اگر موادی در زبان عرب ها دو معنی داشته، و همه ای از بیان آن در دو یا چند معنا ندارد؛ برخلاف برخی از لغویان که اصرار دارند همه مواد را به یک معنا بازگردانند. باید توجه داشت که صاحب مقایسه تلاش کرده که تمام مواد واژگان را تحلیل کند و حتی در مواردی که ماده ای بیش از یک یا دو مشتق ندارد، فرایند تحلیل را انجام داده است. و اگر پس از مشخص کردن اصل های ماده، در مواردی نتواند ارتباط مشتقی را با این اصول بیان کند یا اصل جدید برای آن ذکر کند، آن مشتق را با عنوان «شاذ» در ذیل همان ماده می آورد. مانند «الخَلِيف» که به معنای راه بین دو کوه که مشتق از «خلف» است. مقایسه برای «خلف» سه معنا ذکر کرده که عبارتند از: الف) پشت سر هم آمدن، ب) مقابل قدم (پیشانی و جلو)، ج) تغییر و چون نتوانسته معنای «الخَلِيف» را به هیچ یک از این سه اصل معنایی ارتباط دهند به عنوان «شاذ» ذکر شده است.

شیوه راغب در کتاب مفردات:

شیوه راغب در بیان و تحلیل معنای لغت این است که ابتدا معنای اصلی ماده را بیان می کند، سپس با توجه به رابطه معانی استعمالی با معنای اصلی، استعمالات این کلمه را ذکر می کند. وی برای یافتن معنای اصلی، از قرآن، حدیث، ضرب المثل ها، شعرها و اقوال عرب بهره می جوید. برای نمونه در ماده

«خبت»، ابتدا معنای اصلی را ذکر می‌کند: «الخبث: المظمئن من الارض و...». سپس معنای استعمالی را می‌آورد: «ثم استعمل الاخبات استعمال اللین و التواضع» و در ادامه، ارتباط معنای اصلی و استعمالی را بیان می‌کند: «و العلاقة بينهما المشابهة». پس از آن آیاتی را که معانی مشابهی دارند، ذکر می‌کند: «قال... تعالی: «و اخبثوا الی ربهم» و قال: «بشر المخبتین» ای المتواضعین.

راغب در بیان معنای اصلی، مشابه مقایسه عمل کرده، با این تفاوت که او ملتزم به ذکر یک معنای اصلی برای واژه است، ولی ابن فارس گاه تا چند معنای اصلی برای واژه بیان می‌کند. برخی صاحب نظران معتقدند راغب با دقتی که در بیان معنی هر کلمه داشته و سعی کرده در کلمات معنای اصلی آنها را بیان کند، در برخی موارد از آنجایی که وی فقیه و متکلم بوده است، اصطلاحات فقهی و کلامی خود را در یافتن معنای قرآن تأثیر داده است.

شیوه تحلیلی التحقیق

در مورد تحلیل نوع دوم که در درس گذشته بیان شد، می‌توان از کتاب التحقیق فی کلمات القرآن اثر حسن مصطفوی نام برد. بنا بر نظر مولف در مقدمه، معنایی که برای واژه بیان می‌شود با محوریت استعمالات قرآنی واژه است.

صاحب التحقیق قبل از ورود به بحث به بیان اقوال لغویان در تعدادی از معاجم می‌پردازد. در این قسمت به نظر می‌رسد ترتیب زمان تدوین را رعایت نمی‌کند. برای نمونه، کلام مقایسه و مصباح المنیر را کنار هم ذکر می‌کند. وی معنای معاجم را در هر معجم جمع بندی نمی‌کند و گویی در موارد زیادی، معنایی را در ذهن داشته و به تناسب آن معنا، اقوال لغویان را به اندازه‌ای که لازم می‌دانسته ذکر کرده و دیگر توضیحات را حذف کرده است. نکته دیگر اینکه نگارنده برای معنایی که ذکر می‌کند، استدلال لغوی نیاورده است.

ایشان برخلاف کتاب‌هایی مانند مقایسه که معنای مشترک را از بین مشتقات و استعمالات ماده کشف می‌کردند. برخی معتقدند صاحب التحقیق در مواردی با استفاده از تحلیل ذهنی، معنای مشترکی را ارائه نموده است؛ باید توجه داشت که ذهن همواره می‌تواند برای دو ماده متفاوت، معنای مشترکی را بیان کند.

صاحب التحقیق به دلیل اینکه همه واژگان را به اصل واحد بر می گرداند نشان می دهد که ایشان اشتراک لفظی را قبول ندارد به دلائل مذکور برای یافتن معنای یک واژه استناد به این معجم به تنهایی کافی نیست.

پرسش و تمرین

۱. مهم ترین روش های لغویان را توضیح دهید.
۲. دو نوع از روش های تحلیل لغت را بیان کنند.
۳. فرایند تحلیل لغت از نظر ابن فارس را به طور مختصر توضیح دهید.
۴. نظر راغب درباره معنای واحد داشتن هر کلمه چیست و چه تفاوتی با مقایس اللغه دارد؟
۵. در کلمات زیر، معنای اصلی هر کلمه را از نظر راغب و چگونگی رابطه استعمالات را با آنها بیان کنید. صلاح، خرق، ...

فیدر قابل استناد (دفتر تلویین متون درسی حوزه های علمیه)

منابع و مأخذ

۱. ابراهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، تهران: مکتبه المرتضی، ۱۳۸۵.
۲. ابن جنی، عثمان، الخصائص، به کوشش محمدعلی نجار، قاهره، ۱۳۷۴ق/۱۹۵۵م.
۱. ابن درید، جمهره اللغة، به کوشش رمزی بعلبکی، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷م؛
۲. ابن سیده اندلسی، علی بن اسماعیل، المخصص، بیروت: احیاء التراث العربی (بی تا).
۳. ابن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ۶ جلد، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۰۴ هـ ق.
۴. _____، الصاحبی، به کوشش احمد صقر، قاهره، ۱۹۷۷م؛
۵. ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ هـ ق.
۶. ابو الفرج، محمد احمد، المعاجم اللغویة فی ضوء دراسات فی علم اللغة الحدیث، بیروت: دار النهضة العربیة، چاپ دوم، ۱۴۳۰ هـ ق - ۲۰۰۹ م.
۷. ابو هلال عسکری، تصحیح الوجوه و النظائر، تحقیق محمد عثمان، قاهره: مکتبه الثقافة الدینیة، ۱۴۲۸ ق.
۸. _____، معجم الفروق اللغویة الحاوی لکتاب ابی هلال العسکری و جزء من کتاب السید نور الدین الجزایری، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۹. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: نی، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. آخوند خراسانی، کفایة الاصول، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، (بی تا).
۱۱. ارانسکی، ای. ام، مقدمه فقه اللغة ایرانی، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام، چاپ دوم ۱۳۷۹ ش.
۳. اسد تاش، محمدعلی، بررسی کلمات اضداد در قرآن کریم، نشریه صحیفه مبین، دوره دوم، شماره ۱.
۱۲. بابایی و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ ش.
۱۳. بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، سال ۱۳۷۶.
۱۴. قسم القرآن فی مجمع البحوث الاسلامیة، اشراف محمد واعظ زاده خراسانی، مشهد: بنیاد پژوهش های

- اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۱۵. تهانوی، محمد علی، کشاف اصطلاحات الفنون، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶م.
۱۶. ثعالبی، عبدالملک بن محمد، فقه اللغة، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ: اول، بی تا.
۱۷. جعفری، یعقوب، دشواری ترجمه کلمات مترادف در قرآن، مجله ترجمان وحی، اسفند ۱۳۷۶-ش ۲.
۱۸. جنابی، احمد نصیف، نگرشی نو به پدیده «اشترک لفظی» در زبان عربی، ترجمه: حسین علینقیان، شماره ۵۰، المجمع العلمی العراقی «محرم ۱۴۰۵ ترجمه مقاله «ظاهرة المشترك اللفظی و مشکلة غموض الدلالة»
۱۹. جوادى آملی، عبدا...، تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، چ ۱، ۱۳۷۸ش.
۴. جوالیقی، ابومنصور، شرح ادب الکاتب، بیروت: دارالکتب العربی (بی تا).
۲۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ۶ جلد، دار العلم للملایین، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۰ هـ ق.
۲۱. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدا...، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۲۲. دائرة المعارف قرآن کریم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، در یک جلد، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه، اول، ۱۴۱۲ هـ ق.
۲۴. زمخشری، محمود بن عمر، أساس البلاغة، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ق-۱۹۶۵م.
۲۵. _____، الفائق فی غریب الحدیث، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ: اول، ۱۴۱۷ق.
۲۶. _____، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، قم: بلاغت، ۱۴۱۵ق؛
۲۷. سبویه، الکتاب سبویه، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۰ق.
۲۸. السیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه سید محمود دشتی، قم: دانشکده اصول دین، ۱۳۸۴ش.
۲۹. _____، الاتقان، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.

۳۰. _____، المزهر، به کوشش محمد احمد جادالمولی و دیگران، قاهره، ۱۹۸۶م.
۳۱. _____، معترك الاقران فى اعجاز القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
۳۲. شاملی، نصرًا...، نظرگاه ملاصدرا در به کارگیری اسلوب اشتراک معنوی در تفسیر واژگان کلیدی قرآن کریم، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال سوم، شماره اول، ۱۳۸۵.
۳۳. الشرفاوی اقبال، احمد، معجم المعاجم، بیروت: دار العرب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۹۹۳م.
۳۴. صالح ضامن، حاتم، فقه اللغة، القاهرة: دارالآفاق العربیة، ۱۴۲۸هـ-۲۰۰۷م.
۳۵. صبحی صالح، دراسات فى فقه اللغة، بیروت، ۱۹۷۳م.
۳۶. صفوی، کورش، درآمدی بر معنی شناسی، تهران: حوزه هنری، چ ۱، ۱۳۷۹.
۳۷. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فى تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۱ق=۱۹۷۲م.
۳۸. طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان، لجنة من العلماء، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵هـ ق=۱۹۹۵م.
۳۹. طیب حسینی، سید محمود، چند معنایی در قرآن کریم (درآمدی بر توسعه در دلالت های قرآنی)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
۴۰. _____، درآمدی بردانش مفردات قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران، ۱۳۹۰ش.
۴۱. عباس معن، مشتاق، معجم فقه اللغة، لبنان: دارالکتب العلمیه بیروت، ۱۴۲۲هـ-۲۰۰۱م.
۴۲. عبد العزازی، عبدا...، فقه اللغة العربیة؛ دارالطباعة المحمدیه-قاهره ۱۹۷۶م.
۴۳. عبدالنواب، رمضان، مباحثی در فقه اللغة و زبان شناسی عربی، ترجمه حمید رضا شیخی، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس، ۱۳۶۷ش.
۴۴. عیبیدی، رشید عبدالرحمن، مباحث فى اللغة واللسانیات، بغداد: دارالشؤون الثقافیة العامة، چ اول، ۲۰۰۲.
۴۵. عکاشه، محمود، علم اللغة مدخل النظرى فى اللغة العربیة، القاهرة: دارالنشر للجامعات، ۱۴۲۸هـ ق، ۲۰۰۷م.
۴۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ۸ جلد، نشر هجرت، قم-ایران، دوم، ۱۴۱۰هـ ق.
۴۷. فرزانه، بابک، مفردات قرآن، تهران: سمت، ۱۳۸۸ش.

۴۸. الفیاض، محمد اسحاق، محاضرات فی اصول الفقه؛ (بی جا) انتشارات امام موسی صدر، (بی تا).
۴۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ق-۱۹۹۱م.
۵۰. فیومی، احمد بن محمد مقری، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، در یک جلد، منشورات دار الرضی، قم-ایران، اول، ه.ق.
۵۱. قدور، أحمد محمد، فقه اللغة المصطلح و الاسس المعرفیة، اللغة العربیة الاردنی، ربیع الاول و شوال ۱۴۲۱، العدد ۵۹.
۵۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ط ۳، ۱۴۰۳ق=۱۹۸۳م.
۵۳. محمدی، محمد، درس اللغة و الادب، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۹ش.
۵۴. محمود غالی، محمد، المترادفات فی القرآن المجید، مصر: دارالنشر الجامعات، ط ۲، ۱۴۲۴ق.
۵۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، مرکز کتاب لترجمة و النشر، تهران-ایران، اول، ۱۴۰۲ ه.ق.
۵۶. المظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم: نشر دانش اسلامی، ۱۴۰۵ ه.ق.
۵۷. المنجد، محمد نورالدین، الاشتراک اللفظی فی القرآن الکریم بین النظریة و التطبيق، دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۹ ه.ق=۱۹۹۹م.
۵۸. _____، الترادف فی القرآن الکریم، دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۹ ه.ق=۱۹۹۹م.
۵۹. _____، التضاد فی القرآن الکریم، دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۰ ه.ق=۱۹۹۹م.
۶۰. موسوی بجنوردی، محمد کاظم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائر المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۶۱. النادری، محمد اسعد، فقه اللغة مناهله و مسائله، بیروت: المكتبة المصرية، ۱۴۲۵ق=۲۰۰۵م.
۶۲. نصار، حسین، المعجم العربی نشأته و تطوره، قاهره: دار مصر للطباعة، ۱۹۸۸م=۱۴۰۸ق.
۶۳. هفتر، اوغست، ثلاثة كتب فی الاضداد، الاصمعی (م. ۲۱۶ق.)، ابن السکیت (م. ۲۴۴ق.)، السجستانی (م. ۲۴۸ق.)؛ بیروت، المشرق، ۱۹۸۶م؛
۶۴. همایون، همادخت، واژه نامه زبان شناسی و علوم وابسته، تهران: پژوهشگاه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۷۲ش.

۶۵. واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰ جلد، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۴ هـ ق.
۶۶. وافی، علی عبدالواحد، فقه اللغة، قاهره: دار النهضة مصر، ۱۳۸۸ ق/ ۱۹۶۸ م.
۶۷. یعقوب، امیل بدیع، فقه اللغة العربية و خصائصها، بیروت، ۱۹۸۲ م.
۶۸. میرجلیلی، علی محمد، نقش قرآن در پیدایی و پیشرفت علم لغت، قم: بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
۶۹. خمینی، سید مصطفی، تحریرات الاصول، تحقیق سید محمد سجادی، موسسه الطبع و النشر، ط ۱، ۱۴۰۷ ق.
۷۰. ملکی نهایندی، محمد، فقه اللغة ۱: آشنایی با لغت نامه های عربی، قم: وثوق، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۷۱. _____، آموزش مفردات قرآن، احادیث و لغت عمومی عرب قم: وثوق، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۷۲. ربانی محمد حسن، درآمدی بر دانش لغت، مشهد: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۰.
۷۳. جواهری، سید محمد حسین، درس نامه ترجمه: اصول، مبانی و فرایند ترجمه قرآن کریم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۷۴. جعفری فشارکی، ولی اله، درآمدی بر علم اللغة، اصفهان: حدیث راه عشق، چاپ دوم، ۱۳۹۱.

فیدر قابل استناد (دفتر تلویزیون متون درسی حوزه های علمیه)